



Contents

عَلِّيت	6
تغییر	8
آگاهی	10
پنج قانون معنوی این دنیا	14
خدا	18
HU هیو	25
حیات	27
مکشا	31
کیهان فیزیکی	32
خویش(ایگو)	34
روح	37
روح الهی	39
تکامل معنوی	41
عدم تکامل معنوی	42
قانون توانمندی(قوت)	42
بقا	45
سه اصل بنیادین اکنکار	46
Assumption فرض	50
(Attitudes) چارچوب ذهنی	51
الماس های مرتبط	59
تقدیر	62
عدم وابستگی	64
قوه تشخیص	67
Economy مقتصد بودن	70
قوانین نامرئی	76
کارما	77
طبیعت	90
تضاد و دوگانگی	92
محافظت	97
پژواک(Resonance)	99
تلاش معکوس	100
رشد معنوی	102

وحدت.....	103
قوانینی برای چلا.....	107
خلاقیت.....	109
دارما.....	112
چهار زوآس.....	116
سپاسگزاری و شکرگزاری.....	118
عشق.....	120
دو قانون می بوری.....	128
عدم دخالت.....	130
وفور.....	133
تداوم فزاینده.....	135
سکوت.....	137



All things from heaven to earth are under Its care;
and It hears the faint chirp of the cricket, though It
may seem deaf to our loudest prayers.

قوانین خرد

قوانینی که درباره قدرت الهی،
و چگونگی تجلی آن
صحبت می کنند.

علّیت

علّیت : چرخ حیات ، که عاملی است در زندگی های انسان و چرخه های معنوی ;کارما.

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

قدرت ECK ، هوشی است که سراسر فضا را پر می کند و به تمام موجودات زنده تحرّک می بخشد. این عمل و عکس العمل ذهنی، قانون علّیت است. اصل و پایه علّیت، در فرد آغاز نمی شود، بلکه در قدرت کیهانی است. این قدرت عینی و خارج از ذهن نیست، بلکه روندی است ذهنی، و نتایج آن در طیف نامحدود و گوناگونی از شرایط و تجربیات دیده می شود. برای نمایان شدن حیات، حضور این قدرت الزامی است. هیچ چیز بدون قدرت کیهانی نمی تواند وجود داشته باشد. هر چیزی که هستی دارد، تجلی ای از این قدرت پایه است ، قدرتی که از آن، همه چیز آفریده شده و همواره نیز آفریده می شود. انسان در دریایی بی کران از این وجود اتری و شکل پذیر Plastic Ether که قدرت ECK نام دارد زندگی می کند، و این وجودی است همیشه زنده و همیشه فعال، بسیار بسیار حساس است. اشکال فکری مختلف، از آنچه که این وجود از خود نشان می دهد، شکل و قالب می گیرند .

گفتگو هایی با استاد ، فصل 20

وجه دیگری از روح الهی، که حتی مهمتر از نور است، چیزی است که آن را به عنوان صوت¹ می شناسیم. این جریان صوت در واقع صدای خداست. آنچه که در مورد انجیل از آن به عنوان کلمه یا کلام خدا صحبت شده است : " در ابتدا کلمه بود و کلمه تبدیل به جسم شد و در میان ما منزل کرد. " این صوت، جریان آفریننده ای که از جانب خدا می آید، جهان های تحتانی را خلق کرده است .

همچون امواج رادیویی، از ایستگاه فرستنده مرکزی، گسیل می شود. همانند سنگ کوچکی است که به سطح آرام دریاچه پرتاب شود و دایره هایی را که به سمت بیرون حرکت می کنند پدید می آورد. این امواج و دایره ها بیرون می روند. ولی همیشه باید دوباره به سوی مرکز خود باز گردند. و این موج در حال برگشت است که ما به آن علاقمند هستیم. این چیزی است که روح ، در جستجویش است تا به مرکز خداوند باز گردد.² وقتی به مرکز خداوند باز می گردد. آن را خدانشناسی یا خدا آگاهی می نامیم.

¹ مانده شده ست گوش من از پی انتظار آن / کز طرفی صدای خوش در رسی ز ناگهان

خوی شده ست گوش را گوش ترانه نوش را / کو شنود سماع خوش هم ز زمین هم آسمان

بانگ رسید در عدم گفت عدم بلی نعم / می نهم آن طرف قدم تازه و سبز و شادمان

مستمع الست شد پای دوان و مست شد / نیست بد او و هست شد لاله و بید و ضیمران

² هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

بشنو این نی چون شکایت می کند / از جداییها حکایت می کند... دفتر اول مثنوی معنوی..بخش ۱

فرد مزرعه داری از جزیره آفریقا برایم نامه نوشت. او گفت که یکی از مرغ هایشان چند تا تخم گذاشت، که توسط خروسی که ظاهری مسخره داشت بارور شده بود. سر و گردن این خروس ، کاملاً کچل بود. هر بار که خروس پا به حیاط می گذاشت. تمام خانواده به او می خندیدند.

همه چیز حساسی خنده دار بود، تا این که تخم ها باز شدند. یکی از جوجه ها دقیقاً شکل پدرش بود -

سر کچل، گردن کچل، از آنجایی که جوجه کوچولو خیلی زشت و کوچک بود، جوجه های دیگر به آن نوک می زدند و در آخر هم کاری کردند که بال او شسکت. خانواده مزرعه دار برای محافظت از آن جوجه، مجبور شدند آن را به داخل خانه بیاورند. فردی که نامه را نوشته بود گفت: " می دانید ، خیلی جالبه که ما چقدر به این خروس سر و گردن کچل می خندیدیم و حالا می بینیم که جوجه ای که دقیقاً شکل اون هست، داره بین ما و داخل خونه مون زندگی می کند ! "

افکار ما به هر شکل و ماهیتی که باشند سر انجام به سوی خود ما بر می گردند. این ، قانون کارما³ نام دارد، یا همان قانون علت و معلول، اکیست ها کاملاً با آن آشنا هستند.

³ ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر / کای نور چشم من به جز از کشته ندروی.....حافظ

تغییر

قانون تغییر ، شرایط موجود در جهان های زمان و مکان ، همیشه دستخوش تغییر هستند، اینجا هیچگونه ثباتی وجود ندارد.⁴

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

اینجا دنیای تغییر است. در حقیقت ، هم این دنیا و هم بهشت های متعددی که فراتر از جهان فیزیکی قرار دارند ، در گردشی همیشگی از تغییر و دگرگونی به سر می برند. تغییر ، قانونی ثبات و غیر قابل تغییر برای جهان های تغییر است.

حکمت دل ، کتاب دوم ، یادداشت خرد 28

هر آن کس که در تسلط موها (Moha) (وابستگی غیر واقعی و موهوم، حماقت، مسامحه، نگرانی، دلهره . یکی از پنج انحرافات ذهنی و برعکس عدم وابستگی است) باشد، غافل از قانون تغییر است، قانونی که بر همه چیز در جهان های تحتانی سایه افکنده است. در اینجا هیچ چیز ثباتی وجود ندارد. زیرا جهان های مثبت و منفی در برخورد همیشگی به سر می برند که گاهی برای مدتی، چیزهای خوبی را در زندگی نمایان می کند، و سپس گاهی چرخش ناامید کننده به سوی درس های بد و ناخوشایند می کند. این تنش فعال، میان نیروهای مثبت و منفی چیزی است که برای کشیدن فرد به فراسوی ظرفیت فعلی اش ضروری است.

سفر روح 2، درس 4

شرایط موجود در این قلمروی متغیر و ناپایدار از زمان و مکان، همیشه در مرحله خاصی دستخوش تغییر است. این، یکی از قوانین این جهان های ناپایدار است.

دیسکورس های ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 10

در میعاد چلا با سرنوشت، ماهانتا می خواهد معنا و مفهوم حقیقت واحدی را به او نشان دهد: کلا مسئله تغییر، ملاکی است برای رشد معنوی، و بدون وجود تغییر، هرگز هیچ رشدی نخواهد بود.

دیسکورس های ست سنگ ECK ، سری سوم ، درس 11

مردم، وقتی درك نمی کنند که وجود تغییر به نفع خود آنهاست، معمولاً درب برکات الهی را به سوی خود می بندند – آن هم فقط به این خاطر که در قالب تغییر است.

⁴ فی الجمله اعتماد مکن بر ثباتِ دهر / کاین کارخانه ایست که تغییر می کنند
مُلکِ این مزرعه دانی که ثباتی ندهد / آتشی از جگر جام، در املاک انداز
دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دایما یکسان نباشد حال دوران غم مخور
رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند / چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند.....حافظ

دستورهای بیدارباش معنوی ما، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 15 ، فصل 6

توانایی در پذیرش تغییرات، در حین عبور از حال به آینده، و یا از یک جهان به جهان دیگر در لحظه حال، مستلزم داشتن وضعیت آگاهی ای فرز و تند و تیز است.

طبل آهنگ زمان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 10 ، فصل 2

توجه خود را به آرامی بر وضعیت خاصی در زندگی خود قرار دهید، سپس نقطه نظر و دید خود را به عنوان روح ، بر فراز آن وضعیت ببرید. به هر آنچه که آن پایین است نگاه کنید، گویا دارید به یک صفحه شطرنج می نگرید. می توانید به همین طریق، به هر وضعیتی در دنیا نگاه کنید. همانطوری که از بالا دارید به آن نگاه می کنید، خیلی ساده با تغییر دادن جایگاه خود بر روی صفحه شطرنج، آن وضعیت را تغییر دهید. این وسیله ای بسیار موفق است و آنانی که از این وسیله استفاده می کنند، غالبا تغییرات عظیمی را در خود بوجود می آورند.

هنر رؤیا بینی معنوی ، فصل 9

تغییر و دگرگونی در اینجا، قانون حقیقت است. این قانون، موجب زدودن تار عنکبوت از جلوی چشم روح می شود و مسیری مناسب و درست را برای رسیدن به یک زندگی شادتر و پر ثمرتر به او نشان می دهد. و با این حال، با وجود تمام ثروتهای معنوی ECK، چلاها این ثروت ها را فراموش می کنند. آیا این عجیب نیست که چطور طبیعت بشر ، چند اتفاق کوچک را از گذشته دستچین می کند، و برای خود خاطراتی می سازد و اغلب، برکات ECK را از آن حذف می کند؟ طبیعت بشر، همچون کودکی دمدمی مزاج است.

همه چیز در زندگی، در حیطه تغییر واقع شده است، با این حال، آنچه که بیشتر از هر چیزی مهم است، توانایی شما در تغییر دادن آگاهی تان در هنگام مواجه شدن با الزامات و ضروریات لحظه حال است. چنین تغییر زیبا و خوش ترکیبی، همواره شما را از نظر معنوی ، جوان نگه می دارد.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی : راهنمای رهبران ECK ، مقاله 42

هر چقدر هم که تغییر به نظرمان سخت و دشوار برسد، آن برای تطهیر روح های نابالغ و بالغ لازم است.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی : راهنمای رهبران ECK ، مقاله 82

آگاهی

قانون آگاهی، شناخت یا درك وجود داشتن خویش و یا اشیاء در فکر، که زندگی بیرونی و اشکال مختلف را تجلی می دهد.⁵

دریایی کیهانی از واژه ها ، واژه نامه اکنکار

ما هر یک خودمان، وضعیت آگاهی خودمان را انتخاب می کنیم. برای خیلی از انسان ها و حتی برای واصلان ECK ، مدتی طول می کشد تا متوجه این مسأله شوند. ما خودمان جهان خود را می سازیم. آنچه بسیاری از ما امروز هستیم، تمام چیزی است که در موردش فکر کرده ایم، و تمام آنچه در تمام این اعصار بوده ایم.

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 1

مبداء و منشاء هر چیزی در کل جهان در ایده و در فکر است⁶، و تکمیل شدنش نیز در تجلی فکر از طریق شکل و قالب است. مراحل بینابینی بسیاری نیز ضروری هستند، ولی علت و معلول تمام این ها، فکر و شیی می باشند . این معنی اینکه در اصل ، شیی از قبل در فکر وجود داشته است. این آگاهی است. اگر این حقیقت داشته باشد که شیی باید قبل از اینکه فکر خلقتش کند، در خود فکر باشد، پس واضح است که کمال مطلوب در زندگی بیرونی ما می تواند فقط به نسبتی که ابتدا در فرمان شکل می گیرد، نمود پیدا کند. این کمال ، فقط تا آن حد از طریق افکار ما شکل می گیرد که وجودش را در ECK متعال ادراك کرده باشیم و نه بیشتر

.....روح ، اندیشه کننده افکار است . آگاهی هنگامی پاسخ می دهد که توسط روح هدایت شود که فراتر از تمام افکار ، اجسام ، انرژی مکان و زمان است. حتی خود عمل فکر کردن نیز مستلزم خودآگاهی است.

⁵ همچو جم جرعه ما کش که ز سر دو جهان / پرتو جام جهان بین دهدت آگاهی.... غزلیات حافظ ... غزل ش 488

هیچ دانی راه رو چون دید راه / هرکه افزون رفت افزون دید راه عطار

هر ذره و هر خیال چون بیداریست / از شادی و اندهان ما هشیاریست

بیگانه چرا نشد میان خویشان / کز پاخبران بی خبری بدکاریست

جان نباشد جز خبر در آزمون / هر که را افزون خبر جانفش فزون جلال الدین رومی بلخی

⁶ صورت از معنی چو شیر از بیشه دان / یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان

این سخن و آواز از اندیشه خاست / تو ندانی بحر اندیشه کجاست

لیک چون موج سخن دیدی لطیف / بحر آن دانی که باشد هم شریف

چون ز دانش موج اندیشه بتاخت / از سخن و آواز او صورت بساخت

از سخن صورت بزاد و باز مرد / موج خود را باز اندر بحر برد

زیرا تمام افکار فقط از طریق خودآگاهی امکان پذیرند. بنابراین آنچه من هستم را ، آنچه که بالاتر و فراسوی تمام فکرهاست، نه می توان از طریق آگاهی نشان داد و نه از طریق عقل، حتی هنگامی که آگاهی نتواند به آن فکر کند نیز برای روح، که من هستم . این امکان وجود دارد که آن چیز یا مطلب را بطور کامل بداند و بشناسد .

..... در روند خلاق و آفریننده روح، ما تبدیل به بازتابی انفرادی از قدرت الهی می شویم که ما باید باشد متناسب با خویش فرد.⁷ اگر الوهیت را به عنوان پتانسیلی نامحدود و بی کران از تمام آن چیزی بشناسیم که بتواند انسانی بی نقص را بسازد، آنگاه بنا بر قانون خلاقیت و آفرینندگی، این مفهوم و فکر باید تصویری مطابق با آن را در افکارمان شکل دهد، که آن هم سپس به نوبه خود در زندگی و شرایط بیرونی مان عملکردش را نشان خواهد داد. این بنا بر قانون آگاهی ، عبارت است از کل ماهیت این روند.⁸

ندای الهی ، فصل 9

همه مذاهب و مسیرهای مختلف⁹ ، را روح الهی در اختیار روح قرار داده است، تا بتواند طبق سطح آگاهی خود انتخاب کند که چگونه می خواهد به سوی خدا بازگردد . هر مسیری به مسیر دیگر رهنمون

می شود، و بعد هم به مسیری دیگر، درست است که در سطح آگاهی خاصی تولد یافته ایم ، ولی این را به خود مدیون هستیم که تلاش کنیم به سطوح بالاتری دست پیدا کنیم. در هنگام تولد میزان آگاهی لازم برای طی کردن از بدو تولد تا مرگ در اختیارمان قرار می گیرد. میزانی که ما را قادر می سازد به مدرسه برویم، تجارت و یا شغل خاصی را یاد بگیریم، و راه مان را بسازیم، ولی برای رفتن به فراسو و دست یافتن به سطوح عظیم تری از آگاهی نیاز به تلاش خاصی است. این کار را می توانیم از طریق کسب تجربیات مستقیم با نور و صوت خدا انجام دهیم.

چگونه خدا را ببایم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 8

هر بار که وارد وضعیت دیگری از آگاهی می شوید، اصول و قوانین مربوط به غذا خوردن تان نیز ممکن است تغییر کند، آن گاه شروع می کنید به تغییر دادن رژیم غذایی و ویتامین های تان. و سرانجام نیز اگر اوضاع از دست تان خارج شود . ممکن است نزد متخصص تغذیه بروید. چرا؟ زیرا در حال عبور از

⁷ چیزی که تو را باید افلاک همان زاید / گوهر چه کمت آید چون در تک دریایی

⁸ چون سر و ماهیت جان مخبرست/ هر که او آگاهتر با جان ترست

روح را تاثیر آگاهی بود / هر که را این بیش الهی بود

چون در و دیوار تن با آگاهی ست / زنده باشد خانه چون شاهنشاهی ست

⁹ همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست/ همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنیشت

درون صومعه و مسجد تویی مقصودم ای مرشد/ به هر سو رو بگردانی بگردانم به جان تو

هرکه در این سرا درآید، نانش دهد و از ایمانش مپرسید، چه، آنکه به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان بوالحسن

به نان ارزد. (ابوالحسن خرقانی)

هر کسی رویی به سویی برده اند/ وان عزیزان رو به بی سو کرده اند

هر کبوتر می پرد در مذهبی/ وین کبوتر جانب بی جانبی

ما نه مرغان هوا نه خانگی / دانه ما دانه بی دانگی

وضعیت های مختلفی از آگاهی هستید و بدن تان دارد مطابق با این قانون که "صورتی در زیر وجود دارد هر چه در بالاست"¹⁰ واکنش نشان می دهد وقتی در وضعیت آگاهی تان رشد می کنید و یا وقتی به وصل بعدی خود نزدیک می شوید، همه چیز شروع به تغییر می کند و از خودتان می پرسید که اوضاع از چه قرار است. مسأله خیلی ساده این است که سطح آگاهی تان دارد تغییر می کند، حتی کلمه سری تان نیز ممکن است دیگر عمل نکند، و باید درخواست کلمه دیگری کنید.

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 14

طبق سلسله نظام معنوی ، گسترش و رشد آگاهی تنها هنگامی اتفاق می افتد که فرد در شرایط یادگیری جدیدی قرار گیرد.

دیسکورس های ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 9

زندگی تمام انسانها، و موجودات را به سوی گسترش و رشد آگاهی حرکت می دهد.

هنر رؤیا بینی معنوی ، فصل 12

آگاهی ECK است، ولی نه خود خدا. لحظه ای که چلا از خود به عنوان ECK آگاهی یابد، خودش را در کلام خدا، صدای خدا مستقر کرده است. این شناختی (خودشناسی) است که روح در جهان پنجم از خودش به دست می آورد. این شناخت (خودشناسی)، منجر به خداشناسی می شود، که هدف نهایی تمام چلاهایی است که مسیر ECK را دنبال می کنند.

شریعت - کی - سوگماد ، کتاب اول ، فصل 8

ساده ترین کلید برای " آگاه "بودن هنر گوش سپاری است. با تمام توجه خود به دیگران گوش دهید ، و در ضمن گوش های خود را برای شنیدن صدای ساکت ماهانتا که از طریق دیگران صحبت می کند، تیز کنید. این صدا از طریق دیگران، رؤیاهای بیداری و الهامات نیز با شما صحبت می کند. آگاه بودن، یعنی تواضع داشتن و مهربان بودن در لحظه حال زندگی. خلاصه اینکه وقتی عشق، تمام وجودتان را پر می کند، خویش تحتانی و پست (ایگو)¹¹ عرصه را ترک می کند.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی : راهنمای رهبران ECK ، مقاله 83

¹⁰ نسبت زیر و زبر شد زان دو کس / سقف سوی خویش یک چیزست بس

گر تو برگردی و برگردد سرت / خانه را گردنده ببند منظرت

ور تو در کشتی روی بر یم روان / ساحل یم را همی بینی دوان

در چه دنیا فتادند این قرون / عکس خود را دید هر یک چه درون

آن مبدل شد درین جو چند بار / عکس ماه و عکس اختر بر قرار

¹¹ آن نفسی که باخودی یار چو خار آیدت / وان نفسی که بیخودی یار چه کار آیدت

آن نفسی که باخودی خود تو شکار پشه ای / وان نفسی که بیخودی پیل شکار آیدت

آن نفسی که باخودی بسته ابر غصه ای / وان نفسی که بیخودی مه به کنار آیدت

آن نفسی که باخودی یار کناره می کند / وان نفسی که بیخودی باده یار آیدت

آن نفسی که باخودی همچو خزان فسرده ای / وان نفسی که بیخودی دی چو بهار آیدت جلال الدین رومی بلخی

پنج قانون معنوی این دنیا

پنج قانون معنوی این دنیا، این ها فقط پنج تا از قوانین معنوی بسیاری است که در این دنیا وجود دارد. این قوانین بلاخص در زمینه سیاست و مذهب، بسیار مهم هستند .

1- شروع حیات انسانی(دمیده شدن روح به جسم) هنگامی است که نوزاد اولین نفش را می کشد(در بدو زایمان).¹²

2- عشق، اولین و عظیم ترین قانون هاست ، که به آن قانون تمام قوانین نیز گفته می شود: به خدا عشق بورز، به همسایه ات عشق بورز و به خودت.

3 - برای غذا خوردن خود کار کنید. این به رفاه و آسایش عمومی و مسئولیت مان برای پیشبرد زندگی خود مربوط می شود.

4 - به خدا و به سزار مالیات بدهید ، این به **وظیفه ما در قبال دولت**، در زمینه دادن مالیات مربوط می شود.

5 - مزد کارگر را بدهید، این به **وظیفه دولت در قبال مردم** مربوط می شود.

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

قانون اول مربوط می شود به شروع حیات انسانی ، شروع حیات انسانی (دمیده شدن روح در جسم) هنگامی است که اولین نفس وارد جسم نوزاد می شود(بدو زایمان). آنچه در تصدیق این مطلب در انجیل (Genesis 2:7 آمده عبارت است از: " و پروردگار، انسان را از خاک آفرید و از سوراخ بینی او، از طریق اولین تنفس زندگی را در او دمید، و سپس انسان روحی زنده شد . "نکته اصلی در این قسمت، عبارت است از: و با اولین تنفس (بدو تولد) زندگی را در او دمید.

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 7

قانون دوم می گوید: عشق، اولین و عظیم ترین قانون هاست .

این قانون را می توان قانون تمام قوانین معنوی دانست، عیسی در انجیل Matthew 22:37-39 می گوید: " باید به پروردگار خود از صمیم قلب، ذهن و جان خود عشق بورزید". این اولین و بزرگترین قانون است و دومین قانون این است که همسایه خود را نیز به اندازه خود دوست بدارید اگر رهبران دنیا و مردمان آنها در جامعه، این دو قانون را به درون خود راه می دادند، این دنیا، دنیای کاملاً متفاوتی می شد.

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 7

سومین قانون راجع به رفاه عمومی است، این قانون در مورد مسئولیت ما در قبال پیشرفت زندگی

¹² مترجم : سقط جنین قتل نفس محسوب نمی شود، چون جنین در شکم مادر فاقد روح هست و روح در بدو زایمان به جسم دمیده می شود.

خود در این دنیا است. این قانون در نامه دوم پولس رسول ، خطاب به تسالونی ها (Thessalonians) ذکر شده است، و در اینجا من این را از نسخه King James نقل قول می کنم

" ما به هیچ وجه نان کسی را در ازای هیچ نخوردیم "

یعنی

بدون اینکه بهایی دهیم و یا کاری در ازای آن انجام دهیم، از کسی غذا قبول نکردیم.

" بلکه روز و شب با رنج و مشقت کار کردیم ، تا مدیون هیچ کدام از شما نباشیم. "

که معنای آن این است که هیچگونه بدهی در قبال هیچ چیزی به کسی نداریم. پولس رسول می خواست بگوید که ما برای روزی خود زحمت کشیدیم و سربار کسی نبودیم، و این سنتی است که می خواهیم به شما نیز منتقل کنیم و این ها اصول بسیار خوبی هستند . نه اینکه قدرتش را داشتیم ، بلکه می خواستیم سر مشقی باشیم برای شما.

پولس رسول در ادامه می گوید : "

" به بیان دیگر او می گفت ، که ما هم می توانستیم ادای بزرگان را در آوریم و بگوییم : "

بیایید به ما رسیدگی کنید . ما آمده ایم شما را به راه راست هدایت کنیم ، پس بیایید به ما غذا و اتاق

می توانستیم چنین کنیم و شما نیز مجبور به اطاعت بودید ولی چنین نکردیم ، می دهید . "

خواستیم مثال و سرمشقی برایتان باشیم.

سپس می گوید: " زیرا حتی وقتی کنارتان بودیم نیز ، فرمان تان می دادیم که اگر کسی کار نمی کند ، نباید چیزی بخورد. " این نکته بسیار مهمی است . و چیزی است که قانون گذاران سیستم رفاه عمومی باید به آن توجه کنند. سپس در خاتمه می گوید : " زیر خبردار شده ایم که عده ای هستند که لالابالی در میان شما راه می روند، هرگز کار نمی کنند، و به همه چیز هم کار دارند . "

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 7

قانون چهارم در مورد وظیفه ما در قبال دولت در زمینه پرداخت مالیات است: به خدا و به سزار مالیات بدهید.

فریسی ها سعی داشتند کاری کنند که عیسی در مخالفت با دولت روم سخن بگوید، زیرا اگر موفق به این

کار می شدند، می توانستند دولت روم را با او دشمن کنند، و او را به زندان بیندازند. بنابراین از او پرسیدند: آیا مالیات دادن به سزار، قانونی است؟

عیسی زرنگی نشان داد و گفت: " سکه ای نشانم دهید . "

گفتند: " البته "

سکه ای به دست او دادند . او گفت: " تصویر چه کسی روی این سکه است؟

گفتند: " سزار "

و عیسی گفت: " پس آنچه متعلق به سزار است را به خود سزار دهید، و آنچه متعلق به خداست ، به خدا.

فریسیان از زرنگی او در شگفت بودند . "

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 7

قانون چهارم در مورد **وظیفه مردم در قبال دولت** بود .

قانون پنجم در مورد **وظیفه دولت در قبال مردم** است. این قانونی است که مقامات دولتی دوست دارند فراموش کنند. وقتی آن را فراموش کنند، و از طریق مالیات، بیشتر از حد مجاز، از مردم دریافت کنند ، در واقع دارند مردم خود را به بردگی می کشند ،اگر در جامعه پول نداشته باشید، هیچ گونه آزادی ای نخواهید داشت .¹³

قانون پنجم: **به کارگر مزد دهید.**

پولس رسول می گوید: " شما نباید به گاوی که غلات را خرمن کوبی می کند، پوزبند بزنید . و کارگران، مستحق دریافت مزد خود هستند . "

پولس سعی کرد این مفهوم را در نامه ای که به کرینتی ها (Corinthians) نوشت نیز توضیح دهد .

در این نامه باز هم می گوید: " نباید دهان گاوی را که غلات را خرمن کوبی می کند ببندید." و در اینجا هدف و انگیزه مردم از کار کردن بیان می شود: " آنکه شخم می زند، باید با امید شخم بزند و آنکه با امید، خرمن کوبی می کند، باید از امیدش بهره مند شود . "

اگر شخم بزنید و آنگاه کسی بیاید و بگوید که باید تمام محصولات خود را به سزار دهید، دیگر انگیزه و دلیلی برای کار کردن نخواهید داشت. این دقیقاً همان کاری است که قبلاً در اتحاد جماهیر کمونیستی شوروی سابق انجام می شد.

مردم کار نمی کردند، و اکنون دیگر شوروی وجود ندارد. این مثالی از دولتی است که سعی داشت مردم خود را به بردگی بکشاند .دولت می گفت: " نگران چیزی نباشید ما از شما مواظبت می کنیم . "

و تنها کاری که می کرد سرکوب کردن مردم و به بردگی کشاندن آنها بود . **سوسیالیسم** هم مثل کمونیسم است. منتهی هنوز آنقدر قوی نشده است. ما باید کاملاً به آزادی معنوی موجود در این قوانینی که در انجیل آورده شده توجه کنیم .

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 7

تثبیت

قانون تثبیت ، قانونی که حاکم بر قلمروی کل (Kal) است و به این قلمرو ، ظاهری کامل ، پهناور و سرشار از توافق و سازگاری می بخشد، در حالی که با محدودیت ها و قید و بندهای بی شماری احاطه شده است و فقط مسافر معنوی است که از این محدودیت ها آگاه است.

دریایی کیهانی از واژه ها ، واژه نامه انکار

ECK ، شامل قانون تثبیت نمی شود .

سفر روح 2 ، درس 2

تعالیم پنهان ECK به خاطر انعطاف پذیر بودن شان است که توانسته اند در جهانی سخت و بی رحم باقی بمانند. چنین گفته می شود که دلیل ماندن تائوئیسم (فلسفه و مذهب باستانی چین، پس از آیین کنفوسیوس، نظام اخلاقی و مذهبی چین) این بود که آیین کنفوسیوس همه چیز را در قوانین خشک و ثابت منزل داده بود. ECK و زندگی، پیوسته در تغییرند، کل (Kal) و محدودیت هایش همیشه در وضعیت های آگاهی ثابتی قرار دارند که سعی دارند حقیقت را در زندان قرار دهند و اطرافش را دیوار بکشند.

سفر روح 2 ، درس 2

غلامان حلقه به گوش کل نیرانجان در جستجوی شان برای یافتن حقیقت، به راه غلط افتاده اند، زیرا قلمرو فرمانروایی او تحت کنترل قانون تثبیت است . این قانون ظاهری پهناور، کامل و سازگار به قلمروی او می بخشد ، ولی در واقع فرمانروایی او درون گودالی از محدودیت های بی شمار واقع شده است که فقط مسافر معنوی به آن آگاه است .

سفر روح 2 ، درس 2

خدا

قانون خدا ، منشاء همه چیز در روح الهی¹⁴ است، حقیقت الهی، یکتا و بی تغییر است.

دریایی کیهانی از واژه ها ، واژه نامه انکار

مسافرت طولانی و پرماجرایی روح، به ما یاد می دهد که با قوانین خدا همکاری کنیم. زندگی های بسیاری همراه به سختی ها و دردهایش طول می کشد تا ما بتوانیم تمام درس های الهی را بیاموزیم. و وقتی این درس ها را بیاموزیم، لطف الهی شامل حال مان می شود تا بطور آگاهانه از بالاترین جنبه های مقام قدوسیت بهره مند شویم .

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 31

قانون خدا می گوید : " روح وجود دارد زیرا خواست و اراده خدا چنین است . "

بنابر این خدا سراسر خلقت را آنچنان دوست دارد که به روح، اجازه ورود می دهد.¹⁵ اگر خدا عاشق حیات نبود ، هیچگونه موجود زنده ای در این جهان وجود نمی داشت و همه چیز خشک و بی حاصل می شد.¹⁶ زمان فضا، قانون، فرصت، ماده، انرژی، و هوش، همگی از تأثیرات عشق خدا به حیات هستند و دلیل وجودشان فقط خدمت به روح در سفرش برای یافتن آزادی و رهایی است .

روح، علت آن اصل و قانونی نیست که موجب غم و شادی می شود. روحی که در جهان های تحتانی دربند و زندانی است، حتی علت اولیه بوجود آورنده تضاد هم نمی تواند باشد. ولی به عنوان روح آزاد، این

¹⁴ فیض روح القدس ار باز مدد فرماید/ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

فرشته ای به حقیقت سروش عالم غیب/ که روضه کرمش نکته بر جان گیرد

در راه عشق و سوسه اهرمن بسی ست / پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن (حافظ)

بوی زلف مشکبار روح قدس / همچو جان اندر بدن می آید

آب حیات حقست وان کو گریخت در حق / هم روح شد غلامش هم روح قدس لالا

چو روح قدس ببوسید نعل مرکب او / ز نعل نعره برآمد که حال و کار نگر

این صورت ها جمله از پرتو او باشد / و آن روح قدس پاک است از صورت ها ساده

گر اجزای زمینی و گر روح امینی / چو آن حال ببینی بگو جل جلالا (جلال الدین رومی بلخی)

¹⁵ آن دل که شد او قابل انوار خدا / پر باشد جان او ز اسرار خدا... رباعی شماره ۱ مولانا

نشان اهل خدا عاشقیست با خود دار / که در مشایخ شهر این نشان نمی بینم... غزلیات حافظ... غزل ش ۸۵۳

داد خود از کس نیابم جز مگر / زانک او از من بمن نزدیکتر... دفتر اول مثنوی معنوی... بخش ۷۰۱

¹⁶ دور گردونها ز موج عشق دان / گر نبودی عشق بفسردی جهان

فرصت و امکان را داراست که خود را به عنوان محرك اوليه شادی و خوشبختی مستقر کند و بگذارد زندگی آن چیزی باشد که باید باشد. این شرایط زندگی را بنا نمی نهد، بلکه هستی دارد به خاطر اینکه زندگی خودش روح را حمایت می کند و این نیز به خاطر عشق عمیق خدا به تک تک روح ها در تمام دنیاست.

شریعت - کی - سوگماد، جلد اول، فصل 8

قبل از آفرینش جهان های تحتانی، زمانی بود که روح، ساکن جهان های بهشتی بود. تجسم کردن روحی در بهشت که خودخواه باشد و رشد نکند سخت است، ولی در مورد روح دقیقاً همینطور بود و او به هیچ کس جز خودش خدمت نمی کرد. بنابراین خداوند روح را به درون جهان های تحتانی فرستاد که مخصوص تجربه کردن او آفریده شدند. مشکلات و ناملایمات، و حتی شادی و لذت - طیف کامل تجربیاتی که از طریق پنج حس خود می شناسیم - همگی برای شکوفایی و رشد روح هستند، تا روزی بتواند یاور و دستیار معنوی خدا¹⁷ شود. این تنها هدف تمام این جهان هاست.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 14

یکی از رایج ترین تصورات غلط، این است که قانون خدا فقط برای کسانی عمل می کند، که هدف و آرمانی مذهبی یا خالص دارند. این اشتباه است. قانون خدا نیز همچون هر قانون فیزیکی دیگری کاملاً بی طرفانه عمل می کند. آن را می توان هم برای اهداف خود خواهانه و طمع کارانه استفاده کرد، و هم برای اهداف شرافتمندانه.

کلیدی براکنکار، صفحه 16

استاد ECK، راجع به قانون خدا سخن می گوید. این قانون متعال، مستقیماً با دل سخن می گوید، زیرا سخنش راجع به ارتباط میان سوگماد (خدا) و روح است. این قانون، عشق است. و به هر روحی که معمای کهنه و قدیمی زندگی که می پرسد: هدف من در اینجا چیست؟ جوابی ارائه می دهد. همه انسان ها، از اگناسیتیک(شکاک به وجود یا نبود وجود خدا) گرفته تا آنانی که خیلی ساده معتقد به خدایی سنتی هستند، همه و همه در حال حرکت به درون حلقه بزرگتری از نور و ادراک هستند.

چهار دیسکوس استاد، درس 12

وقتی با نور و صوت خدا تماس حاصل می کنیم، تنویر و شکوفایی معنوی به دست می آوریم. اکیست در حین مراقبه، نور واقعی خدا را می بیند. این نور، باعث ارتقای معنوی او می شود و کارمایی که در طی زندگی های گذشته بوجود آورده و هم چنین کارمای روزانه همین دوره از زندگی او را مستهلک می کند. بدون نور، شاید بتوان گذران زندگی کرد، ولی بدون صوت، هرگز. این صوت واقعی را می توان به

¹⁷ مرا بقا و فنا از برای خدمت اوست / مرا چو آن نبود این بقا چه سود کند

کان نفس خواهد ز باران پاکتر / وز فرشته در روش دراکتر

عمرها بایست تا دم پاک شد / تا امین مخزن افلاک شد ... جلال الدین رومی بلخی

وضوح و به شکل اصوات معمولی شنید. ممکن است به شکل صدای یک ارکسترا باشد، و یا صدای فلوت ...

این تنها روشی است که خدا می تواند از طریق آن با ما سخن گوید، یا از طریق نور یا از طریق صوت .

وقتی تجربه درونی ای از صدایی پرطنین دریافت می کنیم، این می تواند صدای یک استاد باشد، چه دیده شود و چه دیده نشود، و یا می تواند صدای یک فرشته باشد – ولی خدا نیست. ندای حقیقی آن چیزی است که ما در¹⁸ جستجویش هستیم. این صوت به ارمغان آورنده خرد و حقیقتی است که فراتر از تمام ادراکات قرار دارد.

وقتی شروع به گرفتن این نور و صوت در زندگی مان می کنیم، این مسأله خودش را در نحوه امور زندگی مان نشان می دهد. زندگی روزمره ما انعکاسی از چیزی است که در درون رخ می دهد. ممکن است از نظر معنوی موفق باشیم، ولی لزوماً به این معنا نیست که در زندگی بیرونی مان ثروتمند خواهیم بود. اگر هدفی برای خود ایجاد می کنیم. باید از تجربیات مربوط به آن، تمام اصول معنوی مربوطه را بیرون بکشیم این اصول به ما کمک می کنند که موفق باشیم. موفق از این نظر که ما را به مرحله بعدی در زندگی، رهنمون می سازند. آنچه ما موفقیت (معنوی) می نامیم، ممکن است از نظر دیگران شکست تلقی شود، زیرا نگاه و دیدگاه ما متفاوت است و به خاطر همین نگاه و نگرش است که خوشبختی و رهایی ای داریم که خیلی ها واقعاً دوست دارند تجربه اش کنند و هرگز نیز نتوانسته اند آن را بیابند .

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 15

خدا به نوبه خود، خط سیر معینی را دنبال می کند و به تعبیری می توان گفت که اهمیتی به فرد نمی دهد، ولی در همان حال، باید گفت که رفاه و سعادت او (فرد) نزدیکترین چیز به قلب خداست. همه چیز از بهشت ها گرفته تا به زمین، تحت محافظت آن است، و اگرچه شاید چنین به نظر برسد که در برابر بلندترین دعاها ما ناشنواست، ولی کوچکترین آواز جیرجیرک را نیز می شنود. بنابراین ما به عنوان گوروهای (ECK Guru)¹⁹ تعیین شده ایم تا به تمام آنانی که برای کمک به سوی مان می آیند مراقبت کنیم. این را به یاد داشته باش: "هان، ای تو که خسته ای و بار سنگینی به دوش می کشی، به سوی من بیا و بارت را از دوشت برخواهم داشت." این است مسئولیت ما در زندگی.

¹⁸ ... ندای عشق تو دیشب در اندرون دادند / فضای سینه حافظ هنوز پر ز صداست

در اندرون من خسته دل ندانم کیست/ که من خموشم و او در فغان و در غوغاست... غزلیات حافظ... غزل ش ۲۲

¹⁹ قطع این مرحله بی مهری خضر مکن / ظلمات است بترس از خطر گمراهی... غزلیات حافظ... غزل ش ۸۸۴

سعی نابرده در این راه به جایی نرسی/ مزد اگر می طلبی طاعت استاد ببر... غزلیات حافظ... غزل ش ۵۲۰

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند / آن چه استاد ازل گفت بگو می گویم... غزلیات حافظ... غزل ش ۸۳۰

استاد زنده ECK، خدامردی است که اکنون در حال زندگی در کیهان فیزیکی است، برای سراسر حیات، اهمیت و توجه قائل است. به او اعتماد کنید²⁰.

کلیدی براکنکار، صفحه 15

بزرگترین اصل خداوند، بقای فرد یعنی روح است، بقا اصل پویای وجود است.

کلیدی براکنکار، صفحه 27

بهتر است همین جا این مسأله را روشن کنیم که تمامی دانش و تمامی حکمت، هرگز به روح داده نمی شود. زیرا جهان خداوند نه آغازی دارد و نه پایانی. در تمام صفات و کیفیاتش بی حد و مرز است، و همواره در حال گسترده شدن به سوی حقیقتی عظیم تر و حکمتی والاتر است.

کلیدی براکنکار، صفحه 29

باور ما در مورد رهایی و رستگاری روح²¹ بامسیحیت فرق دارد. یک مسیحی می تواند هر طور که می خواهد زندگی کند و هر کاری که می خواهد انجام دهد. و فقط کافی است که در آخرین ساعات عمر خود به گناهان خود اعتراف کند و رنج و مسیح بر صلیب را برای جبران گناهان انسان بپذیرد. ولی در حقیقت، قانون خدا اینگونه نیست خیلی ساده تر است.²² وقتی عشق داشته باشیم، با عشق نیز عمل می کنیم. عشق دروازه ورود به بهشت است. این دروازه قدرت نیست. این کنترل کردن (افکار) دیگران نیست، خشم هم نیست. تا وقتی عشق وارد قلب فرد نشود، او هنوز آزادی و رستگاری معنوی²³ را نیافته است.

²⁰ مقصود از وجود عالم ملاقات دو دوست بود که روی در هم نهند جهت خدا دور از هوی اگر کسی مرا تمام بشناسد همین که با من راستی کند از من بسیار آسایش ها بدو رسد و از من سخت بیاساید. شمس تبریزی

اوقات خوش آن بود که با دوست به سر رفت/باقی همه بی حاصلی و بی خبری بود

سالک از نور هدایت ببرد راه به دوست/که به جایی نرسد گر به ضلالت برو

گفتم روم به خواب و ببینم جمال دوست/حافظ ز آه و ناله امانم نمی دهد

وہ کہ در این خیال کج عمر عزیز شد تلف/ابروی دوست کی شود دستکش خیال من

مرید خرقة دردی کشان خوش خویم/شدم فسانه به سرگشتگی و ابروی دوست

²¹ این جهان، زندان و مازندانیان/خُفره کُن زندان و خود را و رَهان

تو هم ز یوسفانی در چاه تن فتاده/اینک رسن برون آ تا در زمین نتاسی

مژده وصل تو کو کز سر جان برخیزم/طایر قدسم و از دام جهان برخیزم

به ولای تو که گر بنده خویشم خوانی/از سر خواجگی کون و مکان برخیزم

²² ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد... غزلیات حافظ... غزل ش ۳۲۱

²³ شاد آمدم شاد آمدم از جمله آزاد آمدم / چندین هزاران سال شد تا من به گفتار آمدم

به جان جمله جانبازان که جانم / به جان رستگاران که رستم

نه دامیست نه زنجیر همه بسته چراییم/چه بندست چه زنجیر که برپاست خدایا

بند همه غمهای جهان بر دل من بود/در بند تو افتادم و از جمله برستم

حکمت دل ، جلد اول ، یادداشت حکمت شماره 9

اکثر انسان ها روش های سخن گفتن روح الهی با فرد را نادیده می گیرند. دلیلش این نیست که این روش ها، روشهایی بیش از حد، پیش پا افتاده و یا احیاناً پست و حقیر هستند، بلکه به این خاطر است که انسانها آنقدر مغرورند²⁴ که به صدای خدا گوش نمی کنند. روح الهی از طریق مخلوقاتش و از طریق طبیعت با ما صحبت می کند. آن به ما نحوه عملکرد قانون خدا را البته اگر ادراك معنوی لازم برای دیدنش را داشته باشیم، نشان می دهد.

داستان هایی برای کمک به شما در دیدن خدا در زندگی ، امثال الحكم ، جلد4، فصل 2

²⁴ ما جفا از تو ندیدیم و تو خود نپسندی / آن چه در مذهب ارباب طریقت نبود -... غزلیات حافظ ... غزل ش ۸۰۲

فیض و رحمت

قانون فیض و رحمت. سازگار بودن با روش های سوگماد برای تبدیل کردن هرفرد به مجرای الهی، از طریق کار کردن بر روی عدم وابستگی، و بالاخص از طریق به کار بردن انضباط در عواطف .

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

ما پله های مسیر معنویت را یک به یک بالا می رویم، از نردبانی که به خدا می رسد بالا می رویم .

عیسی می گفت: " به سوی من بیاید و صعود کنید. "

آنچه او می خواست بگوید خیلی ساده این بود: فیض و رحمت خداوند به سوی شما پایین نمی آید . این مطلبی است که ادیان ، اغلب آن را درك نمی کنند. آنها گمان می کنند که فیض خداوند صرفاً به خاطر اینکه آن را درخواست می کنیم به سوی مان می آید. البته به نوعی نیز چنین می شود ، ولی ما ابتدا باید شایستگی این فیض را کسب کنیم. حداقل باید تا حدودی تلاش خود را بکنیم و بعد لطف و رحمت خدا به سوی مان بیاید، ولی نکته اینجااست که وقتی بیاید ، ما به سوی آن صعود می کنیم .

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2 ، فصل 1

باید انضباط به خرج دهید تا وضعیت آگاهی خود را به سطحی بالا ببرید که این معلمان در آن به سر می برند، یعنی جایی که می توانند به شما کمک کنند. ما به نوعی احساس می کنیم که لطف و فیض خداوند به سوی ما نازل می شود، ولی در واقع ، مسأله همان طوری است که عیسی گفت به سوی من بیایید و صعود کنید.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

هر کس که خواسته ای واقعی برای شناخت و درك خدا داشته باشد می تواند به چنین شناختی دست یابد – لطف و رحمت خداوند، این را تضمین می کند.

کلیدی براکنکار، صفحه 41

رؤیابین جاویدان شروع می کند با وضوح بیشتری خودش را دیدن، و اغلب از آنچه که می بیند خوشش نمی آید. آنگاه می تواند به آنچه که هست مقابله کند – و یا بهتر از آن – آنچه که هست را بپذیرد. این هنگامی است که می تواند بگوید: " من چیزی هستم که هستم ، و در حال حاضر با نهایت وقار و متانتی که در خود دارم ، همان چیز خواهم بود ."

هنر رؤیابینی معنوی، فصل 6

هیچ چیز آن طوری نیست که قبلاً بود. اگر زندگی درسی برای آموختن به ما داشته باشد، همین است . خیلی از درس ها و تجربه ها شبیه به هم هستند، ولی هیچ دو تجربه ای را نمی توان یافت که دقیقاً یکی

باشند. بهترین رویکرد به شکوفایی معنوی این است که والاترین عشق و برکات را از اک مقدس توقع و آرزو کنید و اما هر هدیه ای که ECK سر راهتان قرار داد را بپذیرید.²⁵

توقع داشته باش، و بعد هر چه داد را بپذیر.²⁶

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای رهبران ECK: مقاله 73

²⁵ آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه / بر نتابد کوه را یک برگ کاه مثنوی مولانا

²⁶ از مترجم: برای مثال اگر می‌خواهی کارمند ادراه برق بشوی از ECK بخواه که مدیر عامل اداره برق بشوی (یعنی توقع و خواسته است را حداکثری کن) بعد اگر ECK کارت را درست کرد و بعنوان دست یار مهندس برق استخدام شدی، لطف ECK را قبول کن (یعنی ناشکری نکن که این پوزیشن دستیاری هست، این شغل بدرد نمی‌خورد و من باید بعنوان مهندس برق ارشد استخدام می‌شدم).

قانون هيو HU: اولین قانون جهان فیزیکی، روح الهی، قدرتی همه جا حاضر و نافذ در همه چیز است .

همان قدرت شکل دهنده جهان های هيو، صدای هيو (خدا) .

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

هيوHU ، نام اسراری خداوند را می توان در هنگام مشکلات و گرفتاری و یا غم و اندوه و هنگامی که نیاز به تسلی و آرامش خاطر داریم، زمزمه کرد و یا همچون یک آواز به آرامی خواند. هيو قدرت می بخشد، سلامتی می دهد، و از شما مجرایی برای شفای عظیم تر روح الهی می سازد²⁷.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 20

مسیر ECK می خواهد فرد را به زندگی ای رهنمون کند که از نظر معنوی، ارتقاء بخش باشد، نه تنزل دهنده و منحرف کننده. این مسیر می خواهد بسازد. وقتی در تجربیات درونی خود چیزی می گیرید – مثلاً دستورالعملی برای انجام یک کار خاص – اگر مثبت و متعادل بود، آن را انجام دهید. اگر ناراحت تان کرد و یا از شما خواست که در برابر دیگران از قدرت استفاده کنید – به عبارت دیگر اگر دستوری که دریافت کرده اید باعث می شود دیگران آزادی خود را از دست دهند – آنگاه آن را انجام ندهید. این نیروی منفی است، و این نیرو حتی ممکن است به شکل یکی از استادان ECK نیز ظاهر شود. چرا؟ برای تجربه ما، تا بیاموزیم که چگونه با استفاده از کلمات مقدس خداوند، مثلاً هيو HU ، آن را بیابیم و با آن مبارزه کنیم. می توانید هيو را به آرامی با خود زمزمه کنید تا از شما محافظت کند.

این نام باعث می شود تا درهای قلب خود را به سوی محافظتی که از جانب روح الهی می آید بگشایید. این یکی از عملکردهای هيو HU است، و وسیله بسیار مفیدی هم هست. می توانید در هر زمانی که خواستید از آن استفاده کنید. وقتی به کمک احتیاج دارید – مثلاً وقتی کسی پشت سرتان غیبت می کند و یا می خواهد به شما حمله کند – هيوHU را به سمت آنها روانه نکنید، بلکه فقط آن را بخوانید تا خود را از نظر معنوی ارتقاء دهید تا یا به ادراک خاصی در آن رابطه دست یابید، یا از خود محافظت کنید²⁵ .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 5

²⁷ بلبل از شاخ گل زند هو هو / نغمه کبک و بانگ تیهو هو

بگذر وقت گل به باغ بهار / بشنو از مرغزار آهو هو

در رخ و زلف آن نگار نگر / تا بگویند ترک و هندو هو

می نماید بعینه گویی / زان میان دو چشم جادو هو

چشم و ابرو و غمزه دلجویند / فُتَحَا شَیْت لَنْ یَضْلُوْا هو

بنگر این حسام از چپ و راست/بشِنو ، دم به دم ز هر سو هو

ما هم او و او همه ماییم / هو و هو هو و هو و هو هو

در بسیاری از تعالیم مذهبی، آیین وصل و وصل های مختلف وجود دارد. فراماسون ها از کلمه گمشده صحبت می کنند. این کلمه گمشده، در واقع ذکر هیو HU یا همان صوت خداست. آن مقدس ترین نام خداست و کلمه ای است پر بار. چنین کلمه ای – همچنین کلمه سری تان – به نوبه خود، قدرتی در خودش ندارد. زیرا کلمه ای که در هنگام وصل به ما داده می شود، همچون کلیدی برای باز کردن درهای رحمت و محافظت روح الهی و ماهانتا به سوی ما عمل می کند. آنگاه هر وقت که نیازمند چنین محافظت یا کمکی بودیم، می توانیم این کلمه را به آرامی و یا با صدای بلند زمزمه کنیم و یا بخوانیم.²⁸

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 6

صوت خداوند، جریان قابل شنیدن زندگی، عنصر تطهیر کننده ای است که روح را ارتقاء می دهد تا بتواند روزی به سوی منزل حقیقی اش نزد خالق خود بازگردد .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 20

هیو HU ، نام اسراری خداوند، دوباره در اختیار عموم قرار گرفته است. این کلمه ای خالص است که همچون واژه "خدا" ارزشش در ناسزاگویی و بی حرمتی زبان انسان، پایین آورده نشده است .

ردای آگاهی ، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 3 ، فصل 3

کلمه هیو HU قدرت تطهیر کننده و خالص کننده برای فرد دارد.

ردای آگاهی ، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 5، فصل 3

تمرینات معنوی ECK برای آنانی که خواستار حکمت ECK هستند الزامی است. هر روز هیو را بخوانید . آنگاه کم کم شروع می کنید به هماهنگ شدن با ارتعاشات جریان صوتی. وقتی وارد ریتم حیات شوید، آنگاه خودتان تبدیل به آواز هیو HU خواهید شد.²⁹

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای رهبران ECK ، مقاله 9

حیات

قانون حیات: بودن تجربه سطوح مختلف آگاهی ، زندگی ، روح الهی است. و روح الهی ایستاست .

جریان صوتی است یا ECK

²⁸بر اهرمن نتابد انوار اسم اعظم/ملک آن توست و خاتم فرمای هر چه خواهی...غزلیات حافظ ...غزل ش489

سزد کز خاتم لعلش زخم لاف سلیمانی/ چو اسم اعظم باشد چه باک از اهرمن دارم

باد در مردم هوا و آرزوست/چون هوا بگذاشتی پیغام هوست...دفتر اول مثنوی معنوی...بخش61

²⁹ از هواها کی رهی بی جام هو /ای ز هو قانع شده با نام هو...دفتر اول مثنوی معنوی...بخش156

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

به تجربه با نور و صوت خدا شروع می کنیم، و به این ترتیب ادراک بالاتری را در مورد قوانین معنوی حیات به دست می آوریم. آنگاه با دانستن این قوانین، می توانیم زندگی خود را آسان تر کنیم .

استاد رؤیا، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 8 ، فصل 8

هر تجربه جدیدی، هر موقعیت و شرایط جدیدی در زندگی، دید چلا را گسترده تر می کند و باعث تغییر و دگرگونی کوچکی در او می شود.

بنابراین، ماهیت چلایی که در مورد امور ECK صادق و جدی است، پیوسته در حال تغییر است، نه تنها به خاطر شرایط زندگی بلکه به خاطر افزوده شدن پیوسته عقاید و نظرات جدید، ساختار ذهن او متنوع تر و پیچیده تر می شود. اینکه این را پیشرفت بنامیم یا انحطاط و پسرفت، کاملاً بستگی به نگاه فرد به مسئله دارد. ولی این را باید پذیرفت که این قانون حیات است. در این قانون امور معنوی و امور روانی، یکدیگر را در جهان مادی - معنوی، هماهنگ و متعادل می کنند، و این جهانی است که روح باید زمان خود را در آن سپری کند تا به کمال دست یابد .

شریعت - کی - سوگماد ، جلد دوم ، فصل 5

" خدایا، چرا من " یکی از سؤالات قدیمی است که از خدا می پرسیم. این یک جور دعاست که جهالت ما را در مورد قوانین حیات می پوشاند. مشکلات زندگی، زمانی پیدا می شوند که ما قوانین ECK را درک نکنیم - قوانین روح الهی را .

قلب زرین ، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 4 ، فصل 1

تمام امور و مسائل زندگی را نه عوامل و شرایط بیرونی، بلکه آگاهی خود فرد شکل می دهد. به عنوان مثال، بدن به خودی خود هیچ قدرتی ندارد، هیچ هوشی ندارد و مسئول اعمال خود نیست. دستی که به حال خودش رها شود، تا ابد همانجا خواهد ماند. چیزی باید باشد تا آن را حرکت دهد، و ما آن چیز را "من" یا "روح" می نامیم. این "من" تصمیم می گیرد که چه استفاده ای از دست بشود، دست به تنهایی قدرت تصمیم گیری ندارد. دست، به عنوان یک تأثیر و یا یک شکل وجود دارد و به دستوراتی که به آن داده می شود پاسخ می دهد. آن به عنوان یک ابزار یا وسیله، فرمانبردار ماست، و هر استفاده ای که دارد را ما به آن می بخشیم. این را می توان در مورد تمام اعضای بدن نیز گفت. آگاهی ای که در همان ابتدا به این کالبد شکل داد، آگاهی ای است که اکنون نیز آن را حفظ و نگه می دارد.

خدا از طریق آگاهی، به ما حاکمیت داد، و این آگاهی، که اصل خلاق کالبد و بدن ماست، باید اصل نگهدارنده و محافظ آن نیز باشد. وقتی به این اصل برسید، به اصل کلی حیات دست یافته اید. این به معنای واقعی کلمه، قانون حیات است: ماده، فعالیت، دستور هوشمندانه حیات که درون انسان است.³⁰

³⁰ با تو حیات و زندگی بی تو فنا و مردنا/ زانک تو آفتابی و بی تو بود فسر دنا

کلیدی بر افکار ، صفحه 18 و 19

تا به خودمان عشق نورزیم ، هنوز خیلی چیزها مانده که باید در مورد قانون حیات که ریبازار تارز در موردش با جوینده می گوید، بیاموزیم. من و شما روح هستیم. در مقایسه با شکل خاص روح ، هیچ چیز مجلل تر و پر شکوه تری وجود ندارد. زیرا روح، کاردستی خالق هستی است. البته ، یک قدیس ، مدلی از تواضع است.

4 دیسکورس استاد ، درس 10

همیشه این احساس را داشتم که قانون حیات کاملاً منصفانه و به حق است. و واقعا هم همینطور است. در زندگی همه ما، مرحله ای می رسد که نگرش ها و اعمال مان به سوی مان باز می گردد و تجربیاتی را به ما ارائه می کند که کسب کرده ایم. هدف از این تجربیات این است که نسبت به این مسأله که چرا اینجا، آگاه تر شویم. به تدریج می آموزیم که بودن ما در اینجا صرفاً برای گذراندن وقت نیست ، بلکه برای تبدیل شدن به یاور معنوی خداست .

طبل آهنگ زمان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 10 ، فصل 5

درست همانطور که راهی برای بیرون آمدن پروانه از پیله اش فراهم شده است، قانون حیات ، راهی برای رسیدن ما به آگاهی بالاتر را نیز در اختیار ما قرار داده است .

استاد رویا ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 8، فصل 3

من هیچ شکایت یا اعتراضی به آنچه فرد برای بقای خود انجام می دهد ندارم ، زیرا قانون حیات ، هر کاری که انجام شود را متعادل می کند. بالاخره زمانی می رسد که زندگی ، بهای کامل هر آنچه را که از آن گرفته ایم از ما طلب می کند.

امثال الحکم ، جلد اول ، حکایت دوم

این قانون تمامی حیات است که یا باید پیشرفت کرد یا سیر قهقرای پیمود .

شریعت - کی - سوگماد ، جلد دوم ، فصل 10

قانون حیات یا خیلی ساده تر ، قانون ادراك عبارت است از آن اصل خاص در درون هر انسان ، که وقتی انسان تلاش می کند تا خدا را بشناسد وارونه عمل می کند و به او اجازه این کار را نمی دهد . باید خدا را به شیوه ای جست که در واقع جستن نباشد. روش جستجو کردن خدا این است که خویش درونی خود را به سوی آن بگشایی و به آن اجازه دهی که آنطور که می خواهد زندگی ات را هدایت کند . این نوعی هشجاری درونی است که از طریق متانت و ادراك خاصی کسب می کنی .

بیگانه بر لب رودخانه، فصل 31

قانونی که همه در جستجوی دانستن آن هستند ، همان اصل بزرگ حیاتست است .ساده بودن آن خیلی جالب است زیرا آن را می توان در این جمله خلاصه کرد :

روح وجود دارد زیرا خدا عاشق اوست. به بیان دیگر ، علت وجود تمامی حیات، خواست و اراده خداوند است. این کل بنیان و اساس حیات، و تمامی فلسفهٔ انکار است. نه چیزی بیشتر ، و نه چیزی کمتر. سراسر حیات بر اساس همین اصل مهم و پایهٔ الهی بنا شده است . اگر روح وجود نداشت، هیچگونه حیاتی در زمین و سیارات دیگر و همچنین در هیچ یک از جهان های دیگر در خلقت خداوند، وجود نمی داشت.

شریعت - کی - سوگماد ، جلد اول ، فصل 8

بنابراین ، احترام به زندگی باید ابتدا با احترام به خودمان شروع شود. تا وقتی خودمان را به عنوان وجودی خاص در طرح خلقت خداوند نشناسیم و به قانون حیات می گوید که هر آنچه می گیری، باید بهای حقیقی اش را پرداخت کنی .

استاد درون چگونه عمل می کند ، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 12 ، فصل 10

ECK واقعاً راه میان بری را برای رسیدن به آزادی معنوی در اختیار فرد قرار می دهد ، ولی این صرفاً یک راه میان بر است - نه راهی که بدون داشتن استحقاق لازم بتوان واردش شد. طبق قانون حیات ، فرد باید تمام بدهی های کارمیک خود را بپردازد تا بتواند دلیل وجود مشکلات خود را دریابد.

3 دیسکورس استاد ، درس 11

قوانین معنوی هر یک از جهان های بالا، قوانین پایین تر از خود را حمایت می کنند، ولی ساختار و آمیزه آنها بسیار بهتر و والاتر است. به علاوه ، عنصری والاتر در این قوانین وجود دارد که واصلاً چنین به نظرش می رسد که با قوانینی که در وصل قبلی خود آموخته، در تضاد است. بنابراین باید با قوانین جهان جدیدی که واردش شده در توافق قرار گیرد. او با این کار یاد می گیرد که انعطاف پذیرتر باشد، زیرا حیات ، از هر کسی که مأمن و حریم مقدس سوگماد ، آن نقطهٔ ساکن و آرام حقیقی دست می یابد، چنین چیزی را طلب می کند .

دو دیسکورس استاد ، درس 2

امشب همانطور که به خواب می روید، متوجهٔ درون خود باشید. به دنبال راهنمایی و هدایت روح الهی بگردید ، زیرا این همان صدای خداست. به دنبال راهنمای درونی، استاد رؤیا³¹ بگردید تا به شما بیاموزد که چطور صدای روح الهی را فهم کنید، صدایی که به سوی تان می آید تا به شما بیاموزد که چطور قوانین حیات می توانند زندگی تان را از هر جهتی بهتر کنند.

همچون عقاب ها می آییم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 9 ، فصل 6

³¹ در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم/ * با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

این قانون حیات است که طبق آن، هیچ چیزی قابل دسترس نیست مگر اینکه ابتدا از طریق گنجینه هایی که درون خودتان نهاده شده، حکمت و خرد لازم را کسب کنید. سپس در عوض، این گنجینه ها را می توانید به وفور با دیگران سهیم شوید و برای آنان شادی و خوشبختی به ارمغان آورید.

بیگانه بر لب رودخانه، فصل 31

مکشا

قانون مکشا(Mksha) : حیات فقط روح الهی است. و چون روح الهی است، پس هیچ ندارد³²، فقط دارای هوش است، همراه با این توانایی عجیبی است تا مشاهده و درک کند، نفوذ کند و بقاء داشته باشد، و دارای علّیت، تخصص، خلاقیت، زیبایی، عشق، و اخلاقیات است.³³

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

قوانین پایه و بنیادینی هست که از طریق روح الهی، حاکم بر این کیهان فیزیکی است. این قوانین را زمانی، یکی از فرزندگان باستانی ECK، به نام مکشا، که چیزی حدود 35000 سال پیش ظهور کرد، به ساکنین دره ایندوس ((Indus Valley آموزش می داد. اولین تعالیم او این بود که: "حیات، فقط روح خداوندی است، و روح الهی بودن یعنی چیزی بیش از آن نیست."

ادراک این قانون به وضوح بیان می کند که حیات، فقط توانایی خاصی برای درک و مشاهده، نفوذ و بقاء دارد و دارای علّیت، تخصص، خلاقیت، زیبایی و عشق، و اخلاقیات است.

روح الهی، قدرتی ژرف و نافذ به همه چیز است که همان قدرت شکل دهنده و سازنده کیهان های هیوست. این منشأ جاودان و تغییر ناپذیر حیات است که بدون توجه به جهان های مختلف، صرفاً شکل خود را تغییر می دهد. این همان نیروی پدید آورنده ای است که انسان آن را مطالعه کرده است. در موردش نوشته است، و فقط قادر است خواص و ویژگی های دقیقی از آن را بشناسد و هرگز نمی تواند دانش کامل و مطلق از آن داشته باشد. می دانیم که شیوه کار آن درست مثل فرمول های ریاضی دقیق است. همه از دانشمندان گرفته تا دانشجویان معنویت این را می دانند.

فلوت خداوند، فصل 7

³² منظور این است که زندگی همان روح الهی است و روح الهی تنها یک بودن مستمر است. بنابراین چیزی به آن الصاق و الحاق نمی شود، چون نفس دارا بودن، مستلزم اتصاف خواهد بود به همین علت و برخی دلایل دیگر است که در متون ECK به دفعات این گفته را می خوانیم که «خدا هست» چون بیش از این نمی توان درباره مقام لایزال چیزی گفت.م

³³ جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است / هزار بار من این نکته کرده ام تحقیق... غزلیات حافظ... غزل ش 298

با عشق روان شد از عدم مرکب ما / روشن ز شراب وصل دائم شب ما... رباعیات مولانا... رباعی ش ۲۳۰۳

کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود/ بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود... غزلیات حافظ... غزل ش 219

میان او که خدا آفریده است از هیچ / دقیقه ایست که هیچ آفریده نگشادست... غزلیات حافظ... غزل ش 35

کیهان فیزیکی

قوانین کیهان فیزیکی: کتاب قوانین، هفت قانون بنیادی که از طریق روح الهی بر کیهان فیزیکی حاکم است. قانون چارچوب ذهنی (Attitude)، قانون انتقال تصویر (Facsimiles)، قانون هیو HUU، قانون دوگانگی و تضاد، قانون روح، قانون وحدت و قانون ارتعاشات.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

این هفت قانون بنیادین، قوانینی هستند که از طریق روح الهی، ECK، بر جهان فیزیکی تسلط دارند.

قانون هیو HUU: روح الهی، قدرتی ژرف و نافذ در همه چیز است که در واقع همان قدرت شکل دهنده جهان های هیو، یا همان صدای هیو یا صدای خداست.

قانون روح: روح عبارت است از تجلی وجود فردیت یافته روح الهی، روح دارای اراده آزاد، عقاید و نظرات، هوش، تخیل و جاودانگی است.

قانون دوگانگی و تضاد: قانون تضاد ها، وضعیتی از تضاد میان دو نیروی مرتبط، یین (Yin) مؤنث، منفی و یانگ (Yang) مذکر، مثبت، وجه منفی یا مفعول و وجه مثبت و فعال – بخش سوم عبارت است از بخش منفعل یا مسیر میانه – هر چیزی در این جهان، توسط متضاد خود حفظ می شود، به حرکت در می آید و حمایت می شود.

قانون ارتعاشات: قانون حاکم بر تمام تأثیرات بر روی روح و بدن در این جهان، تأثیراتی از قبیل طول موج های مختلف، جریان های خروجی از سیارات، ستارگان و اجرام آسمانی، موسیقی، صوت، رنگ اصوات موسیقی.

قانون کارما، علت و معلول و جریان ورودی و خروجی، تحت نفوذ این قانون، و علت است.

قانون نسخه برداری: تمامی تأثیرات و امور مختلف در زندگی را افکار و تصاویری می سازند که در ذهن فرد وجود دارد .

قانون وحدت: تفکر به کل ، به جای تفکر به جزء، راهی برای پیدا کردن راه حلی برای یک مشکل، بلافاصله در لحظه بروز آن، معنای این قانون، خیلی ساده یعنی اینکه فرد باید تماماً درون ECK (روح الهی) باشد تا بتواند از تمامیت خود بهره مند شود و آنچه را که در زندگی می خواهد آگاهانه انتخاب کند .

معابد خرد زرین ، راهنماها و شهرهای معنوی: تاریخچه ای مختصر

فرد باید این را درك كند که آفرینش در جهان های تحتانی تماماً پایان یافته است. خلاقیت و آفرینندگی، فقط به دست آوردن ادراکی عمیق تر است. تمامی محتویات همه زمان و مکان، اگرچه در یک ترتیب زمانی خاص تجربه می شود، ولی در واقع در یک اکنون بی انتها و جاودان است. در حقیقت، تمامی آنچه که بشر تا به حال در این جهان های تحتانی بوده و خواهد بود، همه و همه اکنون وجود دارد. این معنای این جمله است که آفرینش پایان یافته است. هیچ چیزی دیگر هرگز خلق نخواهد شد، بلکه تجلی داده خواهد شد. آنچه آن را خلاقیت و آفرینندگی می نامیم، صرفاً هشیار شدن از آن چیزی است که هم اکنون نیز وجود دارد و از قبل هم وجود داشته است. شما صرفاً به تدریج نسبت به بخش هایی از آنچه که آفریده شده، هشیار و هشیارتر می شوید.

کلیدی براکنکار، صفحه 7

این یکی از قوانین جهان فیزیکی است که طبق آن، هرگروهی برای بقا داشتن خود، باید مسند و جایگاهی به عنوان دولت مرکزی داشته باشد. برای ادیان، این مرکز، مرکزی است برای فعالیتهای معنوی آنها ، اداره امور و فرهنگ آنها، چه درست و چه غلط، انسان ها مسند قدرت خود را مهمترین مکان و جایگاه در زمین می دانند .

خویش (ایگو)

قانون خویش: هر انسانی قبل از آنکه بخواهد راز خدا را بگشاید، ابتدا باید به این ادراک برسد که تلاش کند راز خویش کوچک خود را بگشاید.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

این قانون چیست؟ من قبلاً در موردش مطالب زیادی نوشته ام و حرف های زیادی زده ام، ولی اهمیت بسیاری دارد و مهم بودن آن هم دلیل دارد. زیرا نشانگر جایی است که روح، سفرش³⁴ به سوی منزل حقیقتی نزد خدا را آغاز می کند. به آن توجه کنید.

کلام زنده، جلد 2، فصل 35

جوینده در بیگانه بر لب رودخانه، کار درستی انجام داده است. او در جستجوی خویش برای حقیقت، بهترین الگو و نمونه ای که امید یافتنش را داشت پیدا می کند: که در مورد او، این الگو، استاد ECK، ریبازارتارز است. چه الگویی بهتر از یک استاد ECK، که خودش نیز زمانی قدم های لرزان و اولیه به سوی خداشناسی را تجربه کرده است و عاقبت نیز به آن دست یافته است؟ و ریبازار به جوینده چه می گوید؟ او می گوید: "تو خودت مشکل خودت هستی. قبل از آنکه بخواهی راز خدا بگشایی، ابتدا باید به این ادراک برسی که تلاش کنی راز خویش کوچک را بگشایی".

کلام زنده، جلد 2، فصل 35

پس ریبازار می گوید: "این قانون خویش است – قانون خدا بنابراین به تو می گویم که تا وقتی بر خویش کوچک³⁵ تسلط نیافته ای و مشکلت را حل نکرده ای، در جستجوی خدا نباش."

همانطور که ریبازار می گوید، یکی از نشانه های اینکه خویش حقیر فرد، سد راه آرزویش برای رسیدن به خدا شده است، وقتی است که او در برابر خطاهای دیگران³⁶ بیشتر از خطاهای خودش انزجار و عصبانیت نشان می دهد.

³⁴ سفر راه نهان کن سفر از جسم به جان کن / ز فرات آب روان کن بزن آن آب خضر برکن

گر ببینی میل خود سوی سما/پر دولت بر گشا همچون هما

یا رب چه خوش است بی دهان خندیدن / بی منت دیده، خلق عالم دیدن

بنشین و سفر کن، که به غایت نیکوست / بی زحمت پا گرد جهان گردیدن

³⁵ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی..... غزلیات حافظ... غزل ش 487

³⁶ رو بترس و طعنه کم زن بر بدان / پیش دام حکم عجز خود بدان

تو عیب کسان هیچ گونه مجوی / که عیب آورد بر تو عیب جوی

کمال سر محبت ببین نه نقص گناه / که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت / که گناه دگران بر تو مخوانند نوشت

یا رب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید / دود آهیش در آینه ادراک انداز

مورد دیگر هنگامی است که ضعف های خود را توجیه می کند و تقصیر کارهای خود را به گردن دیگران می اندازد.³⁷

و نشانه دیگر عبارت است از تمایل و لذت بردن او از غیبت کردن و صحبت کردن پشت سر دیگران.

شاید بپرسید: " خوب ، من دارم اینجا در زمین چکار می کنم ؟ " این درست مثل بچه ای است که در مدرسه از خودش می پرسد : " من اینجا چه کار می کنم ؟ " زمین یک کلاس درس است. هدف از این کلاس ، کمک کردن به انسان ها در بوجود آوردن صفات پس از گذران زندگی های بسیار حاصل می شود (خداگونه است).

کلام زنده ، جلد 2 ، فصل 35

البته چیزی که معمولاً مشکلی که اکثر مردم با زندگی دارند این است که قبل از اتمام دوره کوتاه زندگی شان، حسابی از زندگی کتک می خورند و لت و پار می شوند. خیلی به ندرت پیش می آید که حسی از خلق کردن، آزادی و یا حتی عشق داشته باشند. همه چیز برای آنها یک جور وظیفه است. چلای ECK (دانشجوی ECK) می تواند از هر نظر، فردای مشهورانه تر و پویاتری داشته باشد. ولی باید خودش بخواهد تا این فردا را برای خود بیافریند. هیچ کس دیگری این کار را برای او نخواهد کرد.³⁸

ماهانتا استاد ECK وقت راه را به او نشان خواهد داد و خواهد گفت که کجا می توان کلید رسیدن به آزادی معنوی را یافت. ولی هر فردی باید خودش برود و کلیدش را بردارد، زیرا این قانون خویش است .

نامه های نور و صوت 1 ، درس 5

³⁷ در هر که تو از دیده بد می نگری، از چنبره وجود خود می نگری، پایه کژ کژ افکند سایه (جلال الدین رومی بلخی)

عیب کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش

آینه آن روز که گیری به دست / خود شکن آن روز مشو خودپرست

خویشان آرای مشو چون بهار / تا نکند در تو طمع روزگار

جامه عیب تو تنگ رشته اند / زان به تونه پرده فرو هشته اند

در خود آن بد را نمی بینی عیان / ورنه دشمن بودی خود را به جا

مرد آن باشد که عیب بر خود نهد! همین که عیب دیدن گرفت، بدان که محبت کم شد. نمی بینی که مادر چون طفل خود را دوست می دارد، اگر خدایت می کند. مادر با آن همه لطف و جمال خویش، پرهیز نکند و به جان و دل مشتري اوست؟ بل که آن دگر از خر لنگ خود ننگ ندارد، اگر چه لگد زند و کراحت کند. (مقالات شمس، ص ۲۷۴)

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات/ بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن (حافظ)

نگه دار تا مردم عیبجوی / نجوید به نزدیک تو آبروی (فردوسی)

³⁸ کلید گنج سعادت قبول اهل دل است / مباد آن که در این نکته شک و ریب کند... غزلیات حافظ... غزل ش 188

قفلی بود میل و هوا بنهاد بر دل های ما / مفتاح شو مفتاح را دندانده شو دندانده شو

روح

قانون روح: دومین قانون جهان فیزیکی ، روح ³⁹ ، تجلی وجود فردیت یافته روح الهی است. او دارای اراده آزاد، عقاید و نظریات، هوش، تخیل و جاودانگی است .

دریایی کیهانی از واژه نامه : واژه نامه اکنون

روح، تجلی وجود فردیت یافته روح الهی است. روح، از درون روح الهی آفریده شده است و آزاد است که دست به انتخاب بزند، عقاید و نظرات خودش را داشته باشد ، هوش و تخیل و فرضیات را داشته باشد و بیافریند .

فلوت خداوند ، فصل 7

این یعنی اینکه تمام روح هایی که وارد قلمرو آسمانی می شوند باید قانونی که خود برای خود می گذارند را محترم بشمارند. این قانون و محترم شمردن آن برای این است که روح متوجه شود که این قانون ، قانون خودش است. اول از همه اینکه، باید به تمام وجود های جهان های آسمانی ، عشق و نیک اندیشی نثار کند. دوم اینکه باید قانون خود را وضع کند و آن را محترم بدارد ، و این قانون باید در هماهنگی با قانون اعظم باشد: به همه چیز عشق بورزد.

شریعت - کی - سوگماد - جلد دوم ، فصل 7

می دانیم که روح جاودان است، نه آغازی دارد و نه پایانی. بنابراین وقتی کسی کالبد فیزیکی اش را ترك می کند، به وجود خود ادامه خواهد داد، و معمولاً نیز به سطح بالاتری از آگاهی خواهد رفت .⁴⁰

چگونه خدا را ببینیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

روح در اوج شکوفایی خود فقط به قوانین والای ECK پاسخ می گوید . او بدون هیچ خطا و کم و کاستی ، از این قوانین اطاعت می کند .

رؤیابین جاودان، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 7، فصل 1

همیشه به یاد داشته باشید که روح هستید در وضعیت آگاهی روح ، کمک ماهانتا به شما نامحدود

³⁹ زمستان و تموز احوال جسم است/ نه جسمیم این زمان ما روح فردیم... غزلیات شمس... غزل ش ۸۲۵۱ ۹۳

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک/چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

⁴⁰ مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صفیر / عاقبت دانه خال تو فکندش در دام... غزلیات حافظ... غزل ش 310

مرغ روحش کاو همای آشیان قدس بود/شد سوی باغ بهشت از دام این دار محن... حافظ..قطعه ش ۲۲

حکمش روان چو باد در اطراف بر و بحر/مهرش نهان چو روح در اعضای انس و جان... حافظ..قصیده ش ۱

خواهد بود.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی، راهنمای رهبران ECK ، مقاله 54

یکی از اصول معنوی این است که روح آزاد است. و همراه با این آزادی مسئولیت نیز می آید. روح هرچه بالاتر می رود و هرچه آزادتر می شود ، مسئولیتش نیز بیشتر می شود. و هرچه بالاتر بروید. متوجه این مسأله نیز خواهید شد که چقدر آزادی دیگران کم است – و آنها حتی متوجه آن هم نیستند.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی، راهنمای رهبران ECK ، مقاله 63

روح الهی

قانون روح الهی: روح الهی، اصل افزایش است؛ شرایط آینده، از درون شرایط حال رشد می کنند، همیشه چیزی بیشتر در راه است، تجربه دیگری برای کسب کردن.

دریایی کیهانی واژه ها: واژه نامه اکنکار

خویش استادی⁴¹ خیلی ساده یعنی اینکه فرد این قابلیت را پیدا می کند تا زندگی اش را طبق قوانین روح الهی پیش ببرد. البته او ابتدا باید قوانین روح الهی را بشناسد. ادراک و آگاه بودن از این قوانین، از طریق نور و صوت برای فرد حاصل می شود. این جاری شدن مستقیم شریعت – کی سوگماد به درون روح است.

قلب زرین، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 4، فصل 5

روح الهی قدرتی ژرف و نافذ به همه چیز است که در واقع همان قدرت شکل دهنده جهان های هیوست. روح الهی منشأ تغییرناپذیر و جاودان حیات است که فقط شکل خود را در جهان های مختلف

تغییر می دهد... این روح، صدای هیو – هیو را اغلب به عنوان سوگماد می شناسند – که نام حقیقی خداوند در قلمروهای بالاتر است، از کیفیت عظیمی برخوردار است که همان خلق کردن و آفریدن تأثیر است و این جریان عظیم همانطور که از سرچشمه اصلی اش در مرکز کل آفرینش از درون جهان ها به پایین جریان می یابد، نیازمند عواملی برای توزیع شدن است، و بنابراین از طریق روح ها عمل می کند.

فلوت خداوند، فصل 7

این به این معناست که خدا وجود است، و روح الهی، توسعه و گسترش این وجود در تمام جهان هاست، و شما به عنوان یک ماجرا، همان روح الهی هستید در قالب تن⁴².

کلیدی براکنکار، صفحه 8

نامی که ما برای روح الهی بکار می بریم ECK است. ECK همان چیزی است که در انجیل به آن روح القدس گفته شده است. این همان تجلی ای است که در عید پنجاهه نزد حواریون آمد. حواریون صوتی

⁴¹ عاقبت او پخته و استاد شد / جست از رق جهان و آزاد شد

⁴² فیض روح القدس از باز مدد فرماید / دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد... غزلیات حافظ.. غزل ش ۳۴۱

دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من / هاتف غیب ندا داد که آری بکنند... غزلیات حافظ.. غزل ش ۹۸۱

ساقی بیا که عشق ندا می کند بلند / کان کس که گفت قصه ما هم ز ما شنید... غزلیات حافظ.. غزل ش ۳۴۲

همچون باد شدید شنیدند. این یکی از اصوات مختلف روح الهی است. اصوات بسیار دیگری نیز هستند ، مثلاً صوت فلوت .⁴³

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

نور و صوت دو جنبه دو قلوبی روح الهی هستند. این همان صدای خداست⁴⁴. در واقع سه بخش وجود دارد که وقتی وارد مسیر معنویت می شویم به آن علاقه مندیم. ابتدا فکر ما از ذهن خود و تکنیک های تجسم خلاق در تمرینات معنوی ECK استفاده می کنیم. با انجام دادن تمرینات معنوی ECK ، بطور آگاهانه سعی می کنیم با نور و صوت خدا ارتباط برقرار کنیم. تجربه کردن صداها و خداوند، هدف ارزشمندی است، تجربه آن به این معناست که با الوهیت تماس حاصل کرده ایم .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 5

در ECK ، قوانین روح الهی به فرد تعلیم داده می شود. اینکه او چگونه از این دانش استفاده می کند، تعیین کننده زمان ورود او به وضعیت مسرت بخش روشنگری خداوند است (خداشناسی) ، که می توان در حالی که در این کالبد انسانی زندگی می کنیم، به آن دست یافت .

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 5

در مورد عیوب و نقایص خود مواظب باشید – البته من، چه نقص داشته باشید و چه نداشته باشید عاشق تان هستم. ولی عاشق کسانی که به خاطر اعمال نسنجیده شما صدمه می بینند نیز هستم. قانون ECK، مرا موظف به محافظت از آنها می کند.

حکمت دل ، جلد 1، یادداشت خرد شماره 4

قوانین شخصی ما تعیین می کنند که فرد در چه زمینه ای می خواهد به خداوند و به حیات خدمت کند ولی این قوانین باید در توافق و سازگاری با قوانین روح الهی باشد .

4 دیسک کورس استاد ، درس 11

تکامل معنوی

قانون تکامل معنوی: طبق این قانون، هیچ موجود و وجودی با دیگری برابر نیست و همه بطور مداوم در تلاش هستند تا رشد کنند و خود را در زندگی بهبود بخشند .⁴⁵

⁴³ آن ندایی کاصل هر بانگ و نواست / خود ندا آنست و این باقی صداست... دفتر اول مثنوی معنوی بخش ۴۰۱

⁴⁴ نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان/ هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود... غزلیات حافظ.. غزل ش ۳۰۲

⁴⁵ محترم دار دلم کاین مگس قندپرست / تا هواخواه تو شد فر همایی دارد... غزلیات حافظ.. غزل ش ۳۲۱

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامهٔ اکنکار

این روند خلاق بستگی به شکوفایی معنوی روح و میزان، آگاهی بیدار شده او دارد . این مسأله همچنین در تطابق با قانون تکامل معنوی نیز می باشد که بیان می کند تمام موجودات و وجودهای مختلف با هم متفاوت هستند و همگی بطور مداوم تلاش می کنند تا در زندگی تبدیل به فرد یا وجودبهتری شوند.

دفترچهٔ معنوی ، فصل 4

قانون توانمندی(قوت)

قانون توانمندی(قوت)⁴⁶: فقط افراد قوی و شجاع می توانند وارد پادشاهی آسمان ها شوند .⁴⁷

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

طبق قانون توانمندی(قوت)، فقط افراد قوی می توانند، وارد پادشاهی آسمان ها شوند. این توانمندی معنوی از طریق انضباط، روش ها و تمریناتی که ماهانتا برای جوینده تدارك می بیند تا حقیقت را برای او از توهم جدا کند ، به دست می آید. یکی از احکام بسیار مهم در مسیر ECK ، انجام دادن تمرینات معنوی است . هدف از این تمرینات، این است که روح ، خودش را به عنوان مجرای برای ماهانتا بشناسد و در نور و صوت سوگماد امنیت یابد .

سفر روح 1 ، راه روشن ، درس 3

ارتباط میان تعالیم درونی و بیرونی این است که سختی ها و مشقات آزمون های جهان فیزیکی که سعی دارند روح را تکان داده و از درخت حیات جدا کنند، باعث قدرت بخشیدن به او می شوند و به او جسارت و جرأت می بخشند .

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 12

رنج کشیدن می تواند باعث بوجود آمدن توانمندی و قوت شود، ولی تنها به شرطی که فرد مسئولیت خود را در قبال مشکلی که ایجاد کرده بپذیرد .گاهی نمی توان چنین کرد. گاهی مشکل حاضر، مشکلی است که شما در زندگی قبلی خود ایجاد کرده اید. اگر نتوانید آن را به یاد آورید، پس قادر نخواهید بود به ارتباط علت و معلول در میان پی ببرید ...

چطور می فهمید که دارید توانمندتر و قوی تر می شوید؟ گاهی اوقات، دیگران بهتر از خودتان متوجه این مسأله می شوند . تنها راه فهمیدن اینکه آیا قوی تر شده اید یا نه این است که ببینید آیا در عبور دوران سختی ها و مشکلات ، این دوران را با سکوت و گوش سپردن طی می کنید یا نه. به چیزی در درون خود اعتماد می کنید و آن چیز توانایی ای است که تا به این مرحله به دست آورده اید.

طبل آهنگ زمان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 10 ، فصل 12

⁴⁶ «اعتقاد» و «عشق»، دلیر کند، و همه ترس ها ببرد! شمس تبریزی
دیده سیر است مرا جان دلیر است مرا / زهره شیر است مرا زهره تابنده شدم
جان نباشد جز خبر در آزمون / هر که را افزون خبر جانش فزون

⁴⁷ ترس مویی نیست اندر پیش عشق/جمله قربانند اندر کیش عشق

عشق وصف ایزدست اما که خوف / وصف بنده مبتلای فرج و جوف...دفتر پنجم مثنوی معنوی بخش ۷۸

شمس تبریز از این خوف و رجا باز رهان / تا برآید ز عدم خوف و رجایی عجبی... غزلیات شمس.. غزل ش ۶۸۲.

توانمندی(قوت) معنوی را نمی توان از صفات و کیفیات اخلاقی بشر جدا کرد.

کلام زنده، جلد 1 ، فصل 12

هر یک از ضربات سخت زندگی دارد به شما تعلیم می دهد که قوی تر شوید و محکم تر و استوارتر بایستید. هر یک از این مشکلات و آزمون ها، در واقع هدیه ای از جانب خداوند است تا شما را قوی تر کند. اگر انسان ها این را می دانستند اینقدر گله و شکایت نمی کردند.

آزادی معنوی چیست؟ سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 11 ، فصل 10

فقط توانمندان و افراد قوی هستند که توان رویارویی با عشق حقیقی خداوند را دارند .⁴⁸

آزادی معنوی چیست؟ سخنرانی های ماهانتا، کتاب 1 ، فصل 11

⁴⁸ از قضا و از قدر مر عاشقان را **خوف نیست** / چون قدر را مست گشته با قضا آورده ای... غزلیات شمس.. غزل ش ۱۸۷۲

در ره معشوق ما ترسندگان را کار نیست/ جمله شاهانند آن جا بندگان را بار نیست... غزلیات شمس.. غزل ش ۶۹۳

عدم تکامل معنوی

قانون عدم تکامل معنوی: هیچ کس هرگز وجود کاملی نخواهد شد، در طرح تکامل آگاهانه خداوند ، همیشه گام دیگری برای برداشتن وجود دارد .⁴⁹

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه انکار

" طبق قانون عدم تکامل معنوی، هیچ کس هرگز وجود کاملی نخواهد شد." در طرح تکامل آگاهانه خداوند ، همیشه گام دیگری برای برداشتن وجود دارد. این در مورد امور معنوی نیز حقیقت دارد، که همیشه به دنبال کامل شدن است، ولی هرگز آن را نمی یابد .

كودك در سرزمین وحش ، فصل 27

⁴⁹ تو خفته‌ای و نشد عشق را کرانه پدید / تبارک اله از این ره که نیست پایش... غزلیات حافظ .. غزل ش ۸۲.

از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود / زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت

این راه را نهایت صورت کجا توان بست/کش صد هزار منزل بیش است در بدایت... غزلیات حافظ .. غزل ش ۴۹

بقا

قانون بقا: هر انسانی باید با تلاش کردن در جامعه ، از خودش مراقبت کند و زندگی اش را بگذراند ، روح همیشه باید در حال رشد کردن باشد .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه انکار

وظیفه معنوی من کمک به شما واصلین ECK است تا قوانین معنوی ECK را که در مورد همه اعمال می شود درك کنید . اگر قوانین کشورتان طوری است که در مواقع نیاز ، تأمین تان می کند ، تا هنگامی که گرفتن این کمک های دولتی (در آمریکا مثل فود استمپ و ولفر- در ایران مثل کمک های کمیته امداد امام) ضروری باشد آن را بپذیرید . ولی وقتی توانستید با کار و زحمت خودتان زندگی خود را بگذرانید ، این را به خودتان مدیون هستید که برای گذراندن زندگی خود تلاش کنید . قانون بقا نیز مثل سایر قوانین ECK ، اغلب چنین به نظر می رسد که خطاکار را فراموش می کند . ولی حقیقت این است که این دوران خوشی و فراموشی ، عاقبت به سر می رسد .

حکمت دل ، جلد 2، یادداشت خرد 8

اگر دارایی و یا وقت خود را با عشق و نیکخواهی در اختیار دیگران قرار می دهید ، به نام خدا عمل کنید . اگر نیازمند به کمک دیگران شدید ، کمک آنان را با وقار و متانت بپذیرید . ولی اگر بعد ها توانستید این بدهی را پس دهید ، حتماً این کار را بکنید ، زیرا این وظیفه معنوی شماست . طبق قانون زندگی هر کسی باید قرضش به دیگران را بپردازد – همین جا و اکنون در همین دوره از زندگی . این کار را در اسرع وقت انجام دهید . زیرا بعداً می تواند دوره دیگری از زندگی باشد .

حکمت دل ، جلد 2، یادداشت خرد 8

وقتی مسن تر می شویم ، دیگر بدن مان مثل سابق به ما جواب نمی دهد . یعنی اینکه روش تغذیه ای که قبلاً به آن عادت داشتیم دیگر برای مان کفایت نمی کند . بقا درسی روز به روز است . یعنی اینکه باید همیشه به آموختن ادامه دهیم ، چه بازنشسته باشیم و چه نباشیم . مردم گاهی وقتی بازنشسته می شوند ، فراموش می کنند به یادگیری درس های بقا ادامه دهند . فراموش می کنند از خود بپرسند: " چطور باید تغذیه بهتری داشته باشم؟ یا حالا به چه رژیم غذایی بهتری نیاز دارم؟ اکنون چه چیزهای مفیدی، دیگر در خاک نیست که در سال 1940 بود؟ " خیلی چیزها تغییر کرده است باید به رشد خود ادامه دهید . زیرا بخشی از قانون معنوی بقاست⁵⁰ .

دستورهای بیدار باش معنوی، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 15 ، فصل 10

⁵⁰ جان نباشد جز خبر در آزمون/ هر که را افزون خبر جانش فزون
جان ما از جان حیوان بیشتر / از چه زان رو که فزون دارد خبر
پس فزون از جان ما جان ملک / کو منزّه شد ز حس مشترک

سه اصل بنیادین اکنکار

سه اصل بنیادین اکنکار .

اول اینکه روح، جاویدان است، نه آغازی دارد و نه پایانی.⁵¹

دوم اینکه، هر آن کس که در مسیر والای ECK سفر می کند ، ساکن جهان های معنوی است .

سوم اینکه، روح ، همیشه در حال زندگی می کند، نه گذشته ای دارد و نه آینده ای .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

در آن زمان، او شروع می کند به دیدن خرد موجود در سه اصل بنیادین ECK،

اول اینکه روح جاویدان است، نه آغازی دارد و نه پایانی.

دوم اینکه ، هر آن کس که در مسیر والای ECK سفر می کند ، در جهان های معنوی سکنی دارد .

سوم اینکه روح ، همیشه در حال زندگی می کند . نه گذشته ای دارد و نه آینده ، بلکه همیشه در لحظه حال زندگی می کند .

شریعت - کی - سوگماد ، جلد 2، فصل 12

هر روحی بارقه ای معنوی از خداوند است که در کالبدی فیزیکی قرار داده شده ، در طول مدتی که روح در زمین سکنی دارد ، برای رسیدنش به جهان های معنوی ، نیازی به مرگ کالبد فیزیکی اش نیست . انسان برای داشتن هدایت و راهنمایی ، حفاظت معنوی ، حکمت الهی ، و ادراک الهی از طریق استاد زنده ECK ، نیازی به تبدیل شدن به چیزی جز آنچه که اکنون است ندارد . فقط کافی است به این ادراک برسد که خدا وجود دارد و خودش نیز به عنوان روح ، وجود دارد . روح هرگز چیزی جز این نیست ، همیشه در ابدیت است . همیشه در لحظه حال است . همیشه در جایگاه آسمانی خداوند . این ها سه اصل اکنکار هستند که روح باید درک کند و خیلی خوب بشناسد . تعالیم و فلسفه ECK از درون این سه اصل ، نشأت می گیرد. همین و بس . نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر .

با ادراک و شناختن این سه اصل ، چلا تبدیل به لوح شفافی می شود که خواست و اراده خداوند را به نمایش می گذارد . او در مورد طرح و نقشه الهی در این جهان ، و نقش خودش در این طرح ، به ادراک و هوشیاری عظیم تری دست می یابد. او اکنون در بازوان ماهانتا ، استاد درونی ECK ، آرمیده است و از راهنمایی الهی او برخوردار است .

⁵¹ هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما... غزلیات حافظ .. غزل ش ۱۱

تو به روح بی زوالی، ز درونه باجمالی / تو از آن ذوالجلالی، تو ز پرتو خدایی

مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صفیر / عاقبت دانه خال تو فکندش در دام

مرغ روحش کاو همای آشیان قدس بود / شد سوی باغ بهشت از دام این دار محن

همانطور که در این ادراک و شناخت معنوی بالاتر می رود ، به بزرگترین اکتشاف زندگی دست می یابد. قانون پر شکوه خداوند که سه اصل ECK بر آن استوارند :⁵²

"روح وجود دارد ، زیرا خداوند به او عشق می ورزد."

شریعت - کی - سوگماد ، جلد 1 ، فصل 8

ما بلندی های کوه و اعماق دره ها را می بینیم . زیرا تنها راه شناختن هر چیزی در این جهان های تحتانی ، مقایسه کردن آن با متضادش است .

⁵² زمستان و تموز احوال جسم است/ نه جسمیم این زمان ما روح فردیم
در بیان آنکِ تن، روح را چون لباسی است و این دست، آستینِ دستِ روحست و این پای، موزه (کفش) پایِ روحست:
تا بدانی که تن آمد، چون لباس / رو بگو لابس، لباسی را ملبس
دست و پا در خواب بینی و ایّلاف/ آن حقیقت دان مدانش از گزاف
آن توی که بی بدن، داری بدن / پس مَترس از جسم و جان، بیرون شدن

قوانین آزادی

قوانینی مفید و عملی

روزمره، را در زندگی که مسیر هموارتری

در اختیار فرد قرار می دهند



We see the height of the mountains and the depths of the valleys, because the only way anything can be known in these lower worlds is in comparison to its opposite.

فرض Assumption

قانون فرض: تنها با زندگی کردن هر لحظه خود در فرض بر الوهیت خود است که فرد می تواند توان معنوی بالقوه خود را به درون جهان بیاورد و بالفعل کند .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

روح، پس از بیدار شدن از رخوت و سستی اش، شروع به جستجوی حقیقت می کند. فرد ابتدا ماهانتا را در جهان های درون می جوید، زیرا طبق قوانین معنوی ، لازم است که مأمور خداوند را بشناسد و ببیند. سپس، نیروهای معنوی در هم می آمیزند. طبق این قانون، هر آنچه که درون ما رخ می دهد، می تواند بعد ها تبدیل به واقعیتی در این دنیای فیزیکی شود .

نامه های نور و صوت 2 ، درس 12

این سؤال همیشه پیش می آید که: وقتی آگاهانه در حال رؤیا دیدن هستم و یا در جهان های دیگر دارم سفر⁵³ می کنم ، اگر بخواهم دوباره به درون هوشیاری کالبد فیزیکی ام برگردم ، چه کار باید بکنم ؟ در این مورد یک قاعده کلی وجود دارد: با استفاده از حس خود، فرض کنید که در کالبد فیزیکی تان هستید، آنگاه بلافاصله در کالبدتان خواهید بود .

تمرینات معنوی ECK ، تمرین معنوی 12

در مواقعی که رؤیای ناخوشایندی می بینید ، سانسورچی رؤیا به تمام داستان و ماجرای رؤیای شما اجازه ظهور نداده است. با این فرض شروع کنید که قسمتی از رؤیای تان حذف شده است و اینکه مطلبی در رؤیای تان هست نه هنوز نمی دانید . سپس از قوای درونی تان استفاده کنید تا جواب هایی را که نیاز دارید، بگیرید .

امثال الحکم ، جلد 3 ، داستان 32

⁵³ چون ز من سازی به بالا نردبان / بی پریدن بر روی بر آسمان
آنچنان که عارف از راه نهان / خوش نشسته می رود در صد جهان

چارچوب ذهنی (Attitudes)

قانون چارچوب ذهنی. پنجمین قانون کیهان فیزیکی، یا قانون وضعیت های مختلف وجود، در امور این جهان، قدرت تخیل بسیار بالاتر از قدرت اراده است.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

این را می دانیم که برای هر شرایطی که در زندگی مان ایجاد می شود جوابی وجود دارد. همیشه به نوعی، راهی وجود دارد. آنچه مانع ما می شود، نگرش ماست. سعی کنید به ارزش انجام دادن تمرینات معنوی، قبل از خوابیدن یا بلافاصله پس از بیدار شدن، پی ببرید. این تمرینات، در این دوران که تغییراتی در آگاهی تان در حال وقوع است، بسیار مفید هستند.

هنر رؤیابینی معنوی، فصل 1

پنجمین قانون کیهان فیزیکی عبارت است از قانون چارچوب ذهنی (Attitudes)، یا قانون وضعیت های مختلف وجود، هر آنچه که با قوانین مربوط به این قسمت عمل می کند، قادر به انجام دادن معجزات است. در امور این جهان، قدرت تخیل بسیار بالاتر از قدرت اراده است.

فلوت خداوند، فصل 7

لایت سی Lai Tsi می گوید: "آموخته ام که کناری بایستم و اجازه دهم که خداوند از طریق من عمل کند"⁵⁴.

خواهید دید که این ساده ترین راه برای چنین کاری است....

متوجه شدم که هرگاه نگرش خاصی را در پیش می گیرم، می توانم با این قدرت، تماس حاصل کنم.

این چهارچوب ذهنی (رویکرد)، عبارت بود از نوعی عشق و علاقه کنجکاوانه و کودکانه و بی آلایش به روح اعظم الهی...

خیلی ها خواستار این حالت کودکانه و بی آلایش هستند، ولی ضرورت نیازهای فیزیکی آنان باعث بوجود آمدن تشویش و ترس می شود و به این ترتیب، مجرای میان آنان و روح الهی را می بندد.

نگرانی و ترس، عواطف سفت و منقبضی هستند که فرد را خیلی محکم به آگاهی طبقه عاطفی (طبقه دوم) متصل می کند تا او نتواند به طبقه ای معنوی که در آن روزهای او به حقیقت می پیوندد برسد.

رقابت (حسادت) باعث تشدید نگرش سفتی می شود، سفتی و انقباض از ترس منشأ می گیرد. ترس از عشق بیش از اندازه به خود بوجود می آید، عشق بیش از اندازه به خود نیز باعث قطع تماس بین فرد و روح الهی می شود، و به این ترتیب به کیفیاتی که به رضایت، شادی و رشد رهنمون می شوند نمی توان دست یافت....

⁵⁴ چون قبول حق بود آن مرد راست / دست او در کارها دست خداست

هر کسی که خودش را به عنوان روح بشناسد، بلافاصله آرام می گیرد، زیرا آنگاه حقیقتاً می تواند بگوید: "من و پدر (خداوند) یکی هستیم."

در چنین حالت و نگرش آرام و به دور از انقباضی است که تمامی مجراهای درونی باز می شوند.

فلوت خداوند ، فصل 7

به طور خلاصه قانون چارچوب ذهنی به این ترتیب است، این در واقع تمام احساسات و تصاویر اصلاح شده ای است که همواره در ذهن خود حمل می کنید. اگر بخواهید با یک دوربین از چیزی – مثلاً یک درخت – عکس بگیرید از پشت ویزور دوربین به آن درخت نگاه می کنید و عکس را می اندازید. سپس وقتی عکس ظاهر شده را از عکاسی تحویل می گیرید ، از دیدن درخت در عکس تعجب نمی کنید. خیلی ساده است همان طوری است که زندگی عمل می کند. ما وقتی فکر می کنیم، وقتی چیزی را در ذهن مان تجسم می کنیم ، در واقع داریم تصاویری را در لوح یا صفحه ذهن مان رؤیت می کنیم. ارتعاشات فکر در درون ما ، درست مثل دوربین بر روی فیلم تأثیر می گذارد و سپس خیلی زود، عکس ظاهر شده و چاپ شده ، در زندگی ما رؤیت می شود. به همین سادگی .

فلوت خداوند ، فصل 7

هر یک از افکار ما در زمان حال، شرایط و وضعیت های آینده ما را شکل می دهد .

گفتگوهای با استاد ، فصل 8

به یاد داشته باش که نیروهای پنهان و نامحسوس در درون انسان ها یکسان هستند ، و آنچه که مهم است نحوه استفاده ما از این نیروها می باشد. اگر با آنها از طریق منفی وارد شویم ، جواب منفی نیز دریافت می کنیم . ما خودمان محدودیت هایی را به خودمان تحمیل می کنیم تا به این قدرت فرصتی دهیم تا از طریق ذهن ناخودآگاه عمل کند .

گفتگوهای با استاد ، فصل 8

هر آنچه که در آگاهی است ، مجبور به بروز کردن و تجلی یافتن است ...

این می تواند ناخواسته و بی اختیار انجام شود و یا ارادی. نگرش های منفی پنهانی که فرد در برابر دیگران و یا شرایط خاصی از زندگی دارد، در زمان خود به بیرون می آید و آشکار می شود. به عنوان مثال، اگر کسی نگرش های پنهان بسیاری در مورد زنان و مردان داشته باشد، امکانش خیلی کم است که بتواند با هم نوعان خود مواجه شود. او از آن نوع انسانهایی است که اکثر اوقات، تنها هستند .

زیاد به پر و پای چنین افرادی نپیچید و یا مثلاً خشم آنها را تشدید نکنید، زیرا با این کار در واقع ماشه آنها را کشیده اید و آنها خیلی سریع وارد مسیری قهقریایی می شوند. این مسأله گاهی منجر به خودکشی آنها می شود. کارمای منتج از عملی که بر علیه فرد دیگری صورت گرفته است، این افراد را همیشه در نوعی کشمکش نگه می دارد، کشمکشی که عمدتاً با خودشان است. آنها در بسیاری اوقات، گمان می کنند

که دارند با فرد دیگری کشمکش و جر و بحث می کنند، در صورتیکه در واقع با خودشان درگیر هستند

کلیدی بر اکنکار، صفحه 19

در ECK می دانیم که ذهن، روال معینی را دنبال می کند و شیارهای معینی دارد. ما در کودکی عادت های مختلفی پیدا می کنیم. این عادات را به دوران نوجوانی حمل می کنیم و سپس همانطور که بزرگتر می شویم، این عادت ها نیز محکم تر می شوند و بیشتر شکل می گیرند و خشم و نگرش های دیگر ذهن، همگی از این عادت ها منشأ می گیرند. روح تنها چیزی است که عظیم تر از ذهن است. روح، فراسوی قدرت ذهن قرار دارد و تنها چیزی است که می تواند ذهن را شیارها و روال عادی اش خارج کند.

چگونه خدارا بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 2

این چارچوب ذهنی است که در زندگی، در مسیر رسیدن به خدا اتخاذ می کنیم. نمی گوییم: "می ترسم یا به درون زندگی بگذارم و کاری کنم، که مبدا در نظر دیگران احمق و نادان جلوه کنم". ما با جرأت و شهامت پا به درون زندگی می گذاریم. مطالب مختلفی را یاد می گیریم. و به خاطر آموختن و تجربه کسب کردن، حاضریم که حتی در نظر دیگران، احمق نیز به نظر برسیم.

چگونه خدارا بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 2

ذهن با عادات و روال همیشگی خود، حاضر به تغییر آنچه همیشه کرده است نیست. ذهن دوست دارد همچنان مثل گذشته فعالیت کند و لذت ببرد. ولی روح الهی به حرکت خود ادامه می دهد، و ذهن و عواطف و امور دیگر نیز همینطور. اگر همواره با این تغییرات به جلو نرویم، اگر تمایلی به انعطاف پذیر بودن نداشته باشیم، دوران بسیار سختی را در طول وصل های مان در ECK خواهیم داشت. عبور از یک وصل به وصل دیگر، باید روندی بسیار آسان و راحت باشد. باید خود را آماده رها کردن نگرش های کهنه خود کنیم، و در حالی که روح الهی سعی می کند ما را به درون هشیاری عظیم تری رهنمون کند، سعی کنیم در برابر آن پذیرا باقی بمانیم. وقتی در برابر روح الهی پذیرا باشد استاد درون وارد صحنه می شود و شما را به درون چشم اندازهای بزرگتری می برد - البته فقط در صورتی که به او اجازه چنین کاری را بدهید. وقتی روح، چنین اجازه ای داده باشد ولی کالبدهای تحتانی از آن بی اطلاع باشند، آنگاه انواع و اقسام مشکلات برای فرد پیش می آید. در چنین مواقعی باید ایثار و خدمت کرد. این خدمت الزاماً نباید در مورد اکنکار و امور مربوط به آن باشد. ولی آنچه مهم است خدمت کردن به زندگی و پرداختن بهاست.

این کار را مطابق با استعدادها و علایق خود انجام دهید. بعضی ها سخنرانی کردن را دوست دارند، بعضی ها ندارند. آنها از سخنرانی وحشت دارند. اگر چنین است، سخنرانی نکنید. عده ای عاشق کارکردن با بچه ها هستند، عده ای هم - احتمالاً آنهایی که خودشان بچه داشتند - ممکن است بگویند: من سهم خودم را داده ام، حالا نوبت دیگران است.

چگونه خدارا بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 2

ذهن انعطاف پذیر⁵⁵ تحت هر شرایطی قادر به تغییر است - این عاملی است که زیاد شناخته نشده است ولی روح، هر چه در مسیر معنویت بالا برود، بارهای روی دوشش هم کمتر می شود و آسان تر می تواند از یک مسیر و روند به مسیر و روند دیگری تغییر جهت دهد. ذهنی که با سرعت های متفاوت حرکت می کند، ذهنی است که در حوزه انعطاف پذیر بودن فعالیت می کند .

کلیدی بر اکنکار ، صفحه 9

لزامی ندارد خدا را خشنود کنیم، بلکه باید حضور او را متجلی سازیم . بسیاری از افرادی که کارهای خوب انجام می دهند، ایده ای از اینکه " خوب " واقعا چیست، ندارند .

خیلی ها هستند که خواستار مداخله و عملکرد خداوند در زندگی خود هستند ولی حاضر نیستند آنچه برای شان لازم است را انجام دهند .

ولی وقتی فرد زندگی خود را مورد بررسی قرار می دهد، به این ادارك و شناخت می رسد که آنچه تجربیات او را در زندگی تعیین می کند، عبارت است از باورهای او، افکار او و شرطی شدگی های او. بنابراین به مهم ترین قسمت از پیام زندگی می رسیم: تجربیات ما را در زندگی، نه اعمال ما ، بلکه انتظارات ما تعیین می کنند ، حتی وقتی همه چیز را خیلی درست و صحیح انجام می دهید، اگر پیوسته دچار این ترس باشید که مشکلی پیش خواهد آمد، مطمئن باشید که چنین خواهد شد. آیا این به این خاطر است که شما بد، گناهکار یا شیطانی هستید؟ نه. دلیلش فقط به خاطر باوری است که دارید .

کلیدی بر اکنکار ، صفحه 14

این نگرش و تصویر ما از بودن مان است که قالب و شرایط وجود ما را تعیین می کند . همه چیز بستگی به نگرش فرد به خودش دارد. آنچه او در مورد خودش حقیقتی نپندارد، نمی تواند در دنیای او بیدار شود.

کلیدی بر اکنکار ، صفحه 6

این را می دانیم که می توانیم آینده خود را شکل دهیم ... زیرا آینده هنوز شکل نگرفته است . می توانید آن را آنطور که می خواهید بسازید⁵⁶ ، ولی ابتدا باید قادر به تجسم آنچه می خواهید باشید ، آن واضح و روشن. متأسفانه اکثر انسان ها به دنبال اهدافی مادی از قبیل پول ، سلامتی ، ثروت ، هم کامیابی و دوستی و مصاحبت هستند . ولی باز هم می گویم که به قول عیسی : " ابتدا فرمانروایی خداوند را بجوید و آنگاه تمام این چیزها به سوی تان خواهد آمد . " حتما اطمینان حاصل کنید که هدفی که دارید، ارزش درد سرش را داشته باشد . برای تقویت یا ایجاد این قدرت تجسم خلاق، می توانید از تمرینات معنوی ECK،

⁵⁵ randomness

⁵⁶ بود که مجلس حافظ به یمن تربیتش / هر آنچه می طلبد جمله باشدش موجود
چرخ برهم زخم ار غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک
در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند / گر تو نمی پسندی تغییر کن قضا را (حافظ)
از صنع برآیم بر صانع باشم / حاشا که زبون هیچ مانع باشم
چون مطبخ حق ز لوت مالا مالست/ تا چند به آب گرم قانع باشم(جلال الدین رومی بلخی)

استفاده کنید . با انجام دادن این تکنیک ها دست به آزمایش بزنید. آنچه در جستجویش هستید، کسب کردن تجربه با نور و صوت است، جایی که می توانید در جهان های دیگر دست به ماجراجویی بزنید .

چگونه خدارا بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2 ، فصل 4

تبادل (Balance)

قانون تبادل: ایستایی و تعادلی که در الوهیت حاکم است: همه چیز در کالبد کیهانی خداوند، کاملاً در تبادل است. اصل وحدت یا یکی بودن، ولی این وحدت در جهان های تحتانی از طریق تبادل میان نیروهای متضاد، شبیه سازی می شود.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه انکار

امروز نیز همچون گذشته، کور بودن بشر نسبت به علت و معلول، بزرگترین مشکل اوست، آگاهی انسانی نمی خواهد بپذیرد که تمام اعمال ما، پیامدها و نتایجی را به دنبال دارند، استاد زنده ECK، قانون تبادل را در چهارچوب عادات و رسوم امروزی نشان می دهد و به تصویر می کشد.

کلام زنده، جلد 1، فصل 25

در حالی که زندگی خود را در مسیر ECK ادامه می دهیم، می خواهیم بدانیم که ECK چگونه در زندگی مان عمل می کند. یک موسیقیدان حرفه ای اخیراً می گفت که مدتی حسابی عصبی شده بوده است. جریان خلاق ECK آنقدر در او جریان گذاشت که او فرصتی برای متعادل کردن آن از طریق نوعی فعالیت فیزیکی خاص نداشت... او آنچنان غرق در موسیقی است که نتوانسته است هیچگونه فعالیت فیزیکی دیگری را وارد برنامه روزانه خود کند. موسیقی دان دیگری می گفت که عضو تیم بسکتبال شده است. او توانسته است از طریق این فعالیت ورزشی، تعادل به دست آورد. این خیلی مهم است که در زندگی خود تعادل داشته باشیم. وقتی ECK به درون ما جریان می یابد، اغلب اوقات فقط دوست داریم توجه مان را به کتاب های ECK و تمرینات معنوی مان معطوف کنیم، و فراموش می کنیم که باید به زندگی روزمره مان هم برسیم.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 3

زندگی بالا و پایین دارد. زمانی هست که می بینیم همه چیز آنطور که می خواهیم به پیش می رود، ولی زمانی هم هست که عکس این قضیه را می بینیم. اگر خود را همواره پذیرای روح الهی نگه داریم، همیشه در تعادل خواهیم بود. معنای وضعیت عدم وابستگی نیز همین است. وقتی ثروت مان را از دست می دهیم، خود را به روح الهی می سپاریم، آنگاه می توانیم خیلی طبیعی تر دوباره به نقطه اوج زندگی برگردیم. و با ریتم زندگی هماهنگ خواهیم بود. در حالی که زندگی در اطراف ما در جریان است و سپری می شود، وضعیت عدم وابستگی وضعیتی است که مستقیماً از وسط عبور می کند نه راست و نه چپ.

ما افرادی متعادل خواهیم بود که در آگاهی روح فعالیت می کنیم.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 3

آنچه از دست مان بر می آید را انجام می دهیم ، ولی احساس گناه یا عذاب وجدان نمی کنیم و اجازه نمی دهیم که از تعادل خارج شویم . ما با افراد دیگری که از نظر روحی و عقاید شبیه مان هستند کار می کنیم تا امور مختلفی را به انجام برسانیم . همین طور در زندگی ، روی صندلی نمی نشینیم و نمی گوئیم که کاری به هیچ کاری نداریم .

چگونه خدارا بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

با متعادل کردن بخش های مثبت و منفی در درون خودتان می توانید به جهان روح برسید . این بخش ها در جهان روح به تعادل کامل می رسند . از آن لحظه به بعد ، به خودشناسی رسیده اید این نوع تغییر چهره معنوی است – می توان گفت در واقع تبدیل به فردی جدید می شوید . اکنون در وضعیت خودشناسی هستید : می دانید چه کسی هستید ، چه کاره هستید ، و مأموریت تان در این زندگی چیست .

چگونه خدارا بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

هر روحی یک وجود منفرد و بی همتاست. ما در جهان های زیرین دارای دو بخش از طبیعت تحتانی خود هستیم ، مثبت و منفی. وقتی به جهان روح می رسیم ، می بینیم که این دو بخش یکی می شوند . این وضعیت به خودشناسی معروف است. آنچه سقراط در جمله خود به آن اشاره می کرد که: " انسان ، خودت را بشناس . " تا قبل از این مرحله ، شناختن خود ، صرفاً به معنای شناختن خویش حقیر است. نه ماهیت معنوی حقیقی خود. وقتی به جهان روح می رسیم ، آگاهی مان تغییر می کند، آنگاه دید و نگرش ما به زندگی ، دیدی کاملاً متعادل خواهد بود .

دیدن ازدواج در وضعیت رؤیا، خیلی ساده به این معناست که روح دارد وصلی درونی می گیرد که در آن دو بخش مثبت و منفی اش در حال نزدیک شدن به یکدیگر هستند . ما به دنبال پیوند و اتحاد با روح الهی ، ECK ، هستیم. هر بار که در جهان های درون شاهد ازدواج خود بودید. بدون توجه به شخصیت و ظاهر خود و زوج تان، بدانید که معنای آن ازدواجی نزدیکتر با روح الهی و با خداست .

چگونه خدارا بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 12

ما خواستار ریاضت کشی و زهد پیشگی⁵⁷ نیستیم ، این تعادل نیست. بودا در این رابطه سخن گفت ، او در ابتدای زندگی اش ، فردی ثروتمند و به دور از فقر و اندوه بود و وقتی پا به دنیای خارج گذاشت گفت : حالا باید گدایی کنم و فقیر شوم . او شروع کرد به روزه گرفتن⁵⁸، ولی به جایی نرسید فقط لاغر و نحیف شد. سپس پس از مدتی گفت : باید راهی برای زندگی کردن در تعادل وجود داشته باشد . باید مسیری میانه وجود داشته باشد .

⁵⁷ به هوش باش که هنگام باد استغنا / هزار خرمن طاعت به نیم جو نهند... غزلیات حافظ .. غزل ش ۱۰۲

⁵⁸ بیا که تُرکِ فلکِ خوانِ روزه غارت کرد / هلالِ عید به دورِ قدحِ اشارت کرد
ثوابِ روزه و حج قبول آن کس برد / که خاک میگذد عشق را زیارت کرد

در زندگی معنوی، ما به دنبال تعادل هستیم، زیرا می‌خواهیم پس از تجربه کردن خداوند، و دیدن نور⁵⁹ – چه نور آبی و چه نورهای دیگر – بتوانیم به زندگی مان ادامه دهیم. هیچ وقت از خود بی خود نمی‌شویم و نمی‌گوییم: "یعنی میشه باز هم ببینمش؟" زیرا وقتی زمانش فرا برسد، باز هم آن را خواهیم دید. عده‌ای نیز ممکن است صوت را تجربه کنند. این‌ها دو جلوه خداوند هستند که اکیست‌ها و حتی کسانی که در جهان خارج عضو اکنکار نیستند دارند در موردش می‌آموزند و در زندگی روزمره شان تجربه می‌کنند.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی‌های ماهانتا، کتاب 2، فصل 14

یک نفر می‌گفت که نمی‌داند چطور می‌تواند افرادی را که دارای انگیزه اند، پیدا کند و یا چطور می‌تواند در انسان‌ها انگیزه ایجاد کند. و واقعاً هم نمی‌توان چنین کرد. افرادی هستند که همیشه و در همه حال، مشتاق و پر انگیزه اند. عده‌ای نیز مدت خاصی را پرشور و پر انگیزه اند و سپس وارد مرحله سکون و استراحت می‌شوند – نقاط استراحت در ابدیت. چرخه‌ای طبیعی در امور زندگی وجود دارد: فعالیت، استراحت، فعالیت، استراحت، اکیست یاد می‌گیرد که چطور در مسیر میانه قدم بردارد. او در مسیر میانه می‌تواند کاری کند تا فعالیت و استراحت، برای او کار کنند، تا او بتواند تمام بیست و چهار ساعت در روز را، همکاری آگاه برای خداوند باشد.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی‌های ماهانتا، کتاب 2، فصل 21

تمام اتفاقات و تجربیات زندگی، منعکس‌کننده قانون تعادل معنوی هستند. دیر یا زود پاندول به عقب باز می‌گردد. آن لحظه هنگامی که نیروهای مثبت و منفی در تعادل قرار دارند همان چیزی است که "حضور بر لبه ابدیت" می‌نامیم. این یعنی، داشتن فرصتی برای رفتن به فراسوی علت و معلول عادی تجربیات روزمره.

چهار دیسک‌درس استاد، درس 7

⁵⁹ هین مشو نومید نور از آسمان/حق چو خواهد می‌رسد در یک زمان

الماس های مرتبط

الماس های مرتبط . اتفاقات زندگی همچون الماس هستند. ریسمان های نامرئی، این الماس ها را به هم مرتبط می کند، این بخشی از طرح الهی است. فردی که عاشق خداست، یاد می گیرد این ریسمان ها به سرزمین مقدس منتهی می شوند. آنجاست که روح الهی معجزه می آفریند و به فرد کمک می کند به کارهایی دست بزند که تنهایی قادر به انجام دادن شان نیست. روح الهی همچون سپری محافظ به دور فرد می پیچد. عشق و شفقت آن، لطف الهی است که لذت و نیکی خاصی را وارد زندگی روزمره می کند .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

اصلی معنوی به نام الماس های مرتبط وجود دارد که هر روز در زندگی مان در حال عمل کردن است ، چه از آن آگاه باشیم و چه نباشیم

به عنوان مثال ، به مورد زیر توجه کنید: دوست قدیمی یکی از اکیست ها برای سیاحت، از شهری دیگر به نزد او آمد. روزی دو دوست تصمیم

گرفتند به یکی از سالن های بلیارد بروند و بعد ازظهر را بازی بگذرانند . بنابراین در دفترچه تلفن ، آدرس چند سالن را پیدا کردند و تصمیم گرفتند به نزدیک ترین آنها سری بزنند. با اینکه بر سر رفتن به سالن اول توافق کرده بودند ، ولی وقتی به خود آمدند خود را در راه دومین آدرس دیدند.

بنابراین دور زدند و برای صرفه جویی در وقت با استفاده از نقشه شهر در مدت کوتاهی خود را به مقصد رساندند. ولی تمام میزها اشغال بود . در نتیجه یا باید منتظر می ماندند یا اینکه به سالن دیگری می رفتند . بنابراین آنجا را ترك کردند .

باز هم سوار اتومبیل شدند و از روی نقشه به طرف آدرس دوم رفتند که چندین مایل با سالن اول فاصله داشت و در آن سوی شهر بود .

جالب این که سالن دوم هم در همان خیابان بود ولی آنها که گرم نقشه خوانی و رانندگی بودند به این مسأله توجه نداشتند . چون مسیرشان از چند تقاطع یک بزرگ راه ، و باز هم چند تقاطع دیگر می گذشت . اما سالن دوم که راننده از ابتدا از روی غریزه داشت به طرف آن می رفت در همان خیابان ولی چندین مایل دورتر قرار داشت .

این است مثالی از الماس های مرتبط .

نحوه عمل این اصل چنین است که ابتدا چیزی به ذهن مان خطور می کند که در آن لحظه حس می کنیم موجب بهبود اوضاع خواهد شد. بعد نقشه ای می کشیم و برای برداشتن اولین قدم ، برنامه ریزی می کنیم . اما در عمل متوجه می شویم که ECK سعی دارد ما را مستقیماً به نقطه دوم برساند . در برابر راهنمایی های روح الهی مقاومت می کنیم ، نقشه اولیه خود را دوباره بررسی می کنیم و سعی می کنیم برای

رسیدن به جایی که می‌پنداریم باید باشیم، راهی میان‌بر پیدا کنیم. اما وقتی به مقصد می‌رسیم، می‌بینیم که هیچ چیز درست از آب در نمی‌آید.

اما مسأله اینجاست که اگر ناامید نشویم، اگر به خانه‌برنگردیم. در نهایت همه چیز درست خواهد شد. ولی تسلیم شدن، آسان‌ترین راه است. اگر به جای مأیوس شدن تصمیم بگیریم که برنامه‌ریزی اولیه خود را دنبال کنیم. آنگاه دوباره نقشه را مرور می‌کنیم و برای رسیدن به هدف راه تازه‌ای را انتخاب می‌کنیم. غالباً در این میان متوجه ریسمانی می‌شویم که تمام نقاط اصلی مسیر را به یکدیگر وصل کرده است. افرادی موفق و کسانی که با اصل الماس‌های مرتبط‌آشنایی دارند و از آن پیروی می‌کنند، معمولاً خوشبخت هستند.

کلام زنده، جلد 2، فصل 5

هر اتفاقی که در زندگی رخ می‌دهد، از اتفاقاتی که آنها را شانس محض می‌نامیم گرفته تا اتفاقاتی که به نظرتان غلط و نابجا می‌رسد. همه و همه بخشی از طرح و برنامه الهی است. اکثر مردم نمی‌دانند که بخش‌های مختلف زندگی به هم مرتبط هستند نمی‌دانند که اتفاقات زندگی شان همچون الماس هستند و اینکه ریسمان‌هایی نامرئی، در جهانی متفاوت و در ترکیباتی مختلف، این الماس‌ها را به هم متصل می‌کنند. اگر می‌خواهیم شاد و خوشبخت باشیم باید کاری کنیم تا جهات و نقاطی را که عشق و شادی به سمت مان می‌آورند به هم متصل کنیم.

چطور باید شروع کنیم؟

در مورد مسائل معنوی نباید زیاد به خودمان فشار بیاوریم. بنابراین با انجام دادن روزانه تمرینات معنوی ECK شروع کنید. هیو یا کلمه شخصی خود را بخوانید. تمرینات معنوی ECK، قوی‌ترین اتصال و ارتباط را به شما خواهند داد – ارتباط با ECK، روح الهی دوم اینکه. خیلی آرام بنشینید و زندگی‌ای را که دوست دارید داشته باشید، در ذهن خود تجسم کنید. دوست دارید چه کاره شوید؟ در چه شرایطی باشید؟ سپس از هدف خود به عقب و به لحظه حال برگردید. این برنامه شما برای رسیدن به هدف‌تان خواهد بود. سوم اینکه، شروع کنید.

این نگاه کردن به برنامه خود برای دستیابی به شادی و موفقیت معنوی است، آن هم از آخر به اول.

حالا بیایید کمی منطقی‌تر به آن نگاه کنیم در این برنامه، سه مرحله یا سه الماس مرتبط وجود دارد. ابتدا باید کاری کنید یا استارت کار را بزنید. ولی در کجا؟ در چه جهتی؟ تا وقتی سومین مرحله را ندانید، یعنی هدف‌تان را با سومین نقطه الماس‌های مرتبط، نمی‌توانید در جهت رسیدن به آن شروع به کار کنید. پس در ذهن خود تصویری از هدف‌تان بسازید.

متوجه خواهید شد که هنوز هم فضایی ناراحت‌کننده میان مرحله اول، نقطه شروع و مرحله سوم، هدف‌تان وجود دارد. این مرحله میانی، همان بخش خلاق و شکل‌نگرفته است که روح الهی در آن معجزه می‌آفریند تا کمک‌تان کند آنچه تنهایی قادر به انجامش نیستید را انجام دهید.

چطور دست به کار می‌شوید؟

تا وقتی هدفی برای خود نداشته باشید هرگز نمی توانید به این بخش فوق العاده و معجزه آسای زندگی برسید. سپس باید اقدام کنید و شروع کنید به حرکت کردن به طرف هدف تان. تنها در آن هنگام است که روح الهی به شما در عبور از این قسمت ناشناخته و بزرگ و میانی، کمک می کند. در این قسمت، قسمت میانی، باید از توانایی ها و استعدادهای خود استفاده کنید. تا زندگی بهتر را برای خود بیافرینید.

پال توئیچل نیز در مورد این الماس سخن گفته است. او در ECK – ویدیا، دانش باستانی پیشگویی می گوید: " این الماس ... با جهان فیزیکی و تجربیات انسانی بشر مرتبط است و نشانگر تأثیر و رابطه روح الهی در امور و شرایط مادی است. شهود، غیب گویی، وحی و الهام. همگی از توانایی ها و قابلیت های ذهن برتر و والا هستند که در آن، گویا نور از درون الماسی بی نقص به بیرون منعکس می شود".

آیا می خواهید خوشحال و خوشبخت باشید؟ پس شروع کنید به یادگیری در مورد الماس های مرتبط

در زندگی خود، این الماس ها همه جا در اطراف تان در حال درخشیدن و برق زدن هستند.

تقدیر

قانون تقدیر: روح وارد این جهان می شود تا انواع و اقسام وظایف مختلف را به عهده بگیرد. این مأموریت ها و تکالیف او، بر روی هم، تقدیر و سرنوشت او را شکل می دهند.

دریایی کیهانی واژه ها : واژه نامه اکنکار

روح وارد این جهان می شود تا انواع و اقسام وظایف مختلف را به عهده بگیرد، این مأموریت ها و تکالیف او، بر روی هم، تقدیر و سرنوشت او را شکل می دهند .

روح به منظور ایجاد فضای مناسب برای مأموریتش، ممکن است وارد یک کالبد فیزیکی سالم و یا بیمار شود، در محیطی راحت و ثروتمند تولد یابد و یا در محیطی فقیر، با هوش و ذکاوتی بالا و یا فردی عادی و معمولی، با پوست سفید یا سیاه ، مؤنث یا مذکر.

امروز در جامعه غربی، مفهوم تقدیر و سرنوشت کم کم دارد در ذهن عموم، رنگ می بازد و محو می شود. مردم دوست دارند خودشان زندگی شان را در کنترل داشته باشند . دوست دارند خودشان آینده و فردهای خود را بسازند.⁶⁰

زندگی نامه پیامبر امروزی ، فصل 3

بذر اصلی و نخستین هر یک از تناسخات (رجعت ها به چرخ مردمخوار، فرگشتهها) ، تحت نفوذ و کنترل تقدیر و سرنوشت است، یعنی همان چیزی که کارمای زندگی های گذشته می نامیم. در واقع، عناصر اجتماعی، فرهنگی و ژنتیکی ، همه دست به دست هم می دهند تا موقعیت روح را در این دنیا تعیین کنند . در مورد افرادی که در قسمت تحتانی درجه بندی حیات قرار دارند ، این فرمانروای کارماست که زمان و مکان تولد مجدد آنان را انتخاب می کند . بنابر تعریف ، درجه بقا عبارت است از میزان توانایی های طبیعی فرد. البته در مورد تعیین موقعیت کارمیک روح ها در زندگی مجدد، به عده ای از روح ها در مورد مکان تولدشان حق انتخاب و اظهار نظر داده می شود. اینان افرادی هستند نزدیک به قسمت بالای درجه بقا، افرادی که همیشه به نوعی خلاقیت به خرج می دهند – افرادی که معمولاً شاد، خوش بین و امیدوار هستند. اینان به خاطر امتیازاتی که در زندگی های گذشته خود کسب کرده اند، دارای حق انتخاب

⁶⁰ عارفی را پرسیدند زندگی به جبر است یا به اختیار؟ پاسخ داد: امروز را به اختیار است تا چه بکارم، اما فردا جبر است. چرا که فردا به اجبار باید درو کنم هر آنچه را که دیروز به اختیار کاشته‌ام

در مورد تناسخ (رجعت به چرخ مردمخوار و تکامل، فرگشت) بعدی⁶¹ شان می باشند. تقدیر را می توان تجهیزات ، استعدادها و یا امتیازاتی دانست که فرد با خود به این زندگی می آورد. حال، به خود او بستگی دارد که از این امتیازات استفاده کند یا نکند .

زندگی نامه پیامبر امروزی ، فصل 3

به محض اینکه فرد، متعهد به پیروی از تعالیم ECK و انجام دادن صادقانه آن شود، و کلام استاد زنده ECK را دنبال کند، بدون هیچ شکی، شاهد حرکت زندگی بیرونی خود در جهات جدیدی خواهد شود. قانون تقدیر، که تا قبل از این جهت حرکت زندگی را تعیین می کرد، اکنون دیگر از کار می افتد. قدرت این مکانیزم از میان می رود. وقتی استاد ، کتاب زندگی او را در دست می گیرد،⁶² فصل جدیدی در آن آغاز می شود. وقتی مطالعه صادقانه ECK را شروع می کنید ، مهم نیست که چه انتظاراتی دارید. فقط کاملاً مطمئن باشید که عشق جریان صوتی، در قلب روح الهی در حال شعله ور بودن است .

دیسکورس ست سنگ ، سری سوم ، درس 6

⁶¹ یک مدتی ارکان بدی یک مدتی حیوان بدی / یک مدتی چون جان شدی جانانه شو جانانه شو

تو از آن روزی که در هست آمدی/آتشی یا بادی یا خاکی بدی

گر بر آن حالت ترا بودی بقا / کی رسیدی مر ترا این ارتقا

از مبدل هستی اول نماند/هستی بهتر به جای آن نشاند

همچنین تا صد هزاران هستها / بعد یکدیگر دوم به ز ابتدا

از مبدل بین وسایط را بمان /کز وسایط دور گردی ز اصل آن

آنکه پر نقش زد این دایره مینایی/ کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد

⁶² مردیکه به هست و نیست قانع گردد / هست و عدم او را همه تابع گردد

موقوف صفات و فعل کی باشد او /کز صنع برون آید و صانع گردد

مگریز ز چشم ای خیالش / تا تازه شود دلم زمانی

شمس تبریز لامکان دید / بر ساخت ز لامکان مکانی (جلال الدین رومی بلخی)

چرخ ار نگرده گرد دل از بیخ و اصلش برکنم / گردون اگر دونی کند گردون گردان بشکنم
بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم/ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم(حافظ)

عدم وابستگی

عدم وابستگی رها کردن هرگونه دلبستگی شدید به محیط و متعلقات ، بدون از دست دادن حس همدردی و بدون بالا در نظر گرفتن خود، استقلال پیدا کردن از این دلبستگی ها، رهایی ذهن از عشق به این دنیا و تمام خواهش های دنیوی⁶³

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

عدم وابستگی، یکی از چیزهایی است که در زندگی معنوی از آن اطلاع داریم. معنای آن وارد نشدن در امور و یا بیرون ایستادن از زندگی نیست . معنای آن این است که نگذاریم شرایط بیرونی باعث به هم خوردن تعادل درونی مان شود .

هنر رؤیا بینی معنوی ، فصل 9

واژه " عدم وابستگی " واژه بسیار سرد و بی روحی است . معنای آن در معنویت این است – ما در وحدت با کل ، میزان خاصی از شادی و رنج را دریافت می کنیم ، ولی به آن اجازه نمی دهیم که تعادل عاطفی ما را آنقدر تحت تأثیر قرار دهد که باعث پرتاب ذهن ما به درون دو قطب لذت یا غم شود . کنترل و مهار کردن واقعی ، عدم وابستگی به ترس است . وقتی این صفت و ویژگی مهم خدا را کسب کردی ، آنگاه می توانی از زندگی عظیم تری بهره مند شوی . بله ، می توانی شعفی آمیخته با درد داشته باشی ، ولی دیگر همچون قبل ، تا آن حد تحت تأثیرش قرار نگیری . تنها وقتی که ترس تو در حال کنترل آن دو قطب باشد زندگی ات به متعلقات معنوی، ذهنی و فیزیکی آن وابسته می شود. ترس را رها کن و آنگاه دیگر مجبور نیستی هیچ چیز دیگری را در زندگی ات رها کنی .

بزرگترین شعف فیزیکی ، ذهنی و معنوی – تعادل یافته با هر میزان غم و اندوهی که باید در زندگی ات باشد – همه و همه از آن تو خواهد بود !

گفتگو هایی با استاد ، درس 13

لبه تیغ ، عدم وابستگی پر آرامش فرد از امور این دنیاست، با این حال اگر او بخواهد، می تواند از نعمت های این دنیا به عنوان برکات زندگی بهره مند شود ، زیرا این کارمای گذشته اوست که این

⁶³ زیر بارند درختان که تعلق دارند / ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد (حافظ)

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود / ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزادست (حافظ)

بیا و ترک تعلق کن و بعیش گرای/ که کاف ترک تعلق، کلید هر گنجست

درویشی به دلق ، چه تعلق دارد ؟ که هرسالی، نهصد هزار درم، خرج حجره های آن درویش، بودی. " شمس تبریزی

برکات را برای تجربه او برایش فراهم کرده است. هیچ حسن و مزیتی در رنج کشیدن⁶⁴، فقر و یا شهید شدن وجود ندارد، مگر اینکه فرد برای تطهیر روح، به این تجربیات نیاز داشته باشد.

کلام زنده، جلد 1، فصل 32

فرد باید از هر گونه عشق به امور و اتفاقات مادی و از هر گونه نگرانی در مورد آنها رها باشد. چلای ECK این ویژگی را به دست می آورد - زیرا عشقش در فراسوی امور فانی این دنیا متمرکز است - و به جهان های آسمانی دست می یابد.

انسان به خاطر عشق به اسباب و موضوعات مورد علاقه حواسش، آرزو و خواسته پیدا می کند، از آرزوها و خواسته هایش، خشم بر می خیزد. از خشم، توهم ناشی می شود، و از توهم حواس و خاطرات آشفته بیرون می آید. این موجب نابود شدن عشق او به خدا می شود، و او عاقبت به خاطر اتمام این ها به نابودی می گراید. ولی وقتی خویش انضباطی به خرج دهد و عشق خود را به ماهانتا (استاد درون) معطوف کند آنگاه رها از لذت ها و دردها، و از همه مهمتر، رها از بی بند و باری و زیاده روی در میان اشیاء و امور مربوط به حواس خود حرکت می کند.

شریعت - کی - سوگماد، جلد 1، فصل 7

وایراگ، وضعیتی از آگاهی است که به عدم وابستگی رسیده است. این وضعیت، همراه با خداشناسی به دست می آید. عدم وابستگی به معنای بی رحم و بی شفقت و فاقد دلسوزی و یا بدون عشق بودن نیست. معنای آن خیلی ساده این است که می توانیم شفقت و دلسوزی داشته باشیم، می توانیم از زندگی لذت ببریم، ولی اگر زمانی غم وارد زندگی مان شد، نمی تواند تا آخر زندگی، بر دوش مان سنگینی کند. زیرا می توانیم دست خداوند را در آن ببینیم.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 2

افراد بسیار اندکی هستند که واقعاً از این آب جاودانگی می نوشند، اینان آموخته اند که چطور با آنزیم ها کار کنند تا روند پیر شدن کالبد فیزیکی را متوقف کنند، زیرا برای انجام مأموریت خود به آن نیاز دارند. البته به هیچ وجه ماندن در کالبدشان و یا ترك آن اهمیتی نمی دهند، بلکه فقط وظیفه خود را انجام می دهند. فردی که در وضعیت وایراگ یا عدم وابستگی عمل می کند، استحقاق چنین کاری را پیدا می کند. وضعیت عدم وابستگی به معنای ترك خانواده، به دور ریختن تمام عواطف، پیمودن زندگی مثل زامبی (مرده متحرك) و یا یک ربات تحت کنترل کامپوتر و گفتن اینکه حالا من به عدم وابستگی رسیده

⁶⁴ و هیچ مرا با رنج نسبتی نیست، رنج از هستی بود، وجود من، پُر از خوشی است، چرا رنج بیرونی را، به خود گیرم؟ به جوابی و دشنامی، دفع کنم، و از خانه بیرون اندازم. "شمس تبریزی
سخن رنج مگو جز سخن گنج مگو/ و از این بی خبری رنج مبر هیچ مگو (جلال الدین رومی بلخی)
همه رنج ها از این شد که ورق خود می خوانید، ورق یار نمی خوانید. (شمس تبریزی)
ای بسا کارا که اول صعب گشت/ بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت
رنج را باشد سبب بد کردنی/ بد ز فعل خود شناس از بخت نی

ام، نیست. نه، به هیچ وجه. کسی که چنین کند در واقع در وضعیت خواب به سر می برد نه عدم وابستگی

مسافرت روح ، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 1 ، فصل 14

عدم وابستگی یعنی دیدن و نظاره کردن بازی زندگی – گریه کردن در جای خود ، خندیدن در جای خود – و نگاه کردن به آن در تمام لحظات ، از دیدگاه روح و دانستن اینکه: حتی این نیز بگذرد.

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 17

عدم وابستگی به معنای بی عاطفه بودن نیست ، معنای آن این است که هر آنچه در زندگی داریم ، اگر زمانی از ما گرفته شود، به خاطر آن نابود نمی شویم. این یعنی اعتماد کامل به زندگی و دانستن اینکه زندگی هر آنچه برای رشد معنوی مان لازم است را به ما ارائه می دهد .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 22

قوه تشخیص

قوه تشخیص: تشخیص دادن اینکه نه خوبی هست و نه بدی، نه زیبایی هست و نه زشتی و گناه، و اینکه این ها همگی مفاهیمی ذهنی هستند. نیروهایی دوگانه در جهان های مادی، توانایی در اتخاذ کردن تصمیمات درست، توانایی در تمیز دادن اعمالی که به رشد معنوی کمک می کنند و اعمالی که صرفاً اتلاف وقت هستند.⁶⁵

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

وی وکا Viveka اولین گام در اکنکار، قوه تشخیص صحیح، توانایی در تشخیص دادن آنچه برای پیشرفت معنوی خوب است و آنچه صرفاً اتلاف وقت است، متضاد کاما Kama یا شهوت.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

اجتناب از زیر پا گذاشتن قوانین معنوی، مستلزم داشتن سطح بالایی از قوه تشخیص است.

دیسکورس ست سنگ ECK، سری چهارم، درس 12

برای دانستن اینکه چه زمانی باید سخن گفت و چه زمانی ساکت بود، باید از قانون قوه تشخیص استفاده کرد.

پاسخ پیامبر امروزی به سؤالات مهم شما، فصل 3

قدرت تشخیص به معنای اتخاذ کردن تصمیمات درست است. بعضی ها اصولاً استعداد عجیبی در اتخاذ کردن تصمیمات اشتباه دارند، و به همین خاطر هم هست که همیشه دچار مشکلات مختلف هستند. پشت سر هم دچار ازدواج های ناموفق می شوند. دوبار، سه بار، چهار بار گیر همسر الکلی می افتند. همه می گویند: "عجب بد شانس!" ولی این به خاطر بد شانسی نیست. بلکه به این خاطر است که روحی که دارد این تصمیمات را اتخاذ می کند، قدرت تشخیص ضعیفی دارد و تصمیمات ضعیفی هم اتخاذ

⁶⁵ حافظا چون غم و شادی جهان در گذر است / بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم... غزلیات حافظ.. غزل ش ۶۲۳

غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد / ساقیا باده بده شادی آن کاین غم ازوست... سعدی... غزل ش ۳۱۱

پس بد مطلق نباشد در جهان / بد به نسبت باشد این را هم بدان

که یکی را پا دگر را بند نیست / مریکی را زهر و بر دیگر چو قند

در زمانه هیچ زهر و قند نیست / مریکی را پا دگر را پای بند

زهر مار آن مار را باشد حیات / نسبتش با آدمی باشد ممات... دفتر چهارم مثنوی معنوی... بخش

می کند. و اما چطور می توان این مسأله را تغییر داد؟ ابتدا باید به ضعف خود نگاه کنید. سپس باید این را نیز بدانید که چطور از نظر معنوی، رشد و بهبود پیدا کنید. عموماً این کار از طریق خواندن نام باستانی خداوند، هیو HU، صورت می گیرد. این نام و تمرینات معنوی دیگر، به شما کمک خواهند کرد.

دستورهای بیدارباش معنوی ما، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 15، فصل 4

در حالی که قوه تشخیص تان توسعه پیدا می کند، متوجه می شوید که فقط می توانید مقدار معینی از چیزهای مختلف را بپذیرید. آنگاه باید عقب بکشید و بگویید: "یاد می گیرم کارها را به روش دیگری انجام دهم". بر می گردید سراغ خلاقیت خود - خلاقیت روح.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 9

هر فکر، گفتار یا عملی بدن را پاک می کند یا آلوده می کند. اکنون، این بسیار مهم است، بسیار قدرتمند است، زیرا شما با وضعیتهای آگاهی سر و کار دارید.

اگر در نقطه ای متوجه شدید که به یک مرزی برای سلامتی یا آرامش خاطر نیاز دارید، نگاه کنید به آنچه که در آنجا توجه تان را قرار می دهید، یا آنچه در اطرافتان است - چه چیزی وارد ذهن تان می شود. فرم موسیقی یا فرم اخبار (اخبار سیاسی و منفی یا مثبت دنیا) - به هر طریقی که اجازه دهید دنیای بیرون به دنیای درونی شما وارد شود.

زیرا آنچه وارد دنیای درون تان (ذهن تان) می شود به آنجا برمی گردد. و بعد مثل پژواک از درون شما به محیط اطرافتان برمی گردد. یعنی از درون شما به دنیای بیرون می رود و یا به آنجا برمی گردد. و بنابراین (در درون شما) تقویت می شود و در نهایت تأثیر بسیار قوی روی شما می گذارد. و این تأثیر می تواند برای شما مفید یا مضر باشد. بنابراین انتخاب با شما است. هر فکر، گفتار یا عملی بدن را پاک می کند یا آلوده می کند. این جمله ساده به نظر می رسد، اما یک جمله قدرتمند است.

راههای شگفت انگیز اک " 2005 اک سمینار جهانی "

برای اینکه به سلامتی بهتری دست پیدا کنید، از کلیه عناصر منفی زندگی خود را که از آنها آگاه هستید تمام خود را رها کنید. و تمرکز خود را روی چیزهای خوب حفظ کنید.

هر طوری که فکر می کند، همان نیز می شود. افکار چیز هستند. آنها قدرت ساختن یا تخریب را دارند.

به عنوان مثال، در موسیقی کانتری (دهاتی آمریکایی) و غربی، هم آهنگ های شاد و هم آهنگ های غم آلود وجود دارد. فقط به موسیقی های شاد یا خنده دار گوش کنید. ترانه های مربوط به خیانت همسران به یکدیگر، تراژدی، جنایات، ترحم به خود و هر آهنگ منفی دیگری را نیز کنار بگذارید.

قبول کنید که پژواک موسیقی منفی باید نقش خود را داشته باشند. قبل از اینکه فرد بهبودی در سلامتی خود ببیند باید پژواک های منفی از بین بروند.

و به زمینه های مرتبط نیز توجه کنید.

در حین خواندن کتاب، تماشای برنامه های تلویزیونی، بازی های رایانه ای، برداشتهای ذهنی خود را تماشا کنید (در همه حال از خوبیهای دیگران صحبت کنید). برنامه های منتقدانه و talk-show می توانند بسیار آسیب رسان و مخرب باشند. میزبان های برنامه های رادیویی و تلویزیونی اغلب سعی می کنند شنوندگان خود را عصبانی کنند تا آنها برای ابراز خشم خود با رادیو و تلویزیون تماس بگیرند. سطح تحمل خود را در برابر تأثیرات منفی قدیمی اطراف خود بیابید. از آن محدودیت ها تجاوز نکنید و برای از بین بردن آنها تلاش کنید.

و یک حد و مرزی برای سلامتی خودتان تعیین کنید.

یادداشت های حکمت، دنیای عرفانی، مارس 2006

لبه تیغ قوه تشخیص، همیشه در تعقیب جوینده خداست .

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 32

خداوند از طریق رؤیاها ، الهامات ، و گاهی از طریق صدای انسان های دیگر که بیشتر از ما تجربه دارند ، با ما صحبت می کند. ولی اگر با خواندن هیو، قلب خود را نگشوده باشیم، آن گاه وقتی حکمت و خرد را بشنویم، قوه تشخیص لازم برای شناختن آن را نخواهیم داشت.

طبل آهنگ زمان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 10 ، فصل 13

مقتصد بودن Economy

قانون مقتصد بودن: استفاده از منابع خود به بهترین نحو، به عنوان روح در حالی که آموزش می بینیم تا یاور معنوی خداوند شویم، هر فکر و هر عمل ما باید بهترین و پر ثمرترین نتیجه را به بار آورد .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

مسأله ای وجود دارد که آن را سال ها مورد مطالعه و توجه قرار داده ام، و آن قانونی است که به ندرت از آن نام برده می شود. نام آن ، قانون مقتصد بودن است. در بعضی از کتاب های ECK به این اصل و قانون اشاره شده است، البته نه با این عنوان. معنی قانون مذکور این است که از هر گالن از بنزین خود، حداکثر استفاده را ببرید .

تعالیم اسرار ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 3 ، فصل 4

قانون مقتصد بودن، در واقع نمود خارجی جریان ECK است. هر آن کس که خود را با این قانون هماهنگ کند، ردای خداوند را بر روی دوش خود دارد.

دیسکوس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 4

ECK هر جایی که لازم باشد، از افراد مختلف، بدون توجه به سن آنها، وضعیت سلامتی آنها، مکان آنها و یا محدودیت های دیگر در این زمینه، به عنوان مجرای برای خود استفاده می کند. ECK از هر موقعیتی استفاده می کند تا با نور و صوت، به انسان ها برسد. روح الهی به ما خدمت می کند و ما به روح الهی.

زندگی نامه پیامبر امروزی ، فصل 38

خدمت کردن یعنی اینکه هر حرکت ما، هر فکر ما، و هر آنچه انجام می دهیم، بهترین فوائد را به بار بیاورد. به عنوان روح ، در حالی که آموزش می بینیم تا یاور معنوی خداوند شویم، هر فکر و عمل ما باید بهترین و پر ثمرترین نتیجه را به بار آورد. من اغلب به این نوع خدمت کردن با عنوان " قانون مقتصد بودن " اشاره کرده ام. معنای آن این است که در هر چیزی، به دنبال بهترین باشیم. سعی کنیم از هر جهتی بهترین باشیم. اگر قرار شد تابلویی بکشیم، بهترین تابلویی را که امروز می توانیم، نقاشی کنیم و فردا حتی بتوانیم تابلوی بهتری بکشیم. اگر امروز قرار شد کتابی بنویسیم، سعی کنیم این کار را عالی انجام دهیم، ولی کتابی که فردا بنویسیم، حتی بهتر از کتاب امروزمان هم خواهد شد. ما از قانون مقتصد بودن استفاده می کنیم: فقط از تعداد کلماتی استفاده می کنیم که لازم است، همین و بس .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 22

بسیاری از غذاها و خوردنی هایی که دوست داریم، سخنرانی کردن را برایم مشکل می کنند. اگر قرار نبود سخنرانی کنم، هر چه را دوست داشتم می خوردم. ولی وقتی به ECK خدمت می کنید، یاد می گیرید که چطور عادت غذایی خود را تغییر دهید تا بیشترین استفاده را از کالبد خود ببرید. این یعنی کار کردن با قانون مقتصد بودن.

ردای آگاهی ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 5 ، فصل 16

نشان دهنده راه (ماهانتا) به شاگرد خود، بقاء در امور معنوی را تعلیم می دهد. روش های ساده او برای نظم دادن به بدهی های کارمیک چلا، معمولاً نادیده گرفته می شود. کارمایی که باید بازپرداخت شود، مطابق با قانون مقتصد بودن بر دوش چلا قرار داده می شود .

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 12

قانون مقتصد بودن، در هر حوزه ای از رشد و پیشرفت فرد به کار می رود: فیزیکی، روانی، ذهنی و معنوی .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 10

با قانون مقتصد بودن... آنچه را که نیاز دارید به دست می آورید. وقتی بچه هستید ، انتخاب های تان زیاد نیست. وقتی بزرگتر می شوید، انتخاب هایتان هم قاعدتاً باید بیشتر شود. ما به دنبال آزادی معنوی هستیم و این به معنای داشتن آزادی انتخاب⁶⁶ نیز هست. هرچه در مسیر ECK به پیش می رویم و هرچه در جهان های خدا بالاتر می رویم، انتظار داریم انتخاب های بیشتری هم داشته باشیم ...

اصل معنوی در این زمینه، این است که در هر کاری که می کنیم، باید بیشترین استفاده را از آن ببریم. با انجام دادن تمرینات معنوی، نیروهای درون ما دیگر غیر منسجم نیستند و هرز نمی روند. مابا این کار به آنها جهت می بخشیم و این جهت، به سوی سر منزل حقیقی و به سوی سوگماد است .

به آن توجه نمی شود این است که قانون پس می بینید که قانون مقتصد بودن مهم است. آنچه معمولاً

مقتصد بودن در تمام کارهایی که انجام می دهیم و در مورد تمام افرادی که هر روز ملاقات می کنیم به کار می رود .

تعالیم اسرار ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 3 ، فصل 17

وقتی کاری آنطور که می خواهیم انجام نمی شود، اولین کاری که می کنم این است که از خود می پرسم : " مسئولیت خودم در این مورد کجاست؟ " آیا ممکن است منظورم را خوب نرسانده باشم ؟ "

و اغلب نیز همین طور است . ما در سطوح متفاوتی فعالیت داریم و از زبان های متفاوتی استفاده می کنیم . از این رو ارتباط برقرار کردن با هم ، می تواند حسابی مشکل باشد. همانطور که در ECK به درجات والاتری دست می یابیم ، ارتباط مان با روح الهی بهتر و واضح تر می شود. و امیدوارم در حالی که در مسیرمان پیش می رویم ، ارتباط برقرار کردن میان واصلین هم واضح تر و شفاف تر شود .

یکی از جنبه های قانون مقتصد بودن این است که بتوانیم نقطه ضعف های هر سیستم زمینی را تشخیص دهیم. این شامل این مسأله هم می شود که بتوانیم نقطه ضعف های موجود در ساختار و شخصیت خود را نیز تشخیص دهیم و همچنین این ویژگی و خصلت ها را در دیگران هم بشناسیم و

⁶⁶ عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه/ پای آزادی چه بندی؟ گر به جایی رفت رفت

سعی کنیم با آنها کار کنیم .

تعالیم اسرار ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 3 ، فصل 17

می دانیم که اقتصاد دنیا بر اساس قانون مقتصد بودن نبوده است. آمریکا یکی از بزرگترین متخلفان در این قانون است. با پرداخت نکردن بدهی های تان، چه مدت می توانید فرار کنید؟ بعضی از دولت ها فکر می کنند که همیشه می توانند ماشین های چاپ را روشن کنند و پول بیشتری چاپ کنند. قانونی هست که می گوید مردم نباید به چاپ پول در زیرزمین های شان بپردازند، ولی خیلی از دولت ها دقیقاً همین کار را می کنند زیرا نمی دانند که قانون کارما چگونه عمل می کند .

حیات یک کشور شامل دهه های بسیاری می شود و چنین نیست که برگشت کارمای منفی لزوماً کار خود را فردا شروع کند. گاهی اوقات چندین سال طول می کشد تا عکس العمل کارهای فرد به او باز گردد. در این مدت که بین عمل و عکس العمل وجود دارد، همه فکر می کنند که میتوانند سواری مجانی بگیرند و می شود بدون پرداخت بهای چیزی، آن را به دست آورند. ولی آنها اصل اساسی قانون مقتصد بودن را فراموش کرده اند، که همان قانون علت و معلول است . شما هم از نظر معنوی و هم از نظر فیزیکی باید بهای هر آنچه که به دست می آورید را بپردازید .

کشورهای مختلف جهان هم مثل بسیاری از انسان ها کارما ایجاد می کنند. خیلی ساده آنها هم قوانین را درك نمی کنند. اکیست ها از جمله افراد روشندل و انتخاب شده ای هستند که این قوانین را حداقل توی مغزشان می فهمند و اگرچه گاهی در عمل حتی اگر آنها را به کار هم نبرند ولی می دانند که بالاخره زمانی باید بدهی های خود را بپردازند حالا شاید نه بزودی ولی بالاخره بعدها.

تعالیم اسرار ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 3 ، فصل 17

سهم خود را از مشکلات زندگی پذیرا باشید ، زیرا درون هر درسی، دانه ای از حقیقت پنهان شده است که برای برداشتن گام بعدی به آن نیاز دارید. ولی تا وقتی که مرحله ای که در آن هستید را پشت سر نگذارید، نمی توانید گام بعدی را بردارید. باید از جایی که هم اکنون هستید شروع کنید. وقتی بتوانید بطور کامل زندگی کنید. و از حداکثر ظرفیت زندگی، تحت قانون مقتصد بودن و قانون عشق استفاده کنید، آنگاه شایستگی رفتن به مرحله بعد را کسب می کنید.

قلب زرین ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 4 ، فصل 8

دانستن این که چطور باید در عنایت و رحمت ECK حرکت کرد ، نیاز به شناخت قانون مقتصد بودن دارد. افرادی که تمرینات معنوی ECK را سرسری می گیرند و فقط حرفش را می زنند ، همیشه شکایت می کنند که ECK برایشان عمل نمی کند، و بنابراین یک جای این مسیر مشکل دارد. طبق شخصیت و خمیره یک فرد بازنده ، شکست در زندگی همیشه تقصیر دیگران است. اینان خیلی به ندرت مسئولیت اعمال خود را به عهده می گیرند و اعمال شان نیز همیشه از روی بی میلی و سرهم بندی کردن است.

به همین دلیل است که امروزه افرادی که مشغول تجارت هستند می توانند در امور معنوی رهبر باشند

– زیرا تاجران موفق، برای بقا و موفقیت خود از قانون مقتصد بودن استفاده می کنند.

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 2

وقتی چیزی در بسته بندی و ظرفی زیباتر عرضه می شود، حاضریم بیش از بهای واقعی آن برایش بپردازیم. چرا؟ زیرا دوست داریم فکر کنیم که داریم چیز بیشتری می گیریم. ولی با این کار، در واقع از منابع خود حداکثر استفاده را نمی کنیم، و این بر می گردد به قانون مقتصد بودن.

ردای آگاهی ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 5 ، فصل 10

بعضی پیام ها و نصایح هستند که معنای خیلی خوبی دارند: " وقتی به خرید می روید، سکه های نقره خود را نشان فروشنده ندهید. " این قانون مقتصد بودن است . این پیام یاآور یکی از پیام های معنوی خوب است که بازگشت عشق دادن را نشان می دهد: " اگر همواره ببخشید و ایثار کنید، همواره نیز دریافت خواهید کرد ."

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 27

می توانیم خودمان هر قدر که می خواهیم گول بزنیم، وقتی طبق قانون معنوی، باید در ازای هر چیزی که دریافت می کنیم بهایی بپردازیم. این قانون، یکی از زیر مجموعه های قانون مقتصد بودن است که در جهان های تحتانی تا انتهای جهان ذهنی عملکرد دارد. قوانین والاتر، از قبیل قانون عشق، در جهان های معنوی حکمفرما هستند. ولی در این پایین، ما در جهان های تضاد و دوگانگی هستیم – فقدان یا فراوانی، ثروت و فقر، بلند و کوتاه .

کارما و تناسخ نیز زیرمجموعه قانون مقتصد بودن هستند. اگر انرژی های معنوی خود را در مستقیم ترین

روش جهت بدهید و همیشه در خاطر داشته باشید که دارید کجا می روید، آنگاه در مقایسه با زمانی

که از موضوع اصلی منحرف می شوید، می توانید این تولدهای مجدد را خیلی سریع تر پشت سر

بگذارید. شما هدفی را انتخاب می کنید، مثلاً رسیدن به خدانشناسی. سپس خود را پذیرای روح القدس⁶⁷، ECK می کنید و مستقیماً در زندگی به پیش می روید تا به هدف خود دست یابید. در طول این مسیر، کمک نیز دریافت خواهید کرد. کمک را دریافت می کنید اگرچه ممکن است در هماهنگی با اعتقادات آن لحظه تان به نظر نرسد. قانون مقتصد بودن در این پایین، یعنی در جهان فیزیکی شروع می شود .

قلب زرین ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 4 ، فصل 8

هیچ میان بری در کار نیست، مگر اینکه قانون مقتصد بودن را در نظر بگیریم، که معنای آن این است

⁶⁷ فیض روح القدس از باز مدد فرماید/ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد
بوی زلف مشکبار روح قدس / همچو جان اندر بدن می آید
آب حیات حقست وان کو گریخت در حق / هم روح شد غلامش هم روح قدس لالا
چو روح قدس ببوسید نعل مرکب او / ز نعل نعره برآمد که حال و کار نگر
این صورت ها جمله از پرتو او باشد / و آن روح قدس پاک است از صورت ها ساده

که برای رسیدن به خداوند، بیش از آنچه مورد نیاز است تلاش نکنیم .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 6

با قوه تشخیصی که توسط استاد درون ارائه می شود، که بخشی از قانون مقتصد بودن است، شما یاد می گیرید که غیر ضروریات را کنار بگذارید و فقط به وظایفی که ارزش زمان و انرژی تان را دارد بپردازید .

ردای آگاهی ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 5، فصل 5

ماهانتا بر فراز ناآرامی و آشوبی که انسان بیرونی را زیر چنگال گرفته ایستاده است. او الگوی قانون مقتصد بودن در عمل است، او همان خدامرد است .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 2

استاد زنده ECK به همان سرعت که راه حلی برای غلبه بر موانع پیدا می کند، می تواند فصل جدیدی را نیز در کتاب پیشگویی هایش آغاز کند .این روند و پروسه، قانون مقتصد بودن نام دارد. باز هم تکرار می کنم که تمام قوانین روح الهی تحت قانون اعظم قرار دارند: روح وجود دارد ، زیرا خدا عاشق اوست. تمام چیزهای پیرامون مان، ما را به سوی شکوه عظیم تری از سوگماد راهنمایی می کنند.

بنابراین قانون مقتصد بودن، چه آن را بدانیم و چه ندانیم پیوسته در حال عمل کردن است. افرادی

که از نظر معنوی هشیار نیستند، همیشه با این قانون مشکل دارند و با آن جر و بحث می کنند .

مشکلاتی که راه حلی برایش پیدا نمی کنند، عادات بد این افراد، آنان را به همان رفتاری که در ابتدای مشکل را برای شان آفرید، غل و زنجیر می کند، و به این ترتیب، چرخه این مشکلات همچنان ادامه پیدا می کند. قانون صرفه جویی یکی از جنبه های ECK است. این قانون همیشه به حق، شفاف، و درست عمل می کند . در این قانون ، هیچگونه تنگ نظری، غرض ورزی، یا تنفر وجود ندارد .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 4

استاد ECK، قانون مقتصد بودن را خیلی خوب می شناسد. بنابراین، شکوفایی معنوی او سال های نوری جلوتر از شکوفایی یک فرد معمولی است و این فاصله با سرعتی بالاتر از سرعت نور، پیوسته در حال افزایش یافتن است .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 5

طبق قانون مقتصد بودن، هر آنچه که انجام می دهیم، باید هماهنگ با ECK، و هماهنگ با حیات باشد.

تعالیم اسرار ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 3 ، فصل 17

ما باید همیشه علاقمند به این مسأله باشیم که چطور می توانیم به زندگی خدمت کنیم. و یا به عبارت دیگر، چطور می توانیم امور را برای افرادی که اطراف مان هستند، هموارتر و آسان تر کنیم. چطور می توان

حتی اگر کمی هم شده، اوضاع را بهتر کرد؟ خدمت کردن به زندگی یعنی همین. کمی تلاش در اینجا می کنیم، کمی تلاش در آنجا و سپس اوضاع تا حدودی بهبود پیدا می کند .

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی : راهنمای رهبران ECK ، مقاله 2

نسخه برداری (facsimiles)

قانون نسخه برداری (کپی برداری): ششمین قانون جهان فیزیکی. طبق این قانون ، تمام وقایع و تأثیرات زندگی را

افکار و تصاویر ذهن ما می سازد و شکل می دهد .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

قانون نسخه برداری، راجع به تصاویری است که در ذهن خود دارید. این تصاویر از همان ابتدا که به دنیا آمدید، با شما بوده اند. روح این تصاویر را در طاقچه کوچک و دنجی از کالبدش، مثل یک سری کارت، بایگانی کرده است ... بطور کلی، تصاویر دو دسته هستند، آنهایی که قرض گرفته می شوند و آنهایی که متعلق به خود فرد هستند. تصاویر مربوط به هر دو دسته را می توان بطور ناخواسته، ناآگاه و بی اختیار دارا بود. این تصاویر به هر حال، فرد را تحت تأثیر قرار می دهند

این تصاویر فقط در واقع واحدهایی از انرژی هستند که در اطراف بدن، ذهن و روح جمع می شوند. آنها توجه "من" فرد را به خودشان معطوف می کنند، بخصوص اگر تصاویری آزار دهنده باشند. این همان چیزی است که در ادیان شرقی، کارما نامیده می شود .

فلوت خداوند ، فصل 7

جریان های انرژی ضبط شده در تصاویر، جریان هایی مرده هستند. این جریان ها برای اینکه قدرت و یا حیات پیدا کنند. نیازمند جریان تازه ای از توجه، توسط فرد هستند. پس می بینید که هر مشکلی این مربوط می شود به علت و که درون فرد وجود دارد را فقط خود اوست که حفظ کرده و می کند. این موضوع با علت و معلول توأم می شود. وقتی فرد در سطح پایی از آگاهی است، در بودن خود شکست می خورد. وجود او بر مبنای آرزوهای مرده با کیفیاتی از عدم بودن و وجود است . مهمترین جنبه های علت و معلول عبارتند از مثبت و منفی ، وقتی فرد علت باشد مثبت است ، وقتی معلول باشد منفی است. هنر تصویر سازی خوب ، همان هنر بودن کامل است .

فلوت خداوند ، فصل 7

برای ما منابع ثانویه اشاره به افرادی دارند که تجربیات دیگران را به عنوان حقیقت خودشان تلقی می کنند. این آدمها فقط با نسخه برداری زندگی می کنند. چنین تجربه هایی دست دوم هستند و منجر به ایمان کورکورانه می شوند. تفاوت میان منبع اولیه (یقین) و ثانویه (ایمان)، همان تفاوت میان دانستن و ایمان است.

در ECK ، ما می خواهیم از طریق تجربیات فردی خودمان در جهان فیزیکی و همچنین در جهان های درونی، زندگی چيست.

امثال الحكم ، جلد 2، داستان 56

قوانین نامرئی

قوانین نامرئی . هفت اصل آگاهی – قدردانی و سپاس ، صداقت و خلوص ، عدم خودخواهی ، آرمان گرایی ، فداکاری و ایثار ، تلاش شخصی ، و حصول یا موفقیت .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه انکار

هفت اصل آگاهی عبارتند از :

1 -قدردانی و سپاس

2 -صداقت و خلوص

3 -عدم خود خواهی

4-آرمان گرایی

5- فداکاری و ایثار

6- تلاش شخصی

7- حصول و موفقیت

این ها قوانین نامرئی هستند به عنوان مثال : 1 - قدردانی یعنی، قدردانی از معلم، 2 - صداقت و خلوص، برای ترغیب کردن جوینده به جستجو کردن سطوح بالاتری از آگاهی 3 - عدم خودخواهی، تمایل به وقف کردن خویش به هستی 4 -آرمان گرایی، توانایی در فهم ارزش های معنوی از طریق الگویی کامل ، 5 - فداکاری و ایثار ، برای پر کردن ذهن و روح با عشق، و اشتیاق به از خودگذشتگی برای آگاهی کل 6 - تلاش شخصی، نیروی مشوق و برانگیزنده معنوی هوش ، که درون تمام انسان ها وجود دارد ، 7 - حصول و موفقیت، پاداش برای عملکرد معنوی .

گفتگو هایی با استاد ، فصل 36

کارما

قانون کارما: قانون علت و معلول، عمل و عکس العمل⁶⁸، عدالت، کیفر و جزا که در جهان های تحتانی اعمال می شود: جهان های فیزیکی، اثیری، علی ذهنی اتری، قانون تلافی و توازن جهانی یا روانی که تحت قانون ارتعاشات عمل می کند، جریان ورودی و جریان خروجی، ارتعاشات یکی از دوازده قانونی که این جهان ها بر اساس آن حفظ می شود و برقرار است.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

قانون کارما، که وجه دیگری از قانون عشق است، انسان ها را از طریق مسئول دانستن آنها در برابر افکار و اعمال شان، چه در مورد خودشان و چه در مورد دیگران تطهیر می کند.

خرد دل، جلد 1، یادداشت خرد 8

در جهان های تحتانی، قانون علت و معلول، قانون کارما اعمال می شود. باید بدانید که چطور با این قانون زندگی کنید. قانون علت و معلول و تجربیاتی که از ادراک - یا عدم ادراک - شما از این قانون مشتق می شوند، همگی باعث بوجود آمدن ادراکی از عشق الهی و یا پذیرش این عشق در شما می شوند.

می خواهم در مورد نحوه ارتباط برقرار کردن مجدد با ECK صحبت کنم و با این ابتدا، باید به علت و معلول توجه کنیم. سپس می توانیم به مرحله بعد برویم که درک کردن ارتباط خود با ECK و یافتن عشق خداوند است. تا وقتی ندانید که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است، و یا برای خودتان قانونی در این زمینه نداشته باشید، در هر مسیری که به سوی خدا باشید با انواع و اقسام مشکلات بی مورد و غیر ضروری مواجه خواهید شد.

خرد دل، جلد 2، یادداشت خرد 7

⁶⁸ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو... غزلیات حافظ... غزل ش ۷۰۴

ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد... غزلیات حافظ... غزل ش ۳۲۱

گر چه دیوار افکند سایه دراز / باز گردد سوی او، آن سایه باز

این جهان کوهست و فعل ما ندا / سوی ما آید، نداها را صدا

بطور کلی ، فرمانروای کارما – نه خود فرد – مسئول انتخاب خانواده ای است که روح از طریق آن وارد جهان فیزیکی می شود . همچون قیمی که سرپرستی یک کودک را به عهده می گیرد ، فرمانروای کارما نیز ترتیبی می دهد تا روح به خانواده ای ملحق شود که بهترین زمینه را برای شکوفایی معنوی او داراست . او در این انتخاب توجهی به عواطف آن روح و یا آنچه او حقوق خود فرض می کند ندارد . این انتخاب خیلی ساده است : قانون کارما . و این قانونی است که باید از آن اطاعت کرد.

زندگی نامه پیامبر امروزی ، فصل 3

شرایط موجود در هنگام تولد را تقدیر و سرنوشت فرد کنترل می کند . پس از آن آنچه فرد انجام می دهد ، استفاده از اراده آزاد(اختیار) است . اراده آزاد(اختیار) می تواند بر شرایط تقدیر و سرنوشت غلبه کند ولی ابتدا فرد باید استعدادهای خلاق خود را بیدار کند . آنگاه از طریق این استعدادها می تواند زندگی مادی و معنوی خود را مجدداً شکل دهد. خلاصه اینکه تقدیر ، شرایط تولد فرد را در کنترل خود دارد . اراده آزاد(اختیار) ، به فرد این انتخاب را می دهد که چطور در حوزه این شرایط و یا فراسوی آن حرکت کند.

زندگی نامه پیامبر امروزی ، فصل 3

خیلی ساده بگویم که چیزی به عنوان خشم بجا و موجه وجود ندارد. ECK تفاوتی میان خشم موجه و خشم غیر موجه نمی شناسد . ECK از طریق قانون کارما ، بطور بی طرفانه و بی غرضانه ، هرگاه که عدم تعادلی در عواطف صورت گیرد ، عدالت لازم را اجراء می کند.

قلب زرین ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 4 ، فصل 11

وقتی کسی بخواهد شفا دهنده بشود و آنگاه به بیماری فرد دیگری مبتلا می شود ، این کارمایی است که از آن فرد دریافت کرده است . دلیلش اغلب به این خاطر است که او از قوانین روح الهی اطلاع ندارد و یا احتمالاً تحت کنترل یکی از پنج انحرافات ذهن است . این چیزی است که کارمای ما را می سازد .

مسافرت روح ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 1 ، فصل 8

افرادی که به شفادهی روانی مشغولند ، ممکن است چندین سال را بدون هیچ مشکلی بگذرانند زیرا قانون کارما هیچ عجله ای ندارد . روح الهی کلی وقت دارد ، هیچ عجله ای در پس گرفتن بدهی و قرضی که فرد به بار آورده است ندارد. درمانگر روانی ، ممکن است به مدت ده ، بیست ، و حتی چهل

سال ، بدون هیچ مشکلی ادامه دهد ، ولی ناگهان ممکن است سلامتی اش حسابی دچار مشکل شود. کارمای او به خانه برگشته است و باید پرداخت شود . او اصلاً از قضیه سر در نمی آورد فقط می بیند که

همه را می تواند درمان کند به غیر از خودش را . نمی داند چرا چنین اتفاقی افتاده است . او مطلقاً هیچ ادراکی در این مورد ندارد که قوانین روح الهی را زیر پا گذاشته است .

چگونه خدا را ببینیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

هرچه از نظر سطح آگاهی بالاتر روید ، به همان نسبت هم اعمال تان سریع تر به سوی تان باز می گردد. در انجیل پولس رسول در مورد قانون کارما صحبت کرده است . او می گوید : " انسان هرچه را

که بکارد ، همان را نیز برداشت خواهد کرد ."

چگونه خدا را ببایم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 2

قبل از اینکه وارد مسیر معنویت شوید ، معمولاً یک یا دو زندگی را مشغول بازپرداخت بدهی های خود هستید ، و در اکثر اوقات نیز نمی توانید ارتباطی میان اشتباهات گذشته خود و بازپرداخت فعلی خود پیدا کنید . در مسیر معنویت ، هرچه بالاتر می روید ، نتیجه اعمال تان هم سریع تر به سوی تان باز می گردد. اگر کاری کنید که مانعی بین یک فرد خاص و خداشناسی ایجاد کنید خیلی سریع متوجه می شوید که یکی از قوانین معنوی را زیر پا گذاشته اید. نتیجه عمل تان گاهی در عرض یک هفته ؛ چند دقیقه ، یا حتی چند ثانیه به سوی تان باز می گردد. آنقدر سریع باز می گردد که متوجه می شوید که : آی وای ! این درد به خاطر رعایت نکردن فلان قانون معنوی است .

چگونه خدا را ببایم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 4

وقتی فرد هنوز به درجات بالای آگاهی نرسیده است . قانون کارما به سرعت به سوی او بر نمی گردد. هرچه در هشیاری خود بالاتر می روید ، این قانون نیز سریعتر عمل می کند . این از جهتی خوب است و از جهتی بد . به نظر من به طور کلی خیلی خوب است زیرا مثلاً به محض اینکه سر کسی را کلاه بگذارید این قانون عمل می کند و خیلی سریع کارمای مربوط به آن را مستهلک می کنید. هرچه بالاتر بروید ، مسیرتان هم باریکتر می شود - بعضی ها آن را لبه تیغ می نامند.

افرادی که واقعاً توجهی به قوانین معنوی ندارند ، ممکن است سر دیگران کلاه بگذارند ، دست به دزدی بزنند و خوش بگذرانند . قانون کارما ، آگاهی بدهی خود را تا دو ، ده ، بیست یا سی سال ، یا حتی تا زندگی بعدی ، طلب نمی کند .

وقتی طلب کردن بدهی بلافاصله پس از زیر پا گذاشتن قانون معنوی صورت نمی گیرد، فرد گمان می کند که به قول معروف قسر در رفته است . ولی حقیقت این است که هر کسی باید بهای کامل تک تک اعمال خود را پرداخت کند .

چگونه خدا را ببایم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 10

من می توانم به شما در بعضی از مشکلات تان کمک کنم ، ولی تمام مشکلات تان را از شما نمی گیرم . بدهی و قرضی که نسبت به خدا صورت می گیرد ، باید توسط همان کسی که آن بدهی را بالا آورده است پرداخت شود . این قانون زندگی است هر کسی هر آنچه را که بکارد ، همان را نیز درو خواهد کرد.

چگونه خدا را ببایم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 11

یکی از مزیت های مسیر ECK این است که بخش زیادی از کارمای ما می تواند در جهان های درون ستهلک شود ، و ما مجبور به بازپرداخت این کارما در جهان بیرون نیستیم . اگر بدهی به بار بیاوریم باید این بدهی را با خداوند صاف کنیم . ولی در مسیر ECK ، این مزیت را داریم : این صاف کردن بدهی

لزومی ندارد. همیشه در جهان فیزیکی صورت گیرد ، این عمل می تواند در جهان های درون یعنی در وضعیت رؤیا و خواب اتفاق بیفتد.

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 12

از بچگی این عقیده به ما خورانده شده است که هر اشتباهی که بکنیم خدا ما را می بخشد . بعضی ها گمان می کنند که فقط کافی است درخواست کنند ، اینان فکر می کنند که می توانند باعث ویرانگی زندگی دیگران شوند و بعد با گفتن اینکه : " **خدا یا ، لطفاً مرا ببخشای** " . آن را فراموش کنند. متأسفانه چنین افرادی در **جهل کامل از قوانین معنوی** به سر می برند . پولس رسول می گفت : " هر آنچه بکاری ، همان را برداشت خواهی کرد . " و واقعاً هم همینطور است . می توانید خودتان را گول بزنید . می توانید غذاهای مضر مصرف کنید و وقتی روی سلامت تان تأثیر گذاشت بگویید که همیشه می توانید دکتر خوبی پیدا کنید . که سلامت تان را برگرداند . و یا ممکن است از خدا طلب شفا کنید . و اگر اتفاقی نیفتاد با خودتان بگویید : " **خدا بهم کمک نکرد ، پس معلومه که خدای این مذهب به درد نمی خوره** . " در حقیقت ، او بدهی و قرضی را به روح الهی به بار آورده است . و این خود اوست که باید آن را بپردازد . هیچ کسی به غیر از خودش نمی تواند کمکی به او کند .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 13

عقیده به گناه از شدت قانون کارما می کاهد . قانون کارما ، قانونی است که فرد را مسئول تک تک اعمال خود می داند .

چهار دیسکورس استاد ، درس 5

انسان در جوانی از قدرت برخوردار است . او بد دهن می شود و تشنه قدرت . او شروع می کند به کنترل کردن دیگران و سپس پیر و فرسوده⁶⁹ می شود و قدرتش را از دست می دهد آنگاه جوان تر ها وارد صحنه می شوند و او را تحت کنترل خود می گیرند .

و این بازیگران در این نمایش ، هرگز متوجه نیستند که دارند قوانین معنوی زندگی را به نمایش می گذارند ، قوانین علت و معلول را برای بعضی از کارما همان روز به سوی شان بر می گردد. ولی اغلب اوقات بازگشت کارما یک یا دو هفته یا یک ماه طول می کشد ، و بنابراین فرد نمی تواند علت آن را ببیند ، او هیچ درکی از قانون عمل و عکس العمل ندارد .

امثال الحکم ، جلد 3 ، داستان 58

استاد ECK ، خیلی ساده عاشق انسان هاست .

عشق الهی او به سوی روح های نابالغ نیز جاری است ، اگرچه این روح ها ، او و واصلینی که تحت سرپرستی اش هستند را مورد حمله قرار می دهند . او سرشار از محبت است ، و این را می داند که قانون کارما به خودی خود بهترین معلم است ، زیرا هرگونه تلاشی برای صدمه به ابزار و مجرای خداوند

⁶⁹ تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل / باری به غلط صرف شد ایام شبابت...حافظ

، در زمان خود به سوی خود آن فرد برخواهد گشت .

چهار دیسک کورس استاد ، درس 6

اگر ادراکی از قانون علت و معلول داشته باشید ، می توانید در مورد آنچه باید و نباید انجام بدهید ، تصمیمات بهتری اتخاذ کنید .

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 5

وقتی قوانین زندگی را ندانید ، آنها را زیر پا می گذارید . و همانطور که این قوانین را زیر پا می گذارید قانون علت و معلول می گوید : " باید بهایش را بپردازید . "

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 3

قانون کارما بسیار دقیق است . وقتی چند سال طول کشیده است تا بیماری خاصی در فرد ایجاد شود ، همانقدر هم طول می کشد تا آن بیماری درمان شود . تا وقتی خودمان سهم خود را در این مسأله ایفا نکنیم ، هیچ روشی جادویی برای درمانی آنی و طولانی مدت وجود نخواهد داشت .

از استاد بپرسید ، فصل 5

هرچیزی زمان و مکانی دارد . این خیلی طبیعی است که در برابر قوانینی که جلوی آزادی ما را می گیرند عصبانی شویم ⁷⁰ . ولی تا وقتی یاد نگیریم که چه نتایجی را به خاطر اعمال مان باید بر گردن بگیریم ، جامعه هم چنان محدودیت هایی را برای ما قائل خواهد بود . در مورد قانون کارما ، ندانستن و خبر نداشتن ، دلیل موجهی نیست .

از استاد بپرسید ، فصل 6

دانشجویان معنوی ، آموزش می بینند که پاسخگوی کارمای روزانه خود باشند . اگر راننده ای در منطقه سرعت بالاتر از 80 کیلومتر ممنوع ، 120 کیلومتر در ساعت براند و پلیس او را متوقف کند ، باید جریمه اش را نیز بپردازد . اهمیتی ندارد که او چقدر سعی کند خودش را گول بزند و توجیه بیاورد ، زیرا طبق قانون کارما ، این جریمه باید پرداخت شود .

از استاد بپرسید ، فصل 7

آنچه تشخیص درست و غلط را دشوار می کند این است که این ها صرفاً تصویری ناقص از قانون معنوی کارما هستند . درست است که این قوانین . خیلی دقیق تر در کتب مقدس ارائه شده است ، ولی با اینحال ، وقتی رهبران سیاسی و مذهبی تأثیر کامل کارما را نمی دانند یا درک نمی کنند ، شروع می کنند به نادیده گرفتن ضوابط و زیر پا گذاشتن قوانینی که زمانی تضمین کننده فضایی امن ، پر آرامش ، و رضایت بخش برای مردم بود .

⁷⁰ عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه/ پای آزادی چه بندی؟ گر به جایی رفت رفت

هر کدام از ما با وظیفه یا مأموریت خاصی پا به این سیاره می گذاریم . افرادی که در زندگی های قبلی خود از نظر معنوی پیشرفت کرده اند و اکنون صرفاً می خواهند به خدا و مخلوقات او خدمت کنند ، با چنین مأموریتی پا به این زندگی می گذارند .

ولی اکثر مردم ، هنوز مطالب بسیاری هست که باید راجع به قانون علت و معلول و قبول مسئولیت یاد بگیرند . آنها به مقدار بسیار زیادی تحت قانون کارما ، هستند . تناسخ آنها در نتیجه انجام دادن وظیفه خاصی است – به عبارت دیگر ، حمام کردن در استخر ناآگاهی و بی خبری ، و کسب کردن تجربه و تازه از اکثر این تجربیات نیز چیزی سر در نمی آورند . ولی در جهان پس از این زندگی ، اربابان کارما ، زندگی گذشته آنها را همراه با خود آنها مرور می کنند و به آنها نشان می دهند که درس های روزانه آن در زندگی چه معنایی از نظر معنوی برای شان داشته است .

ببینید که قانون بازگشت تا چه حد دقیق است. قانون روح الهی، هدایای شما را به تمام زمینه هایی که در آن نیازمند کمک هستید برخواهد گرداند. حتی در مورد مواد مورد نیازتان برای ساختن خانه ای در این دنیا یا دنیای بعد .

قانون کارما بسیار زنده و فعال است، درست همانطور که افرادی دسترنج و تلاش دیگران را می دزدند، سرانجام خواهند فهمید قانون الهی هیچ عجله ای ندارد. اربابان کارما آنقدر طناب در اختیار فرد قرار می دهند ، تا هر چه قدر که می خواهد خودش را با آن گره بزند ، ولی کیفر ، یا بازپرداخت بدهی، عاقبت انجام خواهد شد.

در نوشتجات ECK از سه نوع کارما که بر این زندگی تأثیر می گذارند صحبت شده است . **کارمای تقدیر**، **کارمای ذخیره** یا **اندوخته**، و **کارمای روزانه**. اعضای ECK گاهی فراموش می کنند که قانون علت و معلول در سراسر زندگی های آنان در سیاره زمین، حتی پس از رسیدن شان به جهان روح در موردشان اعمال می شود .

چه درجهان های رؤیا و در چه در اینجا در جهان فیزیکی. همیشه افرادی هستند که گمان می کنند می توانند به نام **خداوند به دیگران صدمه⁷¹ بزنند**. اینان به هیچ وجه قانون کیفر و جزا را نمی فهمند .

⁷¹ آنک کشتستم، پی مادون من/ می نداند که نخسید، خون من
بر منست امروز و فردا، بر وی است/خونِ چون من، کس چنین ضایع کیست؟

بنابراین وقتی زندگی شان به ویرانی کشیده می شود ، در حالی که هنوز هم در حال تلاش برای آزار رساندن به پیام رسانان خداوند هستند ، فریاد کمک به سوی خدا بر می آورند . چطور فرد می تواند تا این حد کور باشد ؟ با این حال ، انسان ها اغلب همینطور هستند .

خرد دل ، جلد 2 ، یادداشت خرد 4

طبق قوانین معنوی برای هر چیزی باید بهای حقیقی اش را پرداخت . از این قانون چنین نتیجه می شود که اگر می خواهید از نظر معنوی آزاد باشید دست و پای خود را با بدهی هایی که توانایی پرداختش را ندارید ، نبندید .

سه دیسک کورس استاد ، درس 11

علت و معلول ، دو ریسمان حیاتی و ضروری در جهان های تحتانی هستند . حتی آنانی که در سطوح آگاهی معنوی والاتری هستند نیز مادامی که در قالب انسانی به سر می برند نمی توانند نسبت به قانون علت و معلول بی اعتنا باشند .

سه دیسک کورس استاد ، درس 8

قانون کارما ، در مقایسه با تئوری گناه ، در زندگی روزمره مان کارایی بیشتری برای مان دارد . کارما ، تمامی اصول را دربر می گیرد .

نامه های نور و صوت 1 ، درس 3

در طی دوران های خاصی از تاریخ ، قسمت عمده قوانین ، کاملاً منصفانه و به حق هستند . ولی وقتی جامعه ای ، از مفهوم شمی و فطری قانون کارما فاصله می گیرد – قانونی که بالاترین معیار برای درست و غلط را ایجاد می کند – آن گاه قوانین آن کشور ، غیر عادلانه می شوند . علت غیر عادلانه بودن این قوانین ، عدم اطمینان خود مردم در مورد درست و غلط است . رهبران چنین جامعه ای صرفاً انعکاسی از جهل معنوی مردم آن جامعه هستند . جامعه ای که رهبریتی ضعیف دارد ، فقط می تواند خودش را مقصر چنین چیزی بداند .

کلام زنده ، جلد 2 ، فصل 17

اکنون می تواند به همه انسان ها **مستقیم ترین مسیر** برای رسیدن به منزل حقیقی مان نزد خدا را نشان دهد . بله ، یک خروجی خیلی سریعتر به خارج از چرخه کارما و تناسخ وجود دارد ، ولی اکثر انسان ها به مسیری طولانی تر و دشوارتر رضایت می دهند . و اما آزادی معنوی چه می شود ، این راهی نهایی روح از قانون کارما و تناسخ⁷² است .

⁷² باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم/ این چرخ مردمخوار را چنگال و دندان بشکنم

مردم از حیوانی و آدم شدم/ پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم

کلام زنده ، جلد 2 ، فصل 8

زندگی در سیاره زمین ، در مورد درس هایی که راجع به قانون علت و معلول آموزش می دهد ، بسیار خشک و سختگیر است . این مثل همان گفته معروف است که چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان.

با این حال ، زندگی ، به غیر از قانون خشک و سختگیر کارما ، که به نوبه خود می تواند زندگی را تبدیل به جهنم کند ، چیزهای دیگری هم برای ارائه کردن دارد . کارما قانونی بسیار دقیق است و مو به مو اجراء می شود . تمام کسانی که تحت این قانون زندگی می کنند (که شامل اکثر انسان ها می شود) متوجه می شوند که هر چیزی بها با جریمه خاصی دارد . با این حال ، حتی در قانون کارما نیز تعادل وجود دارد – و آن عشق است . این در اصل یعنی اینکه وقتی روح الهی برکتی از عشق را به سوی مامی فرستد ، باید آن را به فرد دیگری منتقل کنیم زیرا در غیر این صورت ، رشد معنوی به ما پشت می کند .

کلام زنده ، جلد 2 ، فصل 22

ECK از طریق قانون کارما ، عدالت را کاملاً بی طرفانه و عادلانه ، در هر جایی که عدم تعادل در عواطف وجود داشته باشد ، اجراء می کند .

امثال الحکم ، جلد 2 ، فصل 4

انگل ها و سربارهای معنوی جامعه ، شاید ظاهراً مدت کوتاهی وضع خوبی داشته باشند ولی در نهایت چه کسی می تواند امیدی به خنثی کردن قانون کارما داشته باشد؟ این فقط باعث لطمه زدن به رشد معنوی خودشان می شود و در نهایت اعمال آنها به آنها می رسد و گیرشان می اندازد .

قانون کارما معمولاً زمانی بدهی معنوی را باز می ستاند که فرد بدهکار اصلاً انتظارش را ندارد و آماده پرداختنش هم نیست . با این حال ، چنین افرادی خودشان قربانی خود هستند . فلاکت و بی عدالتی شاید به نظر غیر عادلانه برسد ، ولی تمام زیر پا گذاشتن های قانون کارما ، در زمان مناسب ، به سوی فرد باز خواهد گشت .

حمله دیگر بمیرم از بشر / تا بر آرم از ملایک پر و سر

وز ملک هم بایدم جستن ز جو / کل شیء هالک الا وجهه

بار دیگر از ملک قربان شوم / آنچ اندر و هم ناید آن شوم...دفتر سوم مثنوی معنوی مولانا...بخش ۷۸۱

کارما ، ایجاد کننده تارها و ریسمان هایی است که ما را چندین قرن ، خیلی محکم به روابط بسیار قدیمی مان وصل کرده است . تا قبل از وارد شدن مان به ECK ، کارما چنان محکم ما را به دیگران وصل کرده است که بدون هل دادن دیگران نمی توانیم تکان بخوریم .

وقتی وارد ECK می شویم ، این پیوندهای کارمیک شروع می کنند به محو شدن و عاقبت نیز کاملاً از بین می روند ، فقط آنگاه است که می توانیم با عشق ، روی پای خود بایستیم . اینک ، روابط ما با دیگران بر اساس قانون کارما نیست تا مجبور باشیم مشکل یا گره خاصی را بین خود و آنها بگشاییم .

در این وضعیت ، این آزادی را دارا هستیم که افرادی را که دوست داریم ، اطراف خود داشته باشیم .

گشودن جعبه معما ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 6 ، فصل 12

افرادی که به شفادهی روانی می پردازند ، اغلب اوقات از بار کارمیک اضافی رنج می برند . آنها نمی دانند که چطور باید در امر شفادهی ، خود را در کارمای دیگران دخالت ندهند . آنچنان در مورد سلامت بیماران شان عاطفی می شوند که خودشان هم مدام دچار بیماری هستند . دلیل این مسأله ، خیلی ساده به خاطر اطلاع نداشتن و یا نفهمیدن قانون کارماست . آنها متوجه نیستند که بیمارانی که برای شفا نزد آنها می آیند ، این بیماری ها را به خاطر زیر پا گذاشتن قوانین معنوی ، به سوی خودشان جذب کرده اند .

رؤیابین جاویدان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 7 ، فصل 9

وقتی فرد پا به مسیر انکار می گذارد همه چیز سرعت می گیرد . آگاهی چنین به نظر می رسد که سرعت قانون کارما زیاد می شود . ولی این تجربه ، نه به خاطر سرعت گرفتن کارما ، بلکه به خاطر آگاهی و هشیاری توسعه یافته است .

رؤیابین جاویدان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 7 ، فصل 13

قانون کارما در مورد افرادی که در ECK نیستند ، به روش خاصی عمل می کند . پرده ای میان علت و معلول وجود دارد . در ECK ، وقتی کاری می کنید که از نظر معنوی ، مانعی برای خود و یا دیگران بوجود می آورد ، این پرده به سرعت بالا می رود و عمل شما بلافاصله به سوی خودتان باز می گردد. این آنقدر سریع اتفاق می افتد که نمی توانید رابطه آن را با عمل تان نادیده بگیرید و بنابراین درس موجود در آن را دریافت می کنید . گاهی عمل فرد چنان سریع به سویش بر می گردد که فقط اگر فرد دچار فراموشی مطلق باشد است که می تواند متوجه درس آن نشود .

در تعالیم دیگر که در آنها نور و صوت خداوند تا این حد مستقیم نیست ، پرده میان علت و معلول ، مدت زمان بیشتری پایین می ماند .

استاد رؤیا ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 8 ، فصل 6

ما در قبال هر آنچه انجام می دهیم مسئول هستیم طبق قانون کارما ، هر کدام از اعمال ما زنجیره ای از عکس العمل ها را به کار می اندازد.

طبل آهنگ زمان ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 10 ، فصل 2

قوانینی که از والدین ما ، رهبران کلیسا ، و رهبران سیاسی به ما انتقال یافته است . از ما وجودی معنوی تر نخواهد ساخت . این یعنی تلاش برای تحصیل قوانین بیرونی بر روح ، که تحت یک سری رهنمون های کاملاً متفاوت از این قوانین عمل می کند . روح با قوانین دیگری کار می کند – قوانینی که آگاهی انسانی ، گاهی از آن اطلاعی ندارد.

یکی از این قوانین می گوید : برای هر چه به دست می آورید ، باید بهایش را بپردازید . این قانون کارماست .

آزادی معنوی چیست ؟ سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 11 ، فصل 3

هر بار که از محفل خانه به محفل مدرسه و یا کار وارد می شوید ، در واقع دارید پا به درون دنیای کاملاً جدیدی می گذارید. در آنجا با افرادی مواجه می شوید که دارند تلاش می کنند تا مشکلات شان را بر طرف کنند. در همان حال که آنها مشغول این کار هستند ، شما نیز دارید تلاش می کنید تا مشکلات خودتان را بر طرف کنید . این روشی است که از طریق آن ، قانون کارما در زندگی روزمره عمل می کند. نتیجه نهایی آن این است که ما تبدیل به انسان های پر عشق و محبت می شویم و به دیگران اجازه می دهیم خودشان باشند .

آزادی معنوی چیست ؟ سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 11 ، فصل 6

چطور باید با مخلوقات خدا رفتار کنیم ؟ چطور باید با انسان های دیگر رفتار کنیم ؟ چطور باید با خودمان رفتار کنیم ؟ چگونه باید عمل کنیم ؟ چگونه باید بیاندیشیم ؟ قانون زندگی که آن را قانون کارما نیز می نامند ، خودش بهترین معلم در این زمینه است . هر چه بکارید . همان را نیز برداشت خواهید کرد . این قانونی انتقام جویانه نیست ، این قانونی است که طراحی شده است تا دل فرد را به سوی عشق و ادراک بگشاید .

استاد درون چگونه عمل می کند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 12 ، فصل 10

انسان ها عاقبت می آموزند که قانون زندگی بسیار دقیق عمل می کند و به هر کسی دقیقاً هر آنچه را که به زندگی داده است بر می گرداند . ما این را قانون کارما می نامیم .

استاد درون چگونه عمل می کند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 12 ، فصل 8

طبق قانون کارما ، اگر برای آزادی دیگران احترامی قائل نشویم ، آزادی خودمان هم از دست خواهیم داد

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 3

برزخ ها و یا جهنم هایی هست که انسان ها در فاصله بین دو زندگی به آن می روند تا بعضی از مشکلات بارزی را که به خاطر شکستن قانون کارما ایجاد کرده اند ، برطرف کنند. ولی این جهنم ها ، به هیچ وجه ابدی نیستند ، روح جاویدان است و جهنم و برزخ متعلق به جهان های تحتانی است ، جهان هایی که زوال یافتنی و میرا هستند .

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 6

وقتی دچار مشکلی می شوید ، بدانید که نهایتاً این خود شما هستید که مطابق با قانون کارما، عمل و عکس العمل ، این مشکل را برای خود ایجاد کرده اید . این مشکل را به این دلیل برای خود خلق کردید که از روش های عملکرد قوانین الهی اطلاع نداشتید .

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 3

زندگی همیشه خودش بهترین معلم است. این اساس قانون کارماست . هرچه بکارید ، برداشت می کنید. و در برداشت کردن آنچه کاشته اید است که حکمی معنوی کسب کنید .

روش بقای معنوی در دنیای امروز ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 16 ، فصل 4

هرکسی باید جوابگوی تک تک اعمال خود باشد ، زیرا باید بداند که طبق قانون کارما ، ملزم به صاف کردن حساب های روح است .

دیسکوره راه آسان ، درس 4

اکیستی که از ماهیت دقیق قانون کارما آگاه است ، می تواند خود را از سایه سنگین حسادت کنار بکشد ، سایه ای که اغلب هنگامی که شاهد خوشبختی و یا ثروت ناگهانی دیگران می شویم ، بر ما مستولی می شود. همه چیز در جای درست خودش قرار دارد . اکیست می داند که همه چیز در زندگی دقیقاً در جایگاهی است که استحقاقش را دارد ، بنابراین قادر است به شکوفایی خودش بپردازد و روحیه ای شاد داشته باشد .

دیسکوره راه آسان ، درس 4

در زنجیره غذایی بسیار مکانیکی جهان امروز ، کسی احترام زیادی برای زندگی قائل نیست . بنابراین تعجبی هم ندارد که قانون کارما وارد عمل می شود و این فقدان احترام را به خود مصرف کننده باز می گرداند – آن هم به شکل انواع بیماری ها .

چهار دیسکورس استاد ، درس 10

قانون کارما صرفاً یکی از کتب درسی روح الهی است . تا قوانین خداوند را به روح های نابالغ آموزش دهد . وقتی فرد بتواند این قوانین را درك کند ، آنگاه راز حیات را در اختیار خواهد داشت.

چهار دیسکورس استاد ، درس 9

حتی بعضی از آزاد اندیشترین افراد نیز – از جمله رهبران سیاسی و مذهبی ، درکی از قانون علت و معلول ندارند . علت هایی که زندگی را در اینجا می گردانند چه هستند ؟ مسئولیت هایی که روح در این زندگی دارد چیست ؟ اگر رهبران ما قانون معنوی علت و معلول را درك می کردند ، آنگاه تصمیمات کاملاً متفاوتی می گرفتند. بخصوص اگر می دانستند که باید در قبال اعمال شان در دولت ، مسئول باشند .

راز عشق ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 14 ، فصل 5

شاهد خیلی چیزها خواهید بود و حکمت بسیاری کسب خواهید کرد . گاهی اوقات به معابد خرد زرین خواهید رفت . گاهی یکی از اساتید ECK ، آموزش شما را در وضعیت رؤیا به عهده می گیرد و تمریناتی معنوی را در اختیارتان قرار می دهد . این تمرینات به شما کمک می کنند تا به نقاط دورتری از جهان های رؤیا سفر کنید ، و یا آگاهی عمیق تری در مورد قوانین سری زندگی به دست آورید . به عبارت دیگر ، می توانید ادارك بهتری راجع به قانون علت و معلول کسب کنید . نه راجع به این حقیقت که این قانون وجود دارد . بلکه در مورد نحوه عملکرد آن در زندگی روزمره خود . این کمکی زیادی به شما خواهد کرد.

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 9

مرز مشخصی نیست که بخواهد بگوید : " اینجا مسئولیت پایان می یابد و آزادی شروع می شود . " چنین حد و مرزی وجود ندارد شما خودتان باید این حد و مرز را برای خود ایجاد کنید . و طبق قانون علت و معلول تجربه خودش به شما یاد خواهد داد که آیا تصمیمات تان خوب بوده است یا بد .

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 3

قانون علت و معلول از جهتی یک مدرسه است که در آن درس هایی که زندگی باید یادمان دهد را فرا می گیریم . اگر خواستار چیزی هستید که ارزش زیادی دارد. باید برای رسیدن به آن حسابی کار کنید به هیچ کس غذای مجانی داده نمی شود ، هیچ چیز مجانی نیست .

وقتی این درس ها را یاد گرفتید ، وقتی قانون علت و معلول را درك کردید ، آنگاه فارغ التحصیل می شوید . و به ادراك عشق الهی می رسید . به یک چشم بر هم زدن زندگی تان غنی تر می شود ، زیرا از آگاهی عوام انسان ها ، به درون آگاهی معنوی خداوند ، به عشق الهی ، حرکت کرده اید .

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 1

همه گمان می کنند که کارما اتفاق بدی است که به خاطر کار بدی که انجام می دهید برای تان رخ می دهد. ولی کارما ، هم خوب است و هم بد . به بیان دیگر ، علت و معلول است . در مورد هر چیزی که اتفاق می افتد . اگر از زندگی چیزی می خواهید ، ابتدا باید حق داشتن آن را کسب کنید .

عشق آرام سوزان خداوند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 13 ، فصل 1

هر کسی که قوانین را زیر پا بگذارد باید بهایش را هم بپردازد. در ECK ، می دانیم که این شیوه عملکرد قانون معنوی است .

نامه های نور و صوت 1 ، درس 3

گاهی وقت راجع به ارزش های اولیه ، قوانین و اصول اخلاقی ، صحبت می کنم ، بعضی از اصلین خیلی ناراحت می شوند . اگر راجع به اعمال قانون کارما به افرادی که سعی می کنند چیزی را در ازای هیچ به دست آورند صحبت کنم ، همگی در مورد این اصل با من هم عقیده هستند . ولی در یکی از سمینارهای گذشته در مورد عملکرد قانون کارما، در برنامه های اجتماعی صحبت کردم . و ای کاش می

دیدید ، خشم و مخالفت اصلین بالا به هوا رفته بود ، آنها می گفتند : " قانون کارما حقیقت دارد ، ولی بهتر از برنامه های اجتماعی ایراد نگیریم . بهتر است به تلاش های دولت برای آسان تر کردن زندگی

آنها ناگهان احساس کردند که قانون کارما در این مورد خاص، عمل نمی برای همگان ، ضربه نزیم . "

کند و اینکه اگر موضوع حقوق و سزاوار بودن ما در میان باشد ، دیگر علت و معلول از کار می افتد .

علت و معلول یعنی اینکه : اگر کسی قول بدهد چیزی را به شما بدهد ، و آنگاه به قولش هم عمل کند ، باید بهای آن را بدهید . باید چیزی بدهید . اگر کسی وعده دادن چیز بسیار بیشتری را می دهد ، یعنی

بهای آن هم خیلی بیشتر خواهد بود .

حالا چه بهایی را حاضرید بپردازید ؟ این است قانون علت و معلول.⁷³ اگر قرار باشد چیزی را از زندگی بیرون بکشید ، مجبورید مقداری برابر با آن را به زندگی برگردانید . و اگر چیزی به زندگی ندهید ، چیزی هم از آن نخواهید گرفت . و نمی توانید این مطلقا غیر ممکن است.

حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی ، راهنمای رهبران ECK ، مقاله 64

⁷³ چو بد کردی مباش ایمن ز آفات/که واجب شد طبیعت را مکافات

سپهر آینه عدلست و شاید/که هر آنچ از تو بیند و نماید

منادی شد جهان را هر که بد کرد / نه با جان کسی با جان خود کرد.....نظامی گنجوی..خمسه..خسرو و شیرین..بخش ۹۱۱

طبیعت

قانون طبیعت، قوانین قدرت منفی، قوانین جهان فیزیکی، قوانین طبیعی .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

انسان تا زمانی که در زمین است ، تحت کنترل قوانین منفی، یا آنچه اغلب " قوانین طبیعت " می‌نامیم، به سر می برد.

گفتگوهای با استاد ، فصل 37

قانون طبیعت در واقع چیزی راجع به طبیعت به ما نمی گوید ، ولی قطعاً مطالبی را راجع به خودمان (انسان) در اختیارمان قرار می دهد. اعتقادات و نظریات مختلف در مورد دنیا ، در واقع نظریات و اعتقاداتی در مورد خودمان هستند . آنچه انسان در روند عادی زندگی تجربه می کند ، نسبتاً چیزی جز ذات مطلق که به شیوه خاصی مورد تجربه قرار می گیرد .

گفتگوهای با استاد ، فصل 37

قانون دنیا آنطور که ما آن را می شناسیم عبارت است از : اگر توجه انسان بر چیزی معطوف شود که به او لذت می بخشد ، اگر آن چیز از میان برود ، او درد و رنج خواهد کشید . پس می بینی که این قانون ما را وادار می کند تا توجه خود را بر چیزی همیشگی و ماندنی قرار دهیم تا از طریق درد و یا لذت ، بیش از حد دچار عدم تعادل عاطفی نشویم .

گفتگوهای با استاد ، فصل 13

برای فهمیدن خودمان و جایگاه مان در دنیا، می توانیم وجه بیشتری به قوانین طبیعی، و به چرخه های حیات جانوران و گیاهان بکنیم .

استاد رؤیا ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 8 ، فصل 10

اگر خواستار درکی از درست و غلط هستیم، خیلی ساده می توانیم به مطالعه قوانین طبیعت بپردازیم. طبیعت نشان می دهد که حقیقت چگونه خودش را در گذشته نشان داده است .

استاد رؤیا ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 8 ، فصل 10

وقتی نیاز به محافظت باشد، و یا به منظور ارائه درسی معنوی ، قوانین طبیعت را می توان تحت کنترل درآورد و تغییر داد. این تجربه معمولاً به فرد داده می شود، تا چیزی را از آن یاد بگیرد که تحت شرایط عادی نمی توانست. او به درون سطح بالاتری از آگاهی برده می شود، درست مثل مواقعی که به معابد خرد زرین سفر می کند .

گشودن جعبه معما ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 6 ، فصل 13

قانون طبیعت کاری می کند که تغییر ، آهسته و به تدریج صورت گیرد .

دیسکوس ست سنگ ، سری چهارم ، درس 12

طبیعت منعکس کننده قوانین اک است. بنابراین ، به عملکرد آن در عادات پرندگان ، چرخه های گیاهان ، و غرایز خزندگان و پستانداران دقت کنید. تمام این ها را زیر نظر بگیرید . این ها همگی در حال سرودن شکوه اک هستند ، همگی دارند ، اسرار زندگی را آموزش می دهند ، رفتن و آمدن ابرها را نظاره کنید ، هلال شدن و کامل شدن ماه را ، طلوع و غروب خورشید را ، این ها نظم طبیعی خلقت را آشکار می کنند . همه چیز وقتی نه چیزی بیش از حد کم باشد و نه بیش از حد زیاد ، درست و رو به راه است . در مورد زندگی معنوی شما نیز همینطور است.

خرد دل ، جلد 1 ، یادداشت خرد 10

تضاد و دوگانگی

قانون دوگانگی و تضاد . سومین قانون جهان فیزیکی ، وضعیت تضاد میان تمام عوامل دوگانه مربوط به (منفی و مثبت) ، مؤنث و مذکر . وجه منفی یا منفعل، و وجه مثبت یا فعال، هم ، بین و ینگ⁷⁴ وجه سوم عبارت است از خنثی یا مسیر میانه. هر چیزی در این دنیا توسط متضادش حفظ می شود و به حرکت در می آید.



دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

دوگانگی خیلی ساده به معنای وضعیت تضاد میان تمام عوامل دوگانه مربوط به هم است: نور و تاریکی، گرما و سرما، مادی و غیر مادی، هماهنگی و ناهماهنگی، مثبت و منفی، شمال و جنوب، مذکر و مؤنث و غیره .

فلوت خداوند ، فصل 7

طبق این قانون ، هر پدیده ای در هر مرتبه ای و در هر جهانی که اتفاق بیفتد ، از پدیده های مولکولی گرفته تا کیهانی ، در نتیجه ترکیب و تلاقی دو عامل متضاد به علاوه عامل سوم ، عامل خنثی و میانه است . این عامل سوم ، عنصری خنثی نیست که در نفی و انکار یافت شود، بلکه تعادلی است از دو عامل اول . این مسیری است که بودا " مسیر میانه " نامید. ذهن علمی دنیای امروز، به وجود نیروهای مثبت و منفی پی برده است ولی هرگز سؤالی در مورد نیروی سوم مطرح نکرده است. طبق علم دقیق الهی ، یک نیرو، یا دو نیرو، به تنهایی نمی توانند پدیده ای را تولید کنند. برای تولید هر پدیده ای حضور نیروی سوم، همیشه لازم و ضروری است. این نیروی بی طرف، به آسانی قابل دسترس برای فهم و مشاهده مستقیم نیست .

این عقیده و اعتقاد به وحدت سه نیرو در ECK متعال، اساس سه جهان، و تعالیم باستانی را تشکیل می

⁷⁴ نکته ای روح فزا از دهن دوست بگو / نامه ای خوش خیر از عالم اسرار بیار... غزلیات حافظ... غزل ش ۹۴۲

این جهان جنگست کل چون بنگری / ذره با ذره چو دین با کافری

آن یکی ذره همی پرد به چپ / و آن دگر سوی یمین اندر طلب

ذره ای بالا و آن دیگر نگون / جنگ فعلیشان ببین اندر

رکون جنگ فعلی هست از جنگ نهان / زین تخالف آن تخالف را بدان

ذره ای کان محو شد در آفتاب / جنگ او بیرون شد از وصف و حساب

چون ز ذره محو شد نفس و نفس / جنگش اکنون جنگ خورشیدست و بس

هست بی رنگی اصول رنگها / صلحها باشد اصول جنگها... دفتر ششم مثنوی معنوی... بخش ۱

فلوت خداوند ، فصل 7

قانون دوگانگی یا قانون تضاد ، درون این جهان فیزیکی در حال عمل کردن است . هیچ چیزی بدون ارتباط متضادش نمی تواند وجود داشته باشد . این در مورد جهان های روانی ، اثیری ، علی ، و ذهنی نیز صادق است . ولی در جهان های آسمانی ، این قانون مصداقی ندارد . زیرا در این جهان ها ، بر خلاف آنچه نوشتجات مقدس می گویند ، هیچ دوگانگی و تضادی وجود ندارد .

این نوشتجات مدعی هستند که افراد خوب به درون نوعی بهشت آسمانی می روند و افراد بد و شرور ، تا ابد در منطقه ای آتشین مجازات می شوند . این همان قانون تضاد یا دوگانگی است . آنانی که خوبند ، خوبی را به سوی خود جذب می کنند ، و آنانی که بدند ، بدی را .

از این رو در جهان های آسمانی ، تضاد و دوگانگی دیگر وجود ندارد و روح آزاد است تا در چارچوب کلی این جهان ها ، هر آنچه می خواهد انجام دهد . این قانون این است که : عشق ، همه چیز است و اکنون هر آنچه می خواهی انجام بده .

شریعت - کی - سوگماد - جلد 2 ، فصل 7

هر آن کس که در این سوی قانون دوگانگی زندگی می کند ، آزاد نیست . بلکه فردی است که همیشه در حال واکنش نشان دادن به شرایط است ، برده عادات است همیشه مورد سوء استفاده و استثمار قرار می گیرد ، و خواستار عوامل مادی است .

وقتی فرد دانش کاملی از روح الهی را به دست آورد ، مجبور به رها کردن کالبد فیزیکی و کالبد های دیگرش نیست . او این انتخاب را دارد که به عنوان مأمور روح الهی در هماهنگی کامل با آن ، بدون هیچگونه مزاحمتی از جانب قانون تضاد ، به زندگی اش در کالبد فیزیکی ادامه دهد .

فلوت خداوند ، فصل 7

یکی از قوانین این است که " هیچ چیز بدون در نظر گرفتن متضادش ، نمی تواند وجود داشته باشد . " این همان اصل بسیار قدیمی مثبت و منفی است . مثبت همان نیروی خداوند یا نیروی فعال و بیرون رونده است و منفی نیروی پذیرنده و ساکن است .

به عنوان مثال ، خنده باید متضاد خود ، گریه را داشته باشد و همچنین در دنیا نمی توان بدون غم ، لذت و شادی کامل داشت . بنابراین این دنیا ، دنیایی ایستا نیست ، بلکه دنیایی است در وضعیتی از

پویایی و تغییر دائم . در این دنیا ، هیچ چیز دائم و ابدی به غیر از خود تغییر و دگرگونی وجود ندارد .

این جایی است که خدا وارد زندگی مان می شود ، زیرا در پشت این تغییر و دگرگونی ها ، آن وجود جاودان و بی تغییر قرار دارد که چشمان بیرونی قادر به دیدنش نیستند . هر چیز مادامی که در جهان

های فیزیکی و ذهنی است ، دستخوش تغییر دائمی است . حالا ، اصل دوم این است که : " مثبت همیشه در حال تبدیل شدن به منفی و منفی همیشه در حال

تبدیل شدن به مثبت است . " هر یکی از این قدرت ها در این دنیا، نیازمند دیگری است . این دو بدون یکدیگر نمی توانند وجود داشته باشند ، تعالیم ، نیاز به احیاء شدن و شکل تازه به خود گرفتن دارند تا به دنیا ، نحوه بهره بردن از این دو نیرو را نشان دهند ، و نگذارند تا میل فرد ، پیوسته بر روی یکی از این دو قفل شود ، و این تقریباً غیر ممکن است . مگر اینکه فرد ، تحت تعلیم استاد ECK باشد . پس اگر دیدی که چرخه رو به افت می گذارد و سپس رو به بالا می رود و بر عکس ، ناامید نشو .

گفتگو هایی با استاد ، فصل 8

فراسوی جهان روح ، در جهان های روح الهی ، شروع می کنیم به عمل کردن در تمامیت و یکپارچگی . در آنجا ، هیچگونه طبقات و یا مناطقی که بتوان نام برد وجود ندارد ، آن فقط یگانه جهانی است از نور . در مناطق تحتانی ، جایی که اکنون در آن زیست می کنیم . هر چیزی را فقط با متضادش می توان شناخت . حقیقت با کذب ، نور با تاریکی . در طبقه روح وقتی جریان ECK ، یا روح خداوند ، از قلب خداوند به پایین نزول می کند ، به دو قسمت تقسیم می شود : مثبت و منفی . ما دارای تجلیاتی از این تقسیم شدگی هستیم ، و اگرچه به آن عادت کرده ایم و بی اعتنا ایم ، ولی همه جا در اطراف مان ، این تقسیم شدگی را می بینیم . اگر بخواهید اتو بکشید ، ابتدا باید دو شاخه را به پریز بزنید ، و این مکانیزم . از بلندای کوه ها و اعماق دره ها را می بینیم ، جریان برق متناوب استفاده می کند - مثبت و منفی .

زیرا تنها راه شناختن هر چیزی در این جهان های تحتانی ، مقایسه کردن آن با متضادش است . ما همیشه داریم به شکل سه بخش و به جزئیات فکر می کنیم . فیلسوفان یونانی ، به دیدگاه معنوی ، خیلی نزدیک شده بودند . آنان سعی می کردند در نگاه خود ، به زندگی در این دنیا، نمایی کلی داشته باشند و زندگی را از دیدی یکپارچه و کل در نظر می گرفتند در غرب ما ، آن را جزء جزء می کنیم - مرد وزن - شادی و غم - و عموماً زندگی را در جزئیاتش می بینیم .

چگونه خدا را بیابیم ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 2 ، فصل 12

وقتی روح وارد جهان های جاودانگی ، یا جهان های روح حقیقی در فراسوی جهان های روانی می شود، دیگر هیچ دوگانگی و تضادی نمی بینید ، نور، نور است و هیچ متضاد یا نقطه مقابلی برایش نیست . بنابراین ، اکیست ، فردی واقع گراست ، زیرا می داند که چطور از قانون تضاد استفاده کند . وقتی مجبور به استفاده از آگاهی اش در جهان های روانی باشد ، قادر است از قانون تضاد بهره ببرد .

شریعت - کی - سوگماد ، جلد 2 ، فصل 7

پیشرفت (شکوفایی)

قانون پیشرفت (یا شکوفایی) . روح به ناگزیر باید یاور معنوی خداوند شود . این به معنای پشت سر گذاشتن تمام مراحل است که به آن می انجامد . آموزش دادن روح برای اینکه چطور عشق الهی را ارائه دهد و بپذیرد.⁷⁵

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

قانون شکوفایی (پیشرفت) : در جهان های تحتانی همیشه تحت قانون عظیم عشق عمل می کند، که تمامیت ECK مقدس است و به تمام آفرینش، حیات و بقا می بخشد .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 10

شکوفایی معنوی هرگز متوقف نمی شود و پیوسته ادامه دارد. هر چقدر که امروز آماده باشید فردا باز هم می توانید دورتر روید. و هر چقدر که در این زندگی جلو رفته باشید، بر حسب ضرورت، در زندگی بعدی باید جلوتر بروید. طبق قانون معنوی، یا باید جلو رفت و یا عقب .

استاد درون چگونه عمل می کند ، سخنرانی های ماهانتا ، کتاب 12 ، فصل 6

قانون پیشرفت، مرتبط است با قانون بزرگ دیگری در بالای جهان های تحتانی، قانون مقصد بودن .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 10

بنابراین هدف از قانون شکوفایی، یاد دادن نحوه ایثار کردن و پذیرفتن عشق الهی به روح است .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 10

روح از زمانی که وارد سالن نمایش سیاره زمین شده است، هم مقصر و هم قربانی رشته نامحدودی از ترس های مختلف بوده است. تک تک روح هایی که امروزه اینجا هستند ، بارها و بارها در یکی از این دو نقش مقصر یا قربانی، بازی کرده اند تا حد و مرز قوانین معنوی پنهان را محک بزنند. این قوانین به کسی اجازه نمی دهند که محدودیتی در حق روح های دیگر برای شکوفایی در آگاهی بوجود آورد .

دیسکورس ست سنگ ECK ، سری سوم ، درس 7

⁷⁵ ۸۶ این جهان یک فکرتست از عقل کل / عقل چون شاهست و صورتها رسل...دفتر دوم مثنوی معنوی...بخش 23

این سخنهایی که از عقل کلست/ بوی آن گلزار و سرو و سنبلیست...دفتر اول مثنوی معنوی...بخش

کل عالم صورت عقل کلست /کوست بابای هر آنک اهل قل است...دفتر چهارم مثنوی معنوی...بخش ۴۱

عاشقم بر قهر و بر لطفش بجد / بوالعجب من عاشق این هر دو ضد...دفتر اول مثنوی معنوی...بخش ۴۸

طبق قانون این دنیا، هر کسی این حق را دارد که مسیر پیشرفت خود در سیاره زمین را انتخاب کند .

دیسکوس ست سنگ ECK ، سری چهارم ، درس 3

محافظت

قانون محافظت معنوی: از این اصل پیروی می کند که: " به آنانی که حمل کنندگان نور هستند، صدمه نزنید ، زیرا هر آنکه چنین کند ، خود صدمه می بیند.⁷⁶ " ماهانتا ، استاد ECK وقت، محافظت معنوی را به تمام پیروان ECK ارائه می کند .

دریایی کیهانی از واژه ها : واژه نامه اکنکار

طبق قانون کهن محافظت "هیچ چیزی نمی تواند به ما صدمه بزند، مگر اینکه خودمان به آن اجازه دهیم".

کلام زنده ، جلد 1 ، فصل 21

انسان همیشه دارای اراده آزاد است. حتی ماهانتا نیز تا وقتی فرد به او اجازه ندهد ، نمی تواند از او محافظت کند ، زیرا این یکی از قوانین معنوی است .

از استاد بپرسید ، فصل 3

چندین راه وجود دارد تا در برابر کسانی که قصد ورود به فضای ما را دارند استفاده کنیم . یکی از روش های ساده این است که آینه ای را مابین خود و جهتی که صدمه به سوی مان می آید قرار دهیم . این کار را با تصور کردن آینه ای رو به سوی فرد متخاصم انجام می دهیم. این آینه ، تمام افکار و نیروهای منفی و ناخواسته را به سوی او منعکس می کند .

یکی دیگر از روش های محافظت از خود این است که خود را درون حلقه سفیدی از نور قرار دهید. سپس از درون این حلقه، به هر آنچه که آزارتان می دهد نگاه کنید. حتی می توانید دیوار محکمی را تجسم کنید که از شما در برابر دشمن روانی محافظت می کند.

هنر رویابینی معنوی، فصل 6

وقتی از گشودن بال ها سخت می گوئیم، منظورمان ورود به نوعی هشیاری از عشق معنوی و محافظت

⁷⁶ بس تجربه کردیم درین دیر مکافات/ با دُر دکشان هر که در افتاد بر افتاد
ای تو امان هر بلا ما همه در امان تو/ جان همه خوش است در سایه لطف جان تو
ای دل پاره پاره ام دیدن او است چاره ام/ او است پناه و پشت من تکیه بر این جهان مکن
وگر کمین بگشاید غمی ز گوشه دل / حریم درگاه پیر مغان، پناهت بس
ترک حیا و شرم کن پشت مراد گرم کن/ پشت من و پناه من خویش من و تبار من
چو روی به ما داری، گشایش ها در پیش است. پیدا آید، هر حُجب که بُود از طرف شما بود. هر مشکل که شود، از خود گله کن که این مشکل از من است. خدا با بنده، لایق او معامله می کند. آنچه او می کند، با او همان می کند.(شمس تبریزی)

اساتید ECK است. اینان فرشتگاه محافظی هستند، تمام روز در اطراف شما. فقط کافی است هشیاری خود را بگشایید و به فراسوی آگاهی انسانی بروید تا آنان را تشخیص دهید و از این عشق و محافظت بهره مند شوید.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 8

پژواک (Resonance)

قانون پژواک. هر یک از وصل ها دروازه ای را به مناطق خاص و مربوط به جهان مرتبه وصل و سطوح جدیدی از آگاهی می گشاید.

دریایی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

وصل سوم، دروازه ای را می گشاید تا آزادانه به مناطق خاصی از جهان علی رفت و آمد کنید، این جهان، جهان علت های اولیه است. این سطح از آگاهی، مربوط می شود به علت و معلول و همچنین زندگی های گذشته. با این حال، شما به عنوان کسی که به تازگی وصل سوم خود را گرفته است، آماده اید تا فقط بخشی از دانش مربوط به وصل تان را دریافت کنید، زیرا قانون پژواک، هنوز مطالب و اطلاعات بسیاری را برای تان ذخیره گذاشته است.

یادداشت های خرد، دسامبر 2000

تلاش معکوس

قانون تلاش معکوس: عملکرد تخیل از طریق مکانیزم تضاد، که آنچه را که سعی در دوری از آن داریم به سوی مان جلب می کند.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

به عنوان مثال، قانون تلاش معکوس، خیلی ساده این است که هر چه فرد برای رسیدن به هدفی، سخت تر تلاش می کند و کلنجر می رود، به همان نسبت هم مشکلات بیشتری را پیش روی خود ایجاد می کند، این مشکلات، حداقل تا حدودی، به خاطر فرسودگی و فشار حاصل از تلاش خود اوست. در دنیای غرب، جمله ای هست که خیلی می شنویم: «زیادی سعی می کنی، آرام بگیر، و دوباره سعی کن». باید ذهن مان را متمرکز کنیم، ولی در همان حال، از هر گونه فشار ذهنی بپرهیزیم. هرگز نباید نتایج را زور کنیم. باید به وظیفه ای بچسبیم و مسابقه را به پایان برسانیم، ولی هرگز در حین این کار، خود را از حال نمی بریم و یا به قول معروف، ناک اوت نمی کنیم.

اکنکار - کلید جهان های اسرار، فصل 9

این را در ECK، قانون تلاش معکوس می نامیم! این یکی از قوانین عملی طبیعت و فقط مربوط به انسان است، زیرا انسان تنها حیوانی بر روی زمین است که می تواند از قدرت های خلاقش استفاده کند! این قانون، مرتبط است با قدرت تخیل، و به این ترتیب عمل می کند: هر چه بیشتر سعی کنی تا قدرت

های خلاقه ات را با تلاشی متمرکز، بر چیزی قرار دهی، شانس موفقیت تو در رسیدن به آن کمتر می شود. هر چه فرد برای رسیدن به هدفش سخت تر تلاش کند، مشکلات بیشتری را نیز باید پشت سر بگذارد، این مشکلات به خاطر فشار حاصل از تلاش خود اوست. در دنیای غرب، جمله ای هست که

« این یعنی اینکه سعی نکن خیلی شنیده می شود». زیاد سعی می کنی! آرام بگیر⁷⁷، و دوباره سعی کن

نتایج را زور کنی!

به عنوان مثال، فردی را در نظر بگیر که سعی می کند در جاده ای که پر از سنگ و صخره است دوچرخه سواری کند. او چون مدام سعی می کند به سنگ های بزرگ برخورد نکند، آنقدر نسبت به برخورد با سنگ ها هوشیار می شود که به احتمال زیاد با آنها برخورد هم خواهد کرد. و یا مثلاً فردی

که می خواهد از روی الواری که روی پشت بام، بین دو ساختمان ده طبقه گذاشته شده، راه برود. ذهن او مدام متوجه سقوط کردن است، نه راه رفتن. همانطور که گفتم، این قانون مربوط می شود به تخیل و

⁷⁷ گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع / سخت میگیرد جهان بر مردمان سختکوش (حافظ)

احساس! آنچه تخیل یا تجسم می‌کنی، باید احساس داشته باشد- از این روست که تجسم یا تصویر منفی، احتمال تأثیرش خیلی بیشتر از تصویر یا تجسم مثبت است، زیرا افکار منفی، با احساس منفی⁷⁸ (ترس از شکست) بیشتری توامان است!

نامه های به گیل، جلد 1، 23 ژانویه 1963

البته هر وضعیتی اگر درونش زور و اجبار به کار رود، میل به ایستادگی و مقاومت پیدا خواهد کرد. به همین خاطر است که بعضی ها حتی علیرغم کمک دیگران، نمی‌توانند مشکلات شان را حل کنند. فرقی نمی‌کند که چه راه حل‌هایی را برای حل مشکل خود انتخاب کنید، زیرا وقتی از زور استفاده کنید، مشکل تان محکم‌تر می‌شود. بطور کلی در چنین شرایطی، هر چه کذب یا عامل منفی بزرگتر باشد، در صورت استفاده از زور، بزرگتر و قوی‌تر هم خواهد شد.

کلیدی براکنکار، صفحه 37

مشکل تسلیم کردن امور و سپردن آنها این است که فرد هر چه بیشتر سعی کند چیزی را رها کند، این کار برایش دشوارتر می‌شود، این قانون تلاش معکوس است.

نامه های نور وصل 1، درس 10

⁷⁸ آن توی که بی بدن، داری بدن/پس مَترس، از جسم و جان، بیرون شدن

رشد معنوی

قانون رشد معنوی: حقیقت را باید همواره مجدداً کشف کرد، مورد تجدید نظر قرار داد و به کلی تغییر داد؛ یک حقیقت یکسان را باید همواره در شکل هایی همیشه نو، دوباره و دوباره تجربه کرد.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

قوانین معنوی تعیین می کنند که یک جوینده چه زمانی و به چه نحوی باید جهشی را از اعتقادات خام و نابالغ اش به سوی اعتقاداتی با ماهیتی والاتر بردارد.

این اعتقادات والاتر، اعتقاداتی هستند که حقوق و مسئولیت های او را به عنوان یک وجود معنوی، صریحاً نشان می دهند.

چهار دیسکوریس استاد، درس 12

طبق قانون رشد در جهان های تحتانی، هر چیزی در روند پیر شدنش، باید آهسته و آهسته تر شود. انسان عاقبت دچار یکنواختی می شود، کم تحرك می شود، تا اینکه بالاخره مرگ از راه می رسد. و فرا روح را از تولد مجدد و مرگ تضمین کنند.

خرد دل، جلد 1، فصل 11

حقیقت را نمی توان یک بار کشف کرد و کنار گذاشت. حقیقت باید بطور پیوسته، دوباره و دوباره کشف شود. اگر می خواهید معنایش، ارزش همیشگی اش و غذای معنوی اش پایدار باقی بماند، باید آن را مورد تجدید نظر قرار دهید و تغییری کلی در آن بوجود آورید. این با عنوان قانون رشد معروف است که طبق آن باید یک حقیقت واحد را در شکل های همیشه جدید، تجربه کرد و نه فقط نتایج آن را، بلکه روش هایی که روح از طریقش دانش، تجربه و واقعیت کسب می کند را باید توسعه داد، پرورد و زیاد کرد.

شریعت-کی- سوگماد، جلد 2، فصل 10

وحدت

قانون وحدت و یکپارچگی. قانون هفتم در جهان فیزیکی، تفکر در کل به جای جزء.⁷⁹

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه انکار

هفتمین قانون جهان فیزیکی عبارت است از قانون وحدت و یکپارچگی، تفکر در کل، به جای جزء. این روشی آسان است برای دانستن راه حل مشکل، آن هم به محض اینکه مشکل ایجاد می شود. این را به بیانی می توان آزادی از بندگی و بردگی دنیا دانست، که انسان همیشه برای دست یافتن به آن، به درگاه خدا رو کرده است.

معنای این قانون، خیلی ساده این است که انسان به منظور بهره مند شدن از خود به عنوان موجودی کامل، و توانایی در انتخاب آگاهانه آنچه در زندگی می خواهد، باید تماماً در درون ECK باشد.

فلوت خداوند، فصل 7

برخی از فیلسوفان یونان باستان، در کل می اندیشیدند به جزء می اندیشد. اکثر انسان ها فقط به جزء می اندیشند، و چون چنین بشر در دنیای غرب، معمولاً می کنند، نمی توانند عقب بایستند و نگاهی کلی به وضعیت موجود بیندازند، و بنابراین قبل از اینکه حتی بتوانند اقدامی کنند، مشکل، آنها را شکست می دهد.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 21

قانون ارتعاشات. چهارمین قانون جهان فیزیکی که بر تمام تأثیرات از قبیل طول موج ها، جریان های ورودی و خروجی، علت و معلول، علم اصوات موسیقی و حرکت صوت، حاکم است.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه انکار

چهارمین قانون این جهان عبارت است از قانون ارتعاش یا علم اصوات: این قانونی است حاکم بر تمام تأثیرات موجود بر روح و بدن در این جهان، از قبیل طول موج ها، جریان های خروجی از سیارات، ستارگان و اجرام آسمانی، موسیقی، صوت رنگ و بطور کلی، علم اصوات. کارما، علت و معلول و جریان های ورودی و خروجی، تحت این قانون قرار دارند.

⁷⁹ عقل جزوی گاه چیره گه نگون / عقل کلی آمن از ریب المنون

عقل بفروش و هنر حیرت بخر / رو به خواری نه بخارا ای پسر

ما چه خود را در سخن آغشته ایم / کز حکایت ما حکایت گشته ایم (جلال الدین رومی بلخی)

فلوت خداوند، فصل 7

مشاهده دقیق، تجلی و بروز قانون اصوات را در هر نوعی از ارتعاشات نشان می دهد، از جمله نور، گرما، شیمی و علوم ارتعاشی دیگر.

فلوت خداوند، فصل 7

از هفت گام موسیقی، هر اکتاو، دو-ر-می-فا-سو-لا-سی دارای بنیادی بسیار خوب برای فهم قوانین کیهانی ارتعاشات است. هر اکتاو دارای اکتاوی خیزان است، که در آن فرکانس ارتعاشات افزایش پیدا می کند... همانطور که در این رتبه بندی جلوتر می رویم، پس از «سی» شاهد افت خوهیم بود و همین طور جلو می رود تا اینکه حلقه و یا چیزی شبیه به حلقه را می سازد. این در جهان فیزیکی حقیقت دارد، زیرا در اینجا هیچ چیزی در خط صاف حرکت نمی کند.

فلوت خداوند، فصل 7

کاملاً هیچ چیز در جهان فیزیکی در جای یکسانی نمی ماند، و یا آنچه که بود، باقی نمی ماند. همه چیز در

حرکت است، هر چیزی دارد به جایی می رود، دارد بطور اجتناب ناپذیری تغییر می کند⁸⁰، یا توسعه می یابد یا افت می کند، ضعیف می شود یا قوت می گیرد... صعود و سقوط، شرط کیهانی اجتناب ناپذیری برای هر گونه عملی است.

فلوت خداوند، فصل 7

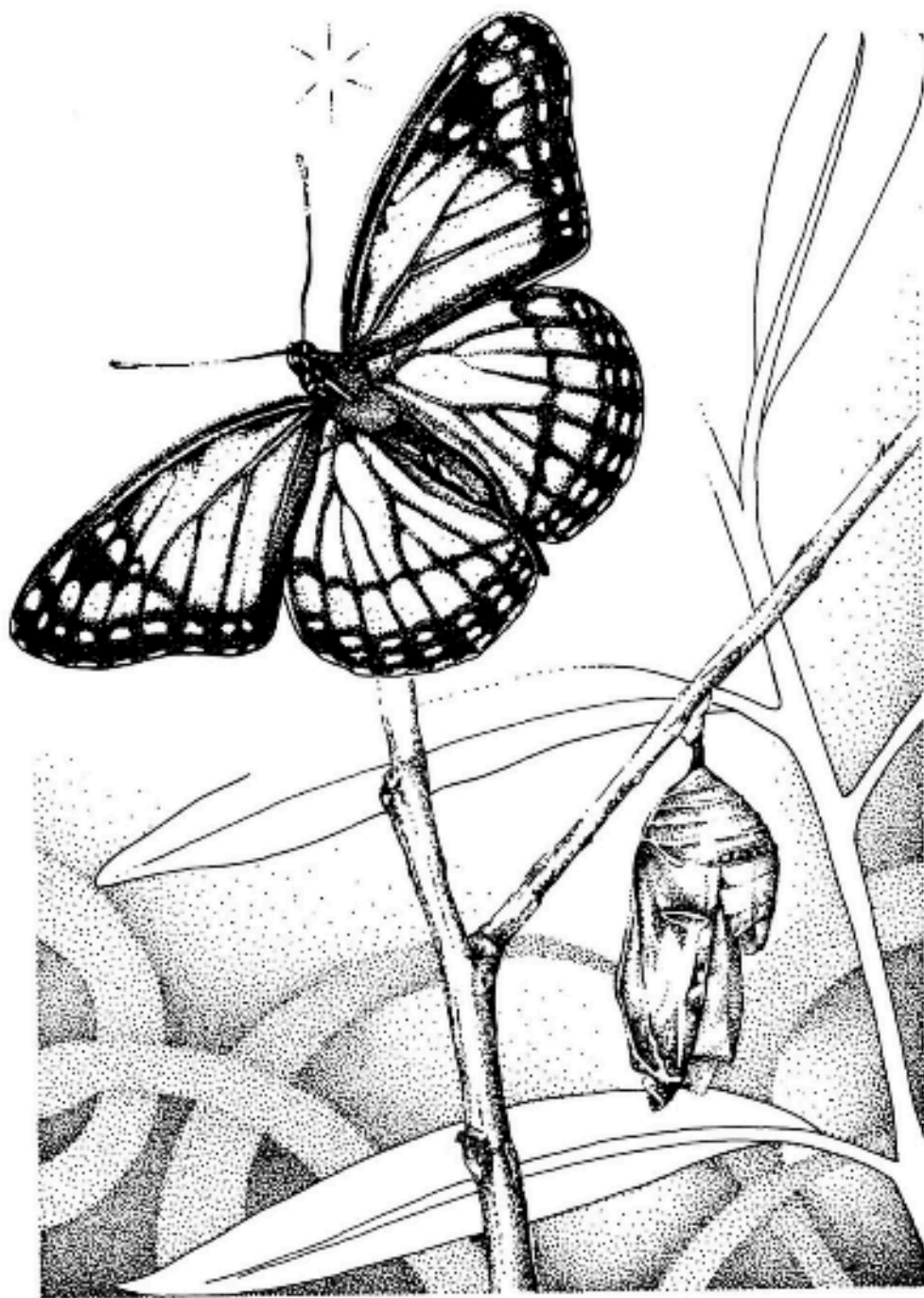
⁸⁰ به چشم عقل در این رهگذار پر آشوب/ جهان و کار جهان بی ثبات و بی محل است... غزلیات حافظ... غزل ش

فی الجملة اعتماد مکن بر ثبات دهر/ کاین کارخانه ایست که تغییر می کنند... غزلیات حافظ... غزل ش

۰۰۲ ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد / آتشی از جگر جام در املاک انداز... غزلیات حافظ... غزل ش ۴۶۲

قوانین مهر

قوانینی که ظرفیت عظیم تری را
برای عشق در اختیار روح قرار می
دهند



Pain and the past are nothing more than love's chrysalis, its shell, its seedbed, in which these necessary nothings release such real wonders, such as the comforting thrill of God's hand on one's shoulder.

قوانینی برای چلا

قوانینی برای چلا. قوانینی که به فرد، هماهنگی، خلوص و تکامل روح می بخشد.

دریایی کیهانی از واژه ها، واژه نامه اکنکار

قوانین موجود برای چلای ECK خیلی ساده هستند. هدف از این قوانین، ارائه هماهنگی، خلوص و تکامل روح، به فرد است. این باعث ساختن بهشت می شود، آن هم در حالی که او در کالبد فیزیکی خود است.

شریعت-کی- سوگماد، جلد 1، فصل 5

او باید به خویش انضباطی های ECK بپردازد. اولین خویش انضباطی عبارت است از پاکیزگی ذهن⁸¹، یعنی نباید بگذارد هیچ کلمه ای که بتواند فضای ذهنش را آلوده کند، وارد ذهنش شود. او باید همه انسان ها را به چشم مخلوقات خداوند بنگرد، زیرا آنان نیز مثل خود او، معبدهایی هستند که نهایتاً تبدیل به یاوران معنوی خدا می شوند. او باید همواره در مورد تمام افکار مربوط به کل (Kal) که قادر به بیمار کردن وضعیت ذهنی و آگاهی او هستند، روزه ذهنی بگیرد. او از این طریق به هشیاری می آموزد که توسط دنیای پر از تضاد و مخالفت پیرامونش، فریب نخود و نا امید نشود. او می داند که تمامی جهان ها، چه تحت فرمانروایی کل نیرانجان باشند و چه نباشند، در واقع جهان هایی کامل، هماهنگ و خوب هستند.

او متوجه می شود که صبر، بزرگترین خویش انضباطی در تعالیم معنوی ECK است او با داشتن صبر، می تواند در برابر زندگی، سختی ها، مشکلات کارمیک، افتراهای دیگران، و درد و بیماری، تاب بیاورد. او با

عزم راسخ و قاطعانه، ذهنش را بر نور خداوند نگه می دارد، هرگز منحرف نمی شود، و هرگز هدفش برای رسیدن به خداشناسی را رها نمی کند.

او در زندگی اش در زمین، به تواضع و سادگی و پارسایی و عفت و پاکدامنی⁸² می رسد و درمی یابد که مسئولیت او تماماً در برابر خداست، و نه هیچ کس یا چیزی در این قلمروی فیزیکی. عزیزان او، خانواده اش و خویشاوندانش همگی تصاویری از خداوند هستند که در این حیات و تجسد فیزیکی منعکس شده اند تا با سوگماد، مقام متعال خدمت کنند.

او به تشخیص خاصی دست می یابد و می داند که نه خوب وجود دارد و نه بد، نه زیبایی و نه زشتی،

⁸¹ دلا ز رنج حسودان مرنج و واثق باش/ که بد به خاطر امیدوار ما نرسد... غزلیات حافظ... غزل ش ۶۵۱

فکرت بد ناخن پر زهر دان / می خراشد در تعمق روی جان... دفتر پنجم مثنوی معنوی... بخش ۶

خلوت دل نیست جای صحبت اضداد / دیو چو بیرون رود فرشته درآید... غزلیات حافظ... غزل ش ۲۳۲

⁸² روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک / لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست

و نه گناه، و اینکه این ها همگی مفاهیمی ذهنی هستند⁸³، نیروهای دوگانه در جهان های ماده. وقتی به این درك و شناخت دست یابد، از تمام دام های کل آزاد خواهد بود او آماده خواهد بود تا پا به درون پادشاهی خداوند، اقیانوس عشق و رحمت بگذارد.

شریعت- کی- سوگماد، جلد 1، فصل 5

مسیر ECK، پنج انحرافات ذهنی را از بین نمی برد، ما یاد می گیریم که چطور این نفسانیات را کنترل کنیم.⁸⁴ چطور؟ با استفاده از توجه تمرکز یافته، یعنی همان قدرت روح، که با زمزمه کلمه اسراری، فعال شده و به کار می افتد. با خواندن کلمه اسراری تان، بلافاصله این قدرت را در اختیار دارید تا آگاهی درون خود را

تا به جایی بالا ببرید که در آن بتوانید در هر موقعیتی که باشد، خود را کنار بکشید تا آن نتواند بر شما غلبه کند. آنگاه می توانید بی طرفانه و به دور از عواطف به آن نگاه کنید و از قضیه سر در بیاوید. از خودتان بپرسید: آیا این به نفع من است؟ یا اینکه کسی دارد از تجسم خلاق خود استفاده می کند تا مرا در ابعاد فضا و زمان خودش به دام بیندازد؟

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 18

زیستن در این حقیقت، اقامت گزیدن در کلام خداوند، یعنی برداشت بهترین نتیجه از هر چیزی، به بهترین و غنی ترین شکل: این یعنی، زندگی کردن با هماهنگی کامل در معنویت.

کلیدی بر اکنکار، صفحه 40

خلاقیت

قانون خلاقیت تک تک اتم ها همواره در تلاش هستند تا حیات بیشتری متجلی کنند، همگی هوشمند هستند و روش هایی را می جویند تا از طریق شان، هدفی را که به خاطرش خلق شده اند، به انجام رسانند.

⁸³ پس بد مطلق نباشد در جهان / بد به نسبت باشد این را هم بدان

در زمانه هیچ زهر و قند نیست / که یکی را پا دگر را بند نیست

مر یکی را پا دگر را پای بند/ مر یکی را زهر و بر دیگر چو قند

زهر مار آن مار را باشد حیات/ نسبتش با آدمی باشد ممات... دفتر چهارم مثنوی معنوی... بخش ۲

⁸⁴ ز باده هیچت اگر نیست این نه بس که تو را / دمی ز وسوسه عقل بی خبر دارد... غزلیات حافظ... غزل ش ۶۱۱

هش دار که گر وسوسه عقل کنی گوش / آدم صفت از روضه رضوان به درآیی... غزلیات حافظ... غزل ش ۴۹۴

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه انکار

تا وقتی وارد مسیر ECK نشده ایم، زندگی برای مان نوعی راز است. کم کم شروع به فهمیدن این می کنیم که می توانیم خالق جهان خود باشیم و اینکه در حقیقت آنچه امروز هستیم، آفرینش چیزی است که در گذشته بوجود آورده ایم. راهی برای تغییر دادن آینده وجود دارد، و ما قادر به آنیم. ولی صرفاً با خواستش، نمی توان هیچ کاری کرد. وقتی کسی به دنبال خداشناسی است، این باید چیزی بیش از یک هوس زودگذر باشد. این لباسی نیست که یک فصل، مد شده باشد و فصل دیگر، آن را نپوشد، آرزو و میل والای رسیدن به خدا را نمی توان همین طوری فراموش کرد. این باید چیزی لطیف و در قلب تان باشد. می دانید که هر اتفاقی که در طول مسیر بیفتد، همیشه دارید به منشأ خلقت و آفرینش روح در قلب خداوند، نزدیک و نزدیک می شوید. روح می خواهد به خانه برگردد.⁸⁵

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 3

وقتی مشکلات سر بر می آورند شروع به استفاده از خلاقیت خود می کنید و شوخ طبعی خاصی را بدست می آورید. راه حل هایی را می یابید که قبلاً هرگز به فکر تان هم نیم آمد. زندگی جالب تر و لذت بخش تر می شود- در واقع زندگی تان ماجراجویانه تر می شود. به وضعیت هایی قدم می گذارید که قبلاً تجربه نکرده اید، زیرا اکنون دارید گامی فراتر از خودتان بر می دارید. و وقتی خودتان را به درد سر می اندازید، این کمک را هم در اختیار دارید تا از آن بیرون بیابید، زیرا در حالی که می آموزید که چطور با توانایی ها و منابع درونی خود کار کنید، در حال رسیدن به خویش استادی می باشید.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2 فصل 5

شکسپیر می گوید وظیفه یک شاعر این است که برای گرفتن ایده ای به بهشت برود و آن ایده را به زمین پایین بیاورد. این حقیقت دارد، فکر از انسان نشأت نمی گیرد، بلکه از بهشت می آید. بتهوون برای یافتن

⁸⁵ بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم/ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم... غزلیات حافظ ... غزل ش ۷۲؛

بود که مجلس حافظ به یمن تربیتش / هر آنچه می طلبد جمله باشدش موجود

چرخ برهم زخم از غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک

در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند / گر تو نمی پسندی تغییر کن قضا را حافظ

مگریز ز چشمم ای خیالش / تا تازه شود دلم زمانی

شمس تبریز لامکان دید/ بر ساخت ز لامکان مکانی

از صنع برآیم بر صانع باشم/حاشا که زبون هیچ مانع باشم

چون مطبخ حق ز لوت مالامالست/ تا چند به آب گرم قانع باشم جلال الدین رومی بلخی

من به تقدیرم و تقدیر هم از ذات من است/ قادر هر دو جهانم تفتاهو، یا هو... منتصب به مولانا

سمفونی اش به کجا رفت؟ آیا عیسی موعظه روی کوه را خودش پدید آورد؟ وقتی اشعار یا موسیقی زیبا

و فوق العاده الهام بخش شما می شوند، چه چیزی از آن شکل می گیرد یا به دنیا می آید؟ می توانید بین باشرف و بی شرف یکی را انتخاب کنید. شما شعر و موسیقی را می فهمید. به آنها عشق می ورزید و می گذارید تا به درون آگاهی تان جاری شوند. پس می بینید که ما همگی به خورشید، ماه، و ستارگان متصل هستیم. می توانیم آگاهی مان را تا جهان های بالاتر بکشانیم و همه چیز را از بالا نظاره کنیم، گذشته را، حال را، و آینده را، همه را در یک لحظه، از درون چشمان روح.

کلیدی بر اکنکار، صفحه 27

فکر، قالب و شکل می آفریند ولی این احساس که به فکر حیات و هستی می دهد.

فکر بدون احساس، شاید بتواند در برخی کارهای مهندسی، سازنده و مفید باشد، ولی هرگز نمی تواند در اثر یک هنرمند یا موسیقیدان، خلاق و آفریننده باشد. در تمام چیزهایی که از درون خود بوجود می

آیند باید نظم جدیدی از علیت، نوعی آفرینندگی و خلقت، و واقعیت در هم تنیده شده ای از فکر و احساس را دید. این وحدت جداناپذیر فکر و احساس است که فکر خلاق را از فکر تحلیلی متمایز می سازد و آن را در دسته بندی جداگانه ای قرار می دهد. اگر کسی می خواهد نقطه شروعی برای خلاق

بودن و آفریدن داشته باشد، این کار را باید با جذب کردن احساس ECK متعال به دورن الگوی فکری اش

انجام دهد، و این کار نیز از طریق وارد شدن به دورن جریان ECK صورت می گیرد. تصاویر ذهنی ای که از جریان روح الهی گرفته می شوند، باید خصوصیت زایشی داشت هباشند. علتش هم این است که اصل حیات، به خاطر ماهیت اش باید بارآور باشد و به سوی کثرت و فراوانی برود، و از اینرو فکر اولیه نیز باید فکری مفید و ضروری برای تمام نژاد بشر باشد، نه محدود به افرادی خاص. در نتیجه، تصویر موجود در جریان ECK باید از نوعی کامل و تمام عیار و شامل مبانی و اصولی حقیقی برای پیشرفت کامل نژاد انسان باشد. یعنی همان که افلاطون ایده های ابتدایی می نامید. این اساس و جوهر کامل فکر است.

بنابراین، مطلب اینجاست که تبدیل شدن ما به کانون فعالیت خلاقه و عامل ارائه قوانین تازه و در نتیجه

بنای شرایط تازه، بستگی به درك این مطلب دارد که قدرت الهی الگویی کامل و بکر است که آگاهی در

آن واحد در قالب فکر و احساس بر اساس آن کمال می یابد.

فلوت خداوند، فصل 9

داندا (قانون درستکاری)

داندا (Danda) خویش انضباطی، گاهی به نام قانون درستکاری نامیده می شود. مربوط به حقوق الهی انسان ها، از فقیر گرفته تا پادشاه، در مورد هر دو قشر، عمل می کند، و هیچ کدام از این دو نمی تواند پا بر حقوق دیگری بگذارد.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

عده ای که حاضر به تلاش کردن هستند نیز می توانند به این خویش استادی در زندگی برسند به مرحله ای نمی رسید که بتوانید در آن روح الهی را کنترل کنید، زیرا روح الهی را نمی توان کنترل کرد. افرادی که سعی بر انجام چنین کاری دارند، در حال استفاده از قدرت های روانی یا جاوی سیاه هستند. شما در عوض، اجازه می دهید تا روح الهی بدن هیچگونه سد یا مانعی از درون تان جاری شود. عاقبت نیز تبدیل می شوید به مجرای خالص برای آن. یعنی یکی از استادان اکی شوید و هر آنچه ECK بخواهد را انجام می دهید. وقتی در جهان های درون، دستوری دریافت می کنید. بعضی وقت ها ممکن است مدتی طول بکشد شما طبق اولویت ها عمل می کنید و دست به کار می شود.

چگونه خدا را ببینیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 5

یک مسیحی که طبق قانون درستکاری زندگی می کند، خیلی بالاتر از چلایی است که خود را درگیر بحث هایی بی فایده در مورد وجود دگم و تعصب در اکنکار می کند اگر چه اساسا در مسیری هستیم که بر محور واقعیت درونی حقیقت استوار شده است ولی در حالی که در کالبد انسانی به سر می بریم، به نمودی بیرونی از حقیقت نیز نیاز داریم.

کلام زنده، جلد 1، فصل 11

این قانون مربوط می شود به حقوق الهی انسان ها، از فقیر گرفته تا پادشاه.⁸⁶ قانون درستکاری، داندا نام دارد و منظور از عملکرد دو جانبه آن این است که هیچ کدام از این دو، نمی توانند پا بر حقوق دیگری بگذارند. اجبار به نوشتن قانون در کتاب ها و استفاده از آن به منظور نوعی راهنما برای نگه داشتن جامع در درون استانداردهایی اخلاقی که ریشه ای عمیق در آگاهی درونی مردم دارد، به سوی قوانین نوشته شده در کتاب ها سوق پیدا می کند. وقتی زمانی برسد که داندا، قانون درستکاری⁸⁷، دیگر نه در قلب مردم، بلکه در کتاب ها یافت شود، آن گاه انحطاط تمدن برای آن جامعه آغاز می شود.

⁸⁶ فرض ایزد بگزاریم و به کس بد نکنیم/ وان چه گویند روا نیست نگویم رواست... غزلیات حافظ... غزل ش ۰۲

⁸⁷ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است /با دوستان مروت با دشمنان مدارا... غزلیات حافظ... غزل ش ۰۵

این فقط اساتید ECK هستند که شاهد چنین تغییراتی بوده اند و تلاش کرده اند تا نژاد بشر را به فراسوی انحطاط تمدن ها در طول تاریخ بشر ارتقاء دهند. این وظیفه دشواری است ولی از عصر طلا تا

به حال، که زمان بسیار زیادی هم از آن گذشته، تمام اساتیدی که در زمین بوده اند، عصر نقره، مس و اعصار دیگر را گذرانده اند و شاهد این تغییرات قهقریایی و رو به زوال بوده اند. عصر آهن، خیلی آهسته وارد صحنه شده است، که نشانگر پایین ترین نقطه زوال در انسان و سقوط اجتماعی اوست. در طی این دوره است که قوانین مدرن، دولت ها و مقررات اجتماعی شروع به نمود کردند. انسان، که به اصطلاح ذاتاً خردمند است، این تغییرات را به عنوان پیشرفت تلقی کرد. ولی اینکه انسان ذاتاً پیشرفت کرده است، به هیچ وجه حقیقت ندارد، بلکه در عوض در نتیجه فعالیت های کل (Kal) پسرقت نیز داشته است. بشر معمولی چنین نیروی منفی ای را تشخیص نمی دهد، و اگر هم زمانی تشخیص دهد، آن را رد می کند و تحقیر کنان می گوید که چنین نیرویی در زندگی او هیچ نقشی ندارد.

شریعت-کی-سوگماد، جلد 2، فصل 4

وقتی به وضعیت خویش استادی می رسید، به این معنا نیست که حالا مجوز دارید تا هر چه را می خواهید انجام دهید. معنای آن خیلی ساده این است که حالا وقتی قوانین روح الهی در موردتان عمل میکند، این قوانین را می شناسید و درك می کنید. می دانید که چه کارهایی را می توانید، و چه کارهایی را نمی توانید انجام دهید. و در حالی که مسیر خود را در زندگی، با این رهنمودها طی می کنید، مجرای نیز برای روح الهی هستید.

چگونه خدارا بیابیم، سخنرانی های ماهانتا کتاب 2، فصل 11

اکنکار حامل آزادی معنوی است- و همچنین حامی تمامی مسئولیت های فردی که همراه با آن می آید و اگر خواستار آن هستیم، باید آن را برای دیگران نیز قائل شویم.

خرد استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای رهبران ECK، مقاله 35

مردم به رهبری احترام می گذارند که به آنچه می گوید عمل می کند. فقط کافی است به مردم، قدرت مانور، مسئولیت، و احترام بدهید- و بعد شاهد رشد معنوی آنان باشید. و در حالی که آنان رشد می کنند، شما نیز رشد خواهید کرد.

خرد استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای رهبران ECK، مقاله 35

دارما

دارما (Dharma) قانون زندگی، درستی حیات، انجام دادن آنچه درست است، ضوابط و اصولی که اخلاقیات صحیح را در زندگی حفظ می کند.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

فرد این مطلب را نادیده می گیرد که قبل از اینکه مسیر ECK را آغاز کند، باید به خوبی در اصول درستکاری و اخلاقیات، استقرار یافته باشد. او باید دارما، قانون زندگی را در تمام جنبه های زندگی خود بکار ببرد. این یعنی انجام دادن آنچه که چلای ECK موظف به آن است. او بدون انجام دادن این کار، نمی تواند شروعی در زندگی داشته باشد.

شریعت-کی- سوگماد، جلد 1، فصل 7

کارما متصل است به تناسخ (رجعت به چرخ مردمخوار و تکامل/ فرگشت)⁸⁸، و به دو بخش تقسیم می شود: علت و درستکاری که دو عامل اساسی در آفریدن کارما هستند.

این نافرمانی از قانون دارما⁸⁹، درستی و درستکاری، قانون زندگی، و یا آنچه باید انجام شود است که برای

فرد و یا اجتماعی از افراد، کارما ایجاد می کند.

شریعت-کی- سوگماد، جلد 2، فصل 4

این را همیشه باید به خاطر داشت که افکار و اعمال پست، نهایتاً به بارآورنده نتایجی ناخوشایند خواهند بود.

کلیدی بر اکنکار، صفحه 16

قدرت منفی یا شیطان، صرفاً آموزگاری است که مسئول مدرسه خداوند در زمین است، یعنی جایی که روح تطهیر می شود تا روزی مجدداً وارد وضعیت های آسمانی آگاهی شود و یاور معنوی خداوند گردد. شما و من- یعنی روح- در قلب خداوند آفریده شدیم و از آنجایی که به دیگران خدمت نمی کردیم درون جهان های تحتانی قرار داده شدیم. ما وجودهایی خودخواه بودیم که فقط به خودمان می رسیدیم و در

⁸⁸ کان نفس خواهد ز باران پاکتر/وز فرشته در روش دراکتر
عمرها بایست تا دم پاک شد / تا امین مخزن افلاک شد

یک مدتی ارکان بدی یک مدتی حیوان بدی /یک مدتی چون جان شدی جانانه شو جانانه

آمده اول به اقلیم جماد /وز جمادی در نباتی اوقتاد

سالها اندر نباتی عمر کرد /وز جمادی یاد نورد از نبرد

وز نباتی چون به حیوانی فتاد/ نامدش حال نباتی هیچ یاد

باز از حیوان سوی انسانیش / می کشید آن خالق که دانیش

همچنین اقلیم تا اقلیم رفت / تا شد اکنون عاقل و دانا و زفت

عقلهای اولینش یاد نیست / هم ازین عقلش تحول کردنیست... جلال الدین رومی بلخی

⁸⁹ ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون/ نیکی به جای یاران فرصت شمار یار... غزلیات حافظ... غزل ش ه

جهان روح و سایر جهان ها از زیستن خود لذت می بردیم و هیچگونه جریان خروجی نداشتیم. و به این ترتیب پا به جهان های تحتانی گذاشتیم.

بسیاری از شما نامه می نویسید و می پرسید: « مأموریت من در زندگی چیست؟ »

خیلی دقیق، مأموریت شما عبارت است از **یاور معنوی خدا شدن**⁹⁰، اینکه این مأموریت چطور با استعداد های شما ارتباط پیدا می کند، در واقع مسأله ای است بین خداوند و شما.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 1

نکته دیگر عبارت است از گذراندن زندگی بدون کارما. عمل کردن بدون آفریدن کارما یعنی انجام دادن همه چیز به نام خداوند و یا به نام استاد درون خود. این روشی است آسان برای پیمودن زندگی.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 1

ما به این مسئله علاقمندیم که چطور به کامل ترین شکل زندگی کنیم، نه اینکه چطور مراقبه کنیم و خود را از زندگی جدا کرده و کنار بکشیم. با زندگی کردن به کامل ترین شکل خود، می توانیم تجربیات لازم برای یاور معنوی خداوند شدن را کسب کنیم. در این زمینه، به هر تجربه ای که تصورش را بکنید نیاز دارید. این خیلی بهتر است که بیرون برویم و کاری کنیم که بعداً بفهمیم اشتباه بوده است، تا اینکه بنشینیم و هیچ کاری نکنیم زیرا در مورد اول، حداقلش این است که چیزی را یاد گرفته ایم و حالا نسبت به آنچه قبلاً بودیم، فرد زیرک تری شده ایم.⁹¹

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 5

هیچ روش آسانی برای توضیح دادن تعالیم ECK و حقیقت موجود در آن وجود ندارد. چنین ادراکی کاملاً به عهده خود فرد است بیشترین کاری که می توانیم در خانواده برای یکدیگر انجام دهیم این است که بگذاریم هر کسی مسیری که انتخاب می کند را آزادانه ادامه دهد. به یکدیگر آزادی لازم را بدهیم و بعد هم از حضور یکدیگر به عنوان انسان و به عنوان عزیزان خود لذت ببریم. گاهی در این کار موفق هستیم و گاهی نیز نیستیم. من واقعاً دوست ندارم تعالیم ECK باعث نفاق و دوری میان افراد خانواده شود. و به طور قطع هم به هیچکس توصیه نمی کنم که بطور پنهانی و یا مثلاً از طریق صندوق پستی گمنامی دیسکورس ها را بگیرد و مطالعه کند. این یعنی عدم صداقت در زندگی معنوی، خودتان متوجه می شوید که باید صادق باشید. رسیدن به اخلاقیات یک هدف نیست، هدف ما رسیدن به خداشناسی است: ولی در همان حال که به شکوفایی معنوی می رسیم، اخلاقیات مان هم بهتر می شود- بهتر از هر مسیر دیگری.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 7

تمام نگرانی من این است که نکند زندگی بیرونی شما از هماهنگی و تعادل خارج شود و یا ناگهان دست به کارهای عجیبی بزنید از قبیل رها کردن شغل تان و یا برداشتن تمام پس اندازتان و رفتن به یک آشرام.

⁹⁰ ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست
آدمی را هست در هر کار دست / لیک ازو مقصود این خدمت بدست جلال الدین رومی بلخی
⁹¹ به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

این زندگی معنوی نیست. زندگی معنوی یعنی انجام دادن وظایفی که پذیرفته ایم- مثلاً خانواده و فرزندان- و یافتن راه هایی برای حمایت و محافظت از آنها. امروزه چالش زندگی، در این است.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهنتا، کتاب 2، فصل 9

یکی از اصول معنوی ای که آموخته ام این است که همیشه و تحت هر شرایطی، راه حلی وجود دارد. اگر مشکل سلامتی، مالی و یا هر مشکل دیگری داریم همیشه راهی برای بیرون آمدن از آن هست.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهنتا، کتاب 2، فصل 11

کسی که می خواهد از نظر ادراك، از خویش حقیر به خویش والاتر خود رود، این کار را از طریق عمل درست انجام می دهد. ما این عمل درست را دارما می نامیم.

خرد دل، جلد 1، بادداشت خرد 17

چهار زوآس

زوآس (Zoas) چهار زوآس (قوانین) اکنکار برای ماهدیس، واصل حلقه پنجم، عبارتند از:

- (1) ماهدیس نباید از الکل، تنباکو و یا مواد مخدر استفاده کند، دست به قمار بزند، و یا به هیچ وجهی حریص و شکمباره و پرخور باشد. هیچ مهدیسی نباید خود را تا سطح حیوانات تنزیل دهد. او یک رهبر است، و باید توجهش را به فراسوی خصوصیات روحی افراد شهوانی و حیوانی قرار دهد.
- (2) ماهدیس نباید با زبان غرور و یا نیرنگ یا ناخشنودی سخن گوید، نباید اعمال دیگران را انتقاد کند، آنان را به خاطر اشتباهاتشان مقصر بداند، تند خویی کند، نزاع کند و یا به کسی صدمه رساند. او باید در همه حال، به همنوعانش احترام بگذارد و از خود مهربانی و شادی نشان دهد.
- (3) مهدیس باید تواضع و عشق داشته باشد و آزاد از تمام قید و بندهای عقاید و آیین ها باشد. او باید برای تمام انسان ها و تمام مخلوقات سوگماد، عشق داشته باشد.
- (4) ماهدیس همواره باید پیام ECK را موعظه کند، و به دنیا ثابت کند که نمونه ای از خلوص و خوشبختی است. او باید نشان دهد که یک رهرو در کالبد انسانی، باید استادی در کالبد انسانی داشته باشد.

دریایی کیهانی و اژه ها: واژه نامه اکنکار

اگر چلا نزد ماهانتا، استاده زنده ECK آمد و گفت که مراقبه معنوی ECK به مذاقش سازگار نیامده است، به او پیشنهاد می شود که پیوسته در مصاحبت آنانی باشد که به مرتبه مهدیس، واصلین حلقه پنجم، نائل آمده اند. اینان کسانی هستند که تجربیات معنوی واقعی داشته اند. تماس مداوم با آنان به چلا کمک می کند تا معنویت نهفته خود را بیرون آورد. مهدیس ها انسانی های والایی هستند که ذهن و اراده چلاها را به سوی امور الهی معطوف می کنند. و از همه مهمتر اینکه آرزوی عمیقی را برای داشتن زندگی معنوی در دل ها بر می انگیزند ...

چهار زوآس (قوانین) اکنکار برای ماهدیس، واصل حلقه پنجم، عبارتند از:

- (1) ماهدیس نباید از الکل، تنباکو و یا مواد مخدر استفاده کند، دست به قمار بزند، و یا به هیچ وجهی حریص و شکمباره و پرخور باشد. هیچ مهدیسی نباید خود را تا سطح حیوانات تنزیل دهد. او یک رهبر است، و باید توجهش را به فراسوی خصوصیات روحی افراد شهوانی و حیوانی قرار دهد.
- (2) مهدیس نباید با زبان غرور و یا نیرنگ یا ناخشنودی سخن گوید، نباید اعمال دیگران را انتقاد کند، آنان را به خاطر اشتباهات شان مقصر بداند، تندخویی کند و نزاع کند و یا به کسی صدمه رساند. او باید در همه حال، به همنوعانش احترام بگذارد و از خود مهربانی و شادی نشان دهد.⁹²

⁹² چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را / غبار خاطری از ره گذار ما نرسد... غزلیات حافظ... غزل ش ۶۵۱

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافرست رنجیدن... غزلیات حافظ... غزل ش ۳۹۳

(3) ماهدیس باید تواضع و عشق داشته باشد و آزاد از تمام قید و بندهای عقاید و آیین ها باشد. او باید برای تمام انسان ها و تمام مخلوقات سوگماد، عشق داشته باشد.

(4) ماهدیس همواره باید پیام ECK را موعظه کند، و به دنیا ثابت کند که نمونه ای از خلوص و خوشبختی است او باید نسان دهد که یک رهرو در کالبد انسانی، باید استادی در کالبدی انسانی داشته باشد. این قانون ثابت سوگماد است. هر یک از استادان زنده ECK، در هنگام انتقال شان، مأموریت خود را به استاد ECK زنده دیگری که کالبدی در اختیار دارد واگذار می کند، و این استاد، به این وظیفه ادامه می دهد تا اینکه لحظه انتقال خودش نیز به جهان های دیگر از راه می رسد. اساتیدی که انتقال می یابند،

کار با چلهایی که خود در زمین وصل داده اند را ادامه می دهند، تا اینکه آن چلاها از مرزهای مرگ عبور کنند و پا به اقالیم بالاتر بگذارند. استاد آنان با آنان ملاقات می کند و آنگاه آموزش های بعدی

خود را تحت تعالیم او در جهان های آسمانی شروع می کنند. این ها چهار قانون موجود برای ماهدیس، واصل حلقه پنج هستند. به این قوانین باید وفادار ماند و همان احترامی را گذاشت که به ماهانتا گذاشته می شود، زیرا هر قانونی در درون خود، دارای قدرتی عظیم است. فعالیت های اکنکار، عمدتاً وابسته به ماهدیس ها می باشد.

شریعت- کی- سوگماد، جلد 2، فصل 3

سپاسگزاری و شکرگذاری

قانون شکر و سپاسگزاری: وفور و نعمت درون قلبی رشد کرده و شکوفا می شود که قدردان و سپاسگزار باشد، شکر و سپاسگزاری راز عشق است.

دریایی کیهانی از واژه ها، واژه نامه اکنکار

قانون سپاسگزاری، خیلی ساده بیان می دارد که وفور نعمت، درون قلبی رشد می کند و شکوفا می شود که قدردان و سپاسگزار باشد.

کلام زنده، جلد 1، فصل 29

بزرگترین قانون خداوند، همان قانون عشق الهی است: خدمت کردن به زندگی، به خاطر سپاسگزاری از گرفتن هدیه زندگی.

نامه های نور و صوت 2، درس 11

ما از روی سپاسگزاری مان، به خداوند و به زندگی خدمت می کنیم. چرا؟ به خاطر برکاتی که دریافت کرده ایم.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 5

سپاسگزاری و قدردان بودن، راز عشق است.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 9

اگر یاد بگیری که برای چیزهایی که روح الهی هر روز به سوی تان می آورد، سپاسگزار و قدردان باشید، آنگاه چیزی را کسب خواهید کرد که افراد بسیاری هنوز موفق به یافتنش نشده اند.

طبل آهنگ زمان، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 10، فصل 4

قدردانی و شکر، از طریق سپاسگزار بودن صورت می گیرد، که باعث می شود قلب ما همیشه در برابر ECK گشوده باقی بماند. وقتی سپاسگزاری از دست رود نتیجه اش فقر معنوی خواهد بود...

سپاسگزاری، چشمه های خلاقیت را باز می کند، زیرا فرد سپاسگزار، فردی است که به آرامش رسیده است.

کلام زنده، جلد 1، فصل 29

عده ای هستند که تحت هر نامالایمات و شرایط سختی که بتوان تصورش کرد، شاد و خوشحال هستند.

اینان حتی وقتی غذا و یا سرپناهی هم ندارند، خوشحال و شادند. در صورتی که در جامعه مرفه ما،

افرادی هستند در حالی که هر چیز مادی ای که می خواهند را در دست دارند، دیگران را برای آنچه به این خاطر است که هنوز برای آنچه خداوند به آنان ارزانی کرده ندارند مقصر می دانند. این احتما است، سپاسگزاری و قدردانی نشان نداده اند.⁹³

افراد ناسپاس، هرگز نمی توانند خوشحال باشند. هرگز نمی توانند بخشنده و دست و دل باز باشند، زیرا دنیای آنان، درون خود آنان آغاز می شود و خاتمه می یابد. این دنیایی است کاملاً خود محور، برای رشد کردن از نظر معنوی، باید توجه خود را به خداوند، به عشق معطوف کرد. آن گاه می توانید چیزهایی بزرگ را در اموری کوچک و ناچیز بیابید. آزادی معنوی به راز قدردان بودن پی می بریم، زندگی خیلی رضایت بخش تر می شود. وقتی پنجره سپاسگزاری باز می شود، بهشت های خداوند را رو به روی خود می بینیم.

کلام زنده، جلد 1، فصل 29

⁹³ هزار شکر و هزاران سپاس یزدان را / که عشق تو به جهان پر و بال بازگشاد... غزلیات شمس... غزل ش ۹۲۹

سپاس و شکر خدا را که بندها بگشاد / میان به شکر چو بستیم بند ما بگشاد... غزلیات شمس... غزل ش ۰۳۹

عشق

قانون عشق اصلی که به فکر، قدرت فعاله می بخشد تا بتواند با موضوع خود، ارتباط برقرار کند، و بنابراین، بتواند بر هر تجربه ای که بد و نامطلوب باشد، غلبه کند، احساسی که به فکر، حیات می بخشد، احساس، خواسته است، و خواسته، عشق⁹⁴.

گفتگوهایی با استاد، فصل 24

قبل از اینکه این زندگی را ترک کنید این زحمت این را به خود بدهید و اصول عقاید و دکترین اک را مطالعه کنید. این قانون عشق است که به تنهایی می تواند شما را تا اقلیم خدا رهنمون نماید.

کلام زنده کتاب اول فصل 36

قانون عشق مواد لازم برای رشد و بلوغ روحی شما را برای شما به ارمغان می آورد. بنابراین، اگر به عشق نیاز دارید، سعی کنید بفهمید که تنها راه برای به دست آوردن عشق، دادن عشق است⁹⁵، که هر چه بیشتر ببخشید، بیشتر به دست می آورید و تنها راهی که می توانید از آن ببخشید این است که خود را از آن پر کنید تا زمانی که آهنبای عشق شود به طور ساده، مکانیک عشق این است: فکر کانالی از احساسات است و توسط قانون ارتعاش، همان نور یا الکتریسیته حمل می شود. احساسات از طریق قانون عشق به آن نشاط می بخشد. با قانون رشد شکل می گیرد و بیان می شود. این محصول روح است و از این رو ماهیتی الهی، معنوی و خلاق دارد.

گفتگوهایی با استاد، فصل 24

از آنجایی که می دانیم قادر به عشق ورزیدن به همه، بطور یکسان نیستیم، پس می توانیم فقط تعداد معدودی را از صمیم قلب دوست (عشق گرم) داشته باشیم، البته طبق قانون عشق باید **عشق غیر شخصی** خود را به همگان ارائه دهیم.

گفتگوهایی با استاد، فصل 3

برای رسیدن به بهشت، راه های بسیاری را می توانیم انتخاب کنیم. خداوند آنقدر راه و مسیر مختلف برای ما قرار داده است که برای هر کسی، راه جداگانه ای وجود دارد، حتی برای افراد بی دین و بی خدا. این شاید

⁹⁴ هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به **عشق**/ثبت است بر جریده عالم دوام ما

عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده /بجز از **عشق** تو باقی همه فانی دانست

ای که از دفتر عقل آیت **عشق** آموزی /ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

ماییم و آستانه **عشق** و سر نیاز / تا خواب خوش که را برد اندر کنار دوست

⁹⁵ **نیکی** چه کرده ایم که تا روزی / **نیکی** دهند مزد عمل ما را

تناقضی خنده دار به نظر برسد، ولی حقیقت دارد یک کافر⁹⁶ در مقایسه با یک مسیحی که همیشه انجیل به دست است، می تواند به خدا نزدیکتر باشد، آن هم خیلی ساده به این دلیل که آن کافر، ممکن است ادراک بهتری در مورد قانون عشق داشته باشد.

قلب زرین، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 4، فصل 6

هر انسانی، اگر انتظار دریافت عشق دارد، ابتدا باید در جستجوی راهی برای ارائه و دادن عشق باشد. باید تحت هر شرایطی، عشق بدهد- حتی هنگامی که مورد سوء استفاده قرار می گیرد، با او بد رفتاری می شود، و مشکلات غیر ضروری مختلفی، جلوی پایش گذاشته می شود.

شریعت- کی- سوگماد، جلد 1، فصل 7

تو باید در مورد عشق انسانی، به آنانی عشق بورزی که قابل اعتماد باشند و آن عشق را به تو بازگردانند، و از عشق تو برای مقاصد خودخواهانه استفاده نکنند. این یعنی استفاده از قوه تمایز در عشق ورزیدن به ممنوع خود.

گفتگوهای با استاد، فصل 3

ذهنیت می تواند شرایط را تغییر دهد زیرا ذهن فردی بخشی از ذهن کیهانی است و بخشی باید همان قدرت خلاق قدرت ECK باشد. این (مثل هر چیز دیگری) توسط حاکمیت و اداره قانون خدا است، و این قانون، قانون عشق است، یعنی همان قدرت خدا در خلقت، که به طور خودکار با موضوع آن ارتباط دارد و آن را به ظهور می رساند.

گفتگوهای با استاد، فصل 19

ما مشکلات خود را به گردن کل نیرانجان (سلطان نیروی یا منفی شیطان) Kal-Niranjan می اندازیم که در واقع همان ماهیت پست و حقیر خودمان است، به عبارت دیگر می توان گفت که کل چیزی نیست جز میدان دادن ما به نفسانیات ذهن و سخت نگرفتن مان شاید بهتر این باشد که **کل نیرانجان، سلطان جهان منفی را قسمتی از خلقت خود بدانیم که هیچگونه حیات و انرژی ای ندارد**، مگر آن که ما به او حیات و انرژی دهیم. در واقع من اینجا تقصیر را می خواهم به گردن خود فرد- یعنی خودمان- ببندازم که این موج انرژی را به سوی دیگران می فرسد. ما در ازای هر موجی که به سبب خشم خود به سوی دیگران می فرستیم، و هم چنین در ازای موجی که آنها بعد از ما به دیگران منتقل می کنند مسئول هستیم هر چه وصل تان در ECK بالاتر باشد، مسئولیت تان هم بیشتر می شود. اینجاست که قانون عشق، بسیار دقیق و حساس می شود.

قلب زرین، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 4، فصل 11

⁹⁶ کفر هم نسبت به خالق حکمتست/ چون به ما نسبت کنی کفر آفتست

هر گاه که به یک بچه نگاه می‌کنم، فرد بزرگسالی را در کالبدی کوچک می‌بینم. وقتی بدانیم که بچه‌ها روح‌هایی هستند که زمان و مکانی در گذشته به اینجا بازگشته‌اند، دیگر دلیلی ندارد که آنها را پایین‌تر از خود بدانیم و مثل بچه‌ها با آنها صحبت کنیم. آنها هم درست مثل من و شما، برای گذراندن بخش دیگری از سفر معنوی خود، اینجا هستند.

آیا زندگی تصادفی است؟ صفحه 7

قانون عشق: این همان قانون روح الهی، نور و صوت خداوند است. می‌توانید آن را به درون زندگی خود بیاورند، و وقتی چنین کنید، کسی نخواهد بود که بتواند آن را از شما بگیرد، و یا به شما بگوید که این درست است و آن غلط. زیرا خودتان به واسطه تجربه مستقیم با نور و صوت خداوند، همه چیز را خواهید یافت.⁹⁷

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی‌های ماهانتا، کتاب 2، فصل 11

متوجه خواهید شد که جذبه معنوی به سراغ هر کسی نمی‌رود ولی آنانی که این جذبه را تجربه می‌کنند، حس می‌کنند که عشق، تا مغز استخوان شان را هم فرا می‌گیرد و سراسر آگاهی و وجودشان را در خود فرو می‌برد. عشق، خداست، و عشق یکی از عملکردهای خداوند است. خاطره‌ها، تردیدها، و ترس‌ها، وقتی از حجاب عشق دیده شوند، در دوردست‌ها خواهند بود و کاملاً کم‌رنگ خواهند شد.

زیرا عشق، به خودی خود، چنان مطلق است، چنان به دور از منطق است، که چیز دیگری در کنارش اهمیتی پیدا نمی‌کند. مرگ، صرفاً یکی از اتفاقات زندگی است. رنج و شکنجه را می‌توان حتی تا خود مرگ تحمل کرد، ولی اهمیتی ندارد. زیرا در نهایت، رنج و عذاب، از تهی بودن خود می‌میرد. عشق تا ابد زنده می‌ماند! درد و گذشته‌ها چیزی نیستند جز پیله عشق، پوسته عشق، و محل نشو و نمای عشق، که در آن، این چیزهای تهی و در عین حال ضروری، شگفتی‌ها می‌آفریند. شگفتی‌هایی از قبیل احساس آرامش بخش دست خداوند بر روی دوش مان.⁹⁸

کلیدی بر اکنکار، صفحه 26

⁹⁷ دلم که گوهر اسرار حسن و عشق در اوست/توان به دست تو دادن گرش نکو داری

ز کنج صومعه حافظ مجوی گوهر عشق / قدم برون نه اگر میل جست و جو داری

در گوی عشق شوکت شاهی نمی‌خرند / اقرار بندگی کن و اظهار چاکری

طفیل هستی عشقت آدمی و پری / ارادتی بنما تا سعادت بیبری

بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش/که بنده را نخرد کس به عیب بی‌هنری

ای که دایم به خویش مغروری / گر تو را عشق نیست معذوری

⁹⁸ در مکتب حقایق پیش ادیب عشق / هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

دانش می تواند خیلی چیزها را به همراه بیاورد، زیرا دانش از توسعه ذهن، نشأت می گیرد ولی آگاهی دل، عشق را به همراه می آورد، و عشق همه چیز را.

کلیدی بر اکنکار، صفحه 29

افرادی که تأثیر کامل کلام مقدس را دریافت می کنند، هرگز فرد قبلی نخواهند بود، زیرا کسی که عشق الهی را در دل داشته باشد، با دیگران بر طبق قانون معنوی عشق رفتار میکند.

چهار دیسکورس استاد، درس 8

استادان ECK⁹⁹ قانون الهی عشق را در درون خود جای داده اند، و این عشق، از طریق آنان به درون تمام جهان ها جاری می شود و دامنه تأثیر بسیار بزرگی را بوجود می آورد.

دیسکورس های راه آسان، درس 7

این استادان¹⁰⁰، چنان آگاهی والایی دارند که عشق، با شدت زیاد از درون آنان جاری است و به هیچ وجه نمی توانند مانع آن شوند. فقط باید آن را نثار کنند، نثار کنند، و نثار کنند. آنان به هر جا که می روند، قانون عشق را القاء می کنند.

عشق آرام سوزان خداوند، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 13، فصل 8

عظیم ترین قانون در میان تمام قوانین، قانون عشق است. و این قانونی است که برای یافتن راه بازگشت مان به سوی خداوند و منزل حقیقی مان، به آن علاقمندیم.

دستورهای بیدار باش معنوی ما، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 15، فصل 10

⁹⁹ از آستان پیر مغان سر چرا کشیم / دولت در آن سرا و گشایش در این درست
منم که گوشه میخانه خانقاه من است / دولت در آن سرا و گشایش در آن در است
گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت / در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست
مشکل خویش بر پیر مغان بر دم دوش / کو به تائید نظر حل معما می کرد

بر نویس احوال پیر راهدان / پیر را بگزین و عین راه دان
پیر تابستان و خلقان تیر ماه / خلق مانند شبند و پیر ماه
کرده ام بخت جوان را نام پیر / کو ز حق پیرست نه از ایام پیر
او چنان پیرست کش آغاز نیست / با چنان در یتیم انباز نیست
خود قوی تر می شود خمر کهن / خاصه آن خمری که باشد من لدن
پیر را بگزین که بی پیر این سفر / هست بس پر آفت و خوف و خطر
آن رهی که بارها تو رفته ای / بی قلاوز اندر آن آشفته ای
پس رهی را که ندیدی تو هیچ / هین مرو تنها ز رهبر سر مپیچ
¹⁰⁰ گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن / شیخ ما گفت که در صومعه همت نبود
دولت پیر مغان باد که باقی سهل است / دیگری گو برو و نام من از یاد ببر

شالوده قوانین معنوی، قانون عشق است.¹⁰¹ این قوانین، کسی را به خاطر لذت زجر دادن، تنبیه نمی کنند، بلکه این کار را برای یاد دادن درسی معنوی به فرد انجام می دهند که جزئی از برنامه آموزشی اوست. کمی اینجا و کمی آنجا، اندکی حساب و کمی زبان، کمی هم جغرافیا. بطور خلاصه، تمام آن جنبه های طبیعت معنوی که روح نیاز دارد تا روزی یاور معنوی خداوند شود.

روش بقای معنوی در دنیای امروز، سخنرانی هایم اهانتا، کتاب 16، فصل 6

هر کسی چیزی را کسب می کند که خودش ایجاد کرده است. بخواهید یا نخواهید، این قانون عشق است. قانون عشق، دل سنگ را نرم می کند. غالباً دلی سخت تر از دل کسی که خود را قربانی واقعه ای می داند وجود ندارد. دل او مثل پوست گردو سخت است. اما چگونه باید به دل او راه یافت؟ روح الهی این کار را می کند. آن (t) اتوان و جوانی شما را می گیرد و ضعف و پیری را به شما نثار می کند. آن (t) قدرت و زور شما را می گیرد و آن را با ضعف معامله می کند. آن (t) آزادی شما را می گیرد و بردگی را به شما پس می دهد.

عشق چگونه خود را نشان می دهد؟

وصل های ECK، پنجره بهشت هستند. وصل شما مسئولیت سنگینی را برایتان به دنبال دارد، اما در ضمن، توانایی باز کردن دل و قلب را به روی زندگی و تمام مخلوقات خدا نیز در اختیارتان قرار می دهد.

روش بقای معنوی در دنیای امروز، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 16، فصل 6

خیلی چیزها هست که خدا برایمان در نظر گرفته و کنار گذاشته است. ولی گاهی اوقات قوانین و مقررات مختلفی که طبق شان زندگی می کنیم، ما را چنان محدود می کنند که نمی توانیم تشخیص دهیم که قانون والاتری هم وجود دارد و آن عبارت است از قانون عشق الهی.

عشق آرام سوزان خداوند، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 13، فصل 7

برای گرفتن عشق باید عشق داد. برای گرفتن عشق، باید به هر کجا که می رویم و در هر جایی که می توانیم، عشق بدهیم، زیرا این قانون عشق است.

عشق آرام سوزان خداوند، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 13، فصل 6

استاد به تک تک افراد کمک می کند تا عشق و آزادی را بیابند. به عبارتی می توان گفت که ماهانتا، استاد زنده ECK، یک منجی یا نجات دهنده نیست که مأموریت عبث و بیهوده نجات دادن انسان ها از شر خودشان را دنبال کند. چنین کاری یعنی زیر پا گذاشتن قانون کارما. او به قانون عشق خداوند احترام

¹⁰¹ چون قلم اندر نوشتن می شتافت/ چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت

می‌گذارد، و طبق این قانون، زندگی در دنیا، هدیه ای الهی است برای روح تا از طریق کسب کردن تجربه، از نظر معنوی شکوفا شود.

خرد دل، جلد 2، یادداشت خرد 29

در جهان معنوی، قوانین والاتری از قبیل عشق، حکمفرما هستند، ولی در این پایین، ما در جهان های دوگانگی به سر می بریم- فقدان یا وفور، بلند و کوتاه، فقر و ثروت.

قلب زرین، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 4، فصل 8

طبق قانون عشق: اگر توقع داری به تو محبت شود، اول باید تو به دیگران عشق بدهی.¹⁰²

نامه های نور و صوت 2، درس 8

تمام کسانی که عشق خدا را احساس کرده اند، باید آن عشق را به دیگران بازگردانند. این قانون عشق است. این قانون، تمامی جهان ها را محافظت می کند و تنها امید، برای داشتن صلح و آرامش است. چنین صلح و آرامشی، هرگز از طریق حکم یا دستور رهبران سیاسی یا مذهبی حاصل نمی شوند، زیرا صلح و آرامش، هم اکنون نیز درون قلب هر کسی سکنی دارد، منتهی هر فردی باید ابتدا خودش را بیابد.

دیسکورس های راه آسان، درس 8

سوال : هدف معنوی زندگی چیست؟

جواب : آموختن اینکه چطور به دیگران بدهیم و عشق را هم از دیگران هم دریافت کنیم.¹⁰³

مجله جهان عرفان، مارس 1995

عشق و فقط عشق، کلید رسیدن به خداشناسی است. تمام خصوصیات و صفات دیگر، همگی از عشق الهی نشأت می گیرند. عشق، آغاز و پایان همه چیز است. عشق کلید¹⁰⁴ دست یافتن به خداشناسی است.

مقاله ECK 86 حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای رهبران

¹⁰² نیکی چه کرده ایم که تا روزی/ نیکو دهند مزد عمل ما را

¹⁰³ بی موکل بی کشش از عشق دوست / زانک شیرین کردن هر تلخ ازوست... دفتر اول مثنوی معنوی... بخش ۸۳

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن / که دوست خود روش بنده پروری داند... غزلیات حافظ... غزل ش ۷۷۱

بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم / یا رب مباد کس را مخدوم بی عنایت... غزلیات حافظ... غزل ش

¹⁰⁴ یک دسته کلید است به زیر پغل عشق / از بهر گشاییدن ابواب رسیده

عشق، همان قانون عظیم زندگی است. عشق خداوند همه را در بر می گیرد. روح وجود دارد، زیرا خداوند به او عشق می ورزد، و بنا به همین دلیل نیز هست که سوگماد، ماهانتا، استاد زنده ECK را فرستاده است تا به روح های خانه به دوش و سرگردان کمک کند تا دوباره راه بازگشت به منزل خود

را بیابند. استاد، همیشه با شماست. در تمامی لحظات و در همه جا او لذات شما و غصه های شما را با شما سهیم است، او بار سنگین ترس از تغییرات زندگی را کاهش می دهد. بله او همیشه اینجا کنار شماست. او سوار بر بادهای آسمانی نور و صوت خداوند است، پس در آنجا به دنبال او باشید و منتظر شنیدن صدایش او را در مکان های سری باغ آگاهی خود بیابید. این همان سرزمین مقدس است.

وقتی سایرین در مقابل مشکلات زندگی، شکست می خورند و به خود می لرزند، شما وعده عشق همیشه حاضر خداوند را می بینید و می شناسید. ماهانتا اینجا کنار شماست، همیشه و در همه جا.

حضور عزیز او، منبع امیدها و رویاهای چلاست، و بله، حتی منبع شهادت او.

در خانه خدا، همه چیز همان طوری است که باید باشد. همه چیز درست است، همه چیز حقیقت است، زیرا همه چیز در آن، در آغوش عشق است. عشق الهی و عدالت، از آن توست تا آن را بگیری و به دیگران نثار کنی. جام زرین خود را به سوی آسمان، بالا بگیر. بگو: ای فرمانروای همگان، این جام را از عشق مقدست لبریز کن، و بگذار آنقدر بنوشم که دیگر یارای نوشیدنم نباشد. آه عشق شیرین زندگی. شیرین، آرام، خالص و مهربان. این عشق به تمام کسانی که ملاقات می کنید حیات می بخشد. زیرا آنان می توانند مهربان بودن و نیکی الهی را درون تان احساس کنند. شما و آنان خوشاوندید، پسران و دختران آن یگانه یکتا، برابر هم، و بطور یکسان عزیز در چشمان خداوند.

آیا این ها همه رویاهای یک رویابین است؟ البته رویابین زندگی. شما در رویای الهی سهیم هستید. شما یکی از همکاران ماهانتا، کمک می کنید تا عشق و عدالت به همه افرادی که داخل حوزه شما هستند جاری شود.

بله، همیشه با شما هستم. و در همه جا به دنبال نور و صدایم باشید. در این نور و صدا، عشق و هدایت وجود دارد که برای پیدا کردن و پیمودن مسیر شخصی تان به سوی اقیانوس عشق و رحمت، به آن نیازمندید و به دنبالش هستید.

مقاله 87، ECK حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

قانون بنیادین، همان قانون عشق است. این قانون واحد است. ولی عده ای گمان می کنند که پیروی از

قانون عشق یعنی اینکه آنچه مال توست، متعلق به من است و آنچه مال من است متعلق به من. بعضی ها هنوز تفاوت میان عشق خودخواهانه و عشق الهی را نمی فهمند. واصلین بالایی بوده اند که در برابر دو قانون می بوری (Maybury) واکنش شدیدی نشان داده اند. آنان احساس می کنند که من دارم وارد پیام های اجتماعی می شوم. آنان قوانین معنوی را که بر زندگی حاکم هستند درک نمی کنند، و همچنین مسئولیت روح را در هماهنگ ساختن خود با قانون ECK، که همان قانون عشق است.

مقاله 63، ECK حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

در جهان های تحتانی، قانون عشق به دو جریان درست و غلط تقسیم می شود. برای زیستن و زنده ماندن، باید این قوانین را شناخت و اگر آنها را زیر پا بگذارید، کارما تولید می کنید. انسان ها می توانند آنقدر کارمای (منفی) تولید کنند که باعث روند عقبگرد در دریافت وصل هایشان شود.

مقاله 43، ECK حکمت استاد درمورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

یک کلمه پر عشق، ارزشش بیش از هزاران سخنرانی استادانه و هوشمندانه است.

مقاله 29، ECK حکمت استاد درمورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

خدمت کردن، همان نشان دادن عشق الهی است.

مقاله 5، ECK حکمت استاد در مورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

سر موجود در تمامی اعصار این است که ما هر یک، قرار است مهمانداری در هواپیمای عشق الهی باشیم.

مقاله 29، ECK حکمت استاد درمورد رهبریت معنوی: راهنمای راهبران

عشق، تنها راه رسیدن به خداست. اگر خواستار پیمودن این راه هستید، در مراقبه از ماهانتا بخواهید که آن را نشان تان دهد.

از استاد بپرسید، فصل 2

پس دلیل زندگی کردن چیست؟ زندگی، برکت خداوند به هر یک از روح هاست (یعنی شما) تا یاد بگیرید که چطور عشق دریافت و سپس نثار کنند. این آن چیزی است که در پشت صحنه این آزمایشگاه عظیم زندگی در جریان است.

جلد 2، مقاله 34، ECK آتش مقدس

دو قانون می بوری

دو قانون می بوری (Maybury):

- 1) هر آنچه را که به انجامش توافق کردی انجام بده و
- 2) به حقوق و مایملک دیگران تجاوز نکن. این‌ها قوانینی هستند از “کتاب چه بر سر عدالت آمده است”¹⁰⁵

دریای کیهانی واژه‌ها: واژه نامه اکنکار

ریچارد می بوری، نویسنده کتاب **چه بر سر عدالت آمده است؟** تمام دنیا را برای یافتن قوانین پایه و بنیادی جستجو کرده است. قوانینی که انسان‌های مبادی اخلاق در تمام مذاهب و فلسفه‌ها بر سرش توافق دارند، دو قانون هستند. این قوانین، که در نوشته‌ها و سخنرانی‌های ECK هم از آنها نام برده شده، آنقدر برای شکوفایی تان مهم هستند که ارزش تکرار کردن را دارند... تک تک کلمات آن را حفظ کنید، زیرا دانستن و به کار بردن این دو قانون در زندگی روزمره، از بوجود آمدن مقادیر زیادی کارهای غیرضروری و بیهوده جلوگیری میکند. این دو قانون، در زمره قوانین اجتماعی هستند. ولی با کاربرد آنها به همراه نوشته‌های ECK و تمرینات معنوی، متوجه خواهید شد که اعتماد به نفس، قدرت، و خویش کنترلی تان به طرز چشمگیری رشد می‌کند.¹⁰⁶

نامه‌های نور و صوت 2، درس 11

از کتاب ریچارد می بوری، یعنی **چه بر سر عدالت آمده است؟** چندین بار نام برده‌ام. این کتاب، برای شکوفایی معنوی خودتان است، و به شما کمک می‌کند تا بفهمید قوانین معنوی ECK چگونه در اینجا، در جهان خارج، و در زندگی روزمره عمل می‌کند.

خرد دل، جلد 2، مقاله 13

از نظر قوانین اجتماعی، دو قانون ریچار می بوری، گلچین تمام قوانین اخلاقی و مذهبی را نشان می‌دهد. وقتی به این دو قانون توجه شود، جامعه، پا به سطح جدیدی از روشنگری می‌گذارد. عدالت وارد

¹⁰⁵ "Whatever happened to justice."

¹⁰⁶ یاری یاران دیگر می‌کند/ هم دروگر هم سقا هم حایکی

هر کسی در مکسبی پا می‌نهد / زانک جمله کسب ناید از یکی

این به انبازی ست عالم بر قرار / هر کسی کاری گزیند ز افتقار... دفتر پنجم مثنوی معنوی مولانا... بخش ۱۰۱

میدان می شود تا خیلی از قوانین غلط و نادرست را از قدرت ساقط کند. باز هم دو قانون را تکرار می کنم:

(1) هر آنچه را که به انجامش توافق کرده ای انجام بده،

و (2) به حقوق و مایملک دیگران تجاوز نکن.

این نهایت نزدیکی ای است که یک جامعه، می تواند به قانون عشق الهی به دست آورد.

خرد دل، جلد 2، مقاله 33

کار کردن با این دو قانون، به شما کمک می کند دریابید که طور قانون علت و معلول را در زندگی روزمره خود پیاده کنید. اگر زمانی سوالی داشتید، به درون خود رجوع کنید. از ماهانتا، بخش درونی خودتان بپرسید: من این قانون را درك میکنم، ولی آیا در این وضعیت خاص، آن را درست انجام می دهم؟ این اطلاعات را بنابر دلایل معنوی در اختیارتان قرار می دهم: تا بتوانید بدانید که چطور زندگی معنوی خود را وقتی که کنارتان نیستم تا بگویم این درست است، این غلط، خودتان به پیش برانید.

خرد دل، جلد 2، مقاله 9

دو قانون می بوری، واضح ترین مثالی است که در مورد نحوه زندگی کردن بر اساس قانون علت و معلول می توانم به شما بدهم:

((1) هر آنچه را که به انجامش توافق کرده ای انجام بده و

(2) به حقوق و مایملک دیگران تجاوز نکن.

خرد دل، جلد 2، یادداشت خرد 7

عدم دخالت

قانون عدم دخالت. مسئولیت روح در زمینه عدم دخالت در امور روح های دیگر، و قائل شدن آزادی برای آنان دخالت کردن معمولاً نشان دهنده فقدان عشق است و نشانه های دخالت، اغلب عبارتند از بی صبری و پند دادن ناخواسته به دیگران. حتی استاد زنده ECK هم بدون اجازه افراد، وارد امور شخصی شان نمی شود. زیرا این قانون معنوی، چنین کاری را منع می کنند.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

حتی استاد ECK هم بدون اجازه افراد، وارد امور شخصی شان نمی شود. زیرا قوانین معنوی، چنین کاری را منع می کنند.

نسیم تحول، فصل 31

و اما درس: یک وجود معنوی، هرگز نباید به حریم شخصی دیگران تجاوز کند، حتی اگر برای امرار معاش خود باشد.

زندگی نامه پیامبر امروزی، فصل 28

هر کسی که به هر وسیله ای، تغییر یا تأثیری بر ذهن دیگران وارد آورد، مثلاً از طریق دعا کردن، درواقع دارد قوانین آگاهی معنوی را زیر پا می گذارد.

اکنکار - کلید جهان های اسرار، فصل 12

وقتی کسانی را که دچار انواع سختی ها و مشکلات هستند می بینیم، می توانیم محبت نشان دهیم، ولی این را هم می دانیم که در نقطه ای در مسیر زندگی، خود این افراد بوده اند که با کارها و تلاش های شان، این مشکلات و سختی ها را به سوی خود کشانده اند. ما به آنها اجازه می دهیم تا در آزادی کامل، این مشکلات را داشته باشند. اگر زمانی از ما درخواست کمک و یا همدردی کردند، می توانیم چنین کنیم، ولی هیچ وقت در مشکلات دیگران دخالت نمی کنیم و آن مشکلات را به گردن نمی گیریم و نمی گوئیم که مثلاً من پول درمان بیماری ات را می دهم. ما به قوانین روح الهی واقفیم.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 4

استاد زنده ECK هرگز و در هیچ زمانی در زندگی شما دخالت نمی کند، زیرا وضعیت آگاهی شما درست مثل منزل تان است. و این زیرپا گذاشتن قوانین معنوی است، اگر کسی بخواهد بدون اجازه شما وارد منزل تان شود. مشکلاتی را که داریم، خودمان بوجود آورده ایم، و آنهم به خاطر عدم اطلاع از این قوانین معنوی است. این قوانین، چه از وجودشان آگاه باشیم و چه نباشیم، در حال عمل کردن هستند.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 5

فرد وقتی قانون معنوی را زیر پا می گذارد، حتی اگر از روی عدم اطلاع از آن قانون هم بوده باشد، موظف به پرداختن بهایش است. این بالاترین قانون است. با دیگران چنان کن که دوست داری با تو شود. یعنی اگر دوست نداری کسی در زندگی ات فضولی کند، پس تو هم باید چنین حق و امتیازی را برای دیگران قائل شوی.

چگونه خدا را بباییم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2، فصل 10

حتی در ECK هم همیشه به این امر واقف نیستیم که وقتی قانون عدم دخالت را زیر پا می گذاریم، به خاطر فقدان عشق است.

امثال الحكم ECK، جلد 4، داستان 49

افراد خیرخواه- که اغلب هم بی صبر هستند- گاهی قانون عدم دخالت را فراموش می کنند.

همچون عقاب ها می آییم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 9، فصل 8

اکثر انسان ها وقتی پا به سن می گذارند و بدن شروع به کهنلت می کند، دچار مشکلات سلامتی می شوند، این بخش طبیعی از زندگی است. ولی کسانی که در امور دیگران دخالت می کنند، بدون آنکه از قوانین روح الهی اطلاعی داشته باشند، خیلی بیشتر از حالت طبیعی، دچار چنین مشکلاتی می شوند.

طبل آهنگ زمان، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 10 فصل 6

چه دانش ما راجع به نحوه نگهداری از چمن های جلوی خانه مان باشد و چه در مورد قوانین معنوی، اعتقادات معنوی و یا هر چیز دیگری، هرگز این حق را ندایم که دانش و عقاید خود را به دیگران تحمیل کنیم. دیگران نیز چنین حقی در مورد ما ندارند. این بخشی از آزادی روح است...

اصلاً چرا یک مذهب باید سعی کند دیگران را تحت فشار قرار دهد، آن هم خیلی ساده به این دلیل که احساس می کنند چنین حقی دارند؟ این یعنی زیر پا گذاشتن قوانین معنوی، شما حق ندارید خواسته خود را به دیگران تحمیل کنید و اسمش را خواست خدا بگذارید.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 2

یکی از قوانین جهان معنوی این است که نمی توانید آزادی دیگران را بگیرید و بعد هم انتظار آزادی برای خودتان داشته باشید.¹⁰⁷

بعضی شاید این را انگیزه ای خودخواهانه بنامند، اینکه شما به دیگران آزادی بدهید تا خودتان بتوانید از آزادی برخوردار باشید. خوب، بله همین طور است. زیرا کتاب قوانین، و یا قوانین معنوی، خیلی دقیق

¹⁰⁷ عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه/ پای آزادی چه بندی گر به جایی رفت رفت

است. این قوانین معنوی بر اساس قانون عشق استوارند.

روش بقای معنوی در دنیای امروز، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 16، فصل 6

قانون معنوی هست که می گوید، نمی توانید از استادان ECK بخواهید که در زندگی دخالت کنند.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 6

یکی از برکات این دنیا، و یا شاید بلاهای آن، این است که روح می تواند هر آنچه را می خواهد، انجام دهد. او دارای اراده آزاد است. البته جمله ای هست که می گوید، جایی که آزادی تو شروع می شود، آزادی من تمام می شود. و جایی که آزادی من شروع می شود، آزادی تو تمام می شود. مردم اگر عشق را درست درك کنند، این مطلب را نیز خواهند فهمید.

خیلی ها که امروزه خود را پیروان عشق می دانند، قادر به درك این ارتباط خیلی ساده نیستند- که جایی که آزادی تو شروع می شود، آزادی من تمام می شود، و بالعکس. مسأله این چنین عمل می کند.

روش بقای معنوی در دنیای امروز، سخنرانی ها ماهانتا، کتاب 16، فصل 15

و فور

قانون و فور¹⁰⁸. وقتی زندگی مان را با عشق و سپاسگزاری می گذرانیم، داریم طبق قانون و فور عمل می کنیم. این نگرش که برای همه به اندازه کافی وجود دارد، خیلی بیشتر از کافی، البته اگر مردم بدانند که چطور باید برکات خداوند را بیابند.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

این نگرش بیان می کند که برای همه به اندازه کافی وجود دارد. این خلقت، خلقت و فور و فراوانی است.

برای همه ما خیلی بیش از حد کافی وجود دارد. البته اگر بدانیم که چطور برکات خداوند را بیابیم.

آزادی معنوی چیست؟ سخنرانی های ماهانتا، کتاب 11، فصل 5

این فرد، دید بسیار خوبی در مورد قانون و فور داشت. او احساس ثروتمند بودن می کرد، زیرا همسری دوست داشتنی، فرزند خوب، و خانه خوبی داشت. او چنان ثروتمند بود که شاید هیچ کس در زمین نتواند آن را درك کند. گاهی اوقات، افرادی که خود را ثروتمند می نامند، خانه ندارند، ولی دوستان خوبی دارند. اینان می گویند: از اینکه اینجا هستم خوشحالم، و دارم از نظر معنوی رشد می کنم. به نظر من، اینان انسان هایی هستند که دارند طبق قانون و فور زندگی می کنند.

اینان ثروت روح الهی را درون خود یافته اند و به همین دلیل نیز انسان هایی هستند که به دنیای خارج می روند و به انسان هایی که در روز برخورد می کنند، چیزی بیشتر از ثروت را ارائه می دهند.

آزادی معنوی چیست؟ سخنرانی های ماهانتا، کتاب 11، فصل 5

اگر می خواهید برکات بیشتری از خداوند را وارد زندگی تان کنید، ابتدا بنشینید و ببینید چه چیزی را دوست دارید در زندگی تان داشته باشید. اول باید آن را بدانید سپس برنامه ای منطقی بریزید تا به آن برسید. آنگاه یادتان باشد که هیو، آواز عاشقانه برای خداوند را نیز بخوانید.

زندگی خود را با عشق و سپاسگزاری طی کنید اگر بتوانید چنین کنید به نظر من در خواهید یافت که قانون و فور، واقعاً عمل می کند. به نظر من، آنگاه خود را ثروتمندترین فرد دنیا خواهید دانست.

آزادی معنوی چیست؟ سخنرانی های ماهانتا، کتاب 11 فصل 5

¹⁰⁸ آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه / بر نتابد کوه را یک برگ کاه

تداوم فزاینده

قانون تداوم فزاینده. تمایل و کشش ذاتی روح برای رسیدن به وضعیت های بالاتری از وجود.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

یکی از اصول یا قوانین ECK، این است که همیشه گام دیگری برای برداشتن وجود دارد. همیشه بهشت دیگری پیش روی مان است.

امثال الحکم، جلد 1، فصل 12

عنصر به علاوه (+1) در زندگی استادان ECK نیز وجود دارد. حالتی اسرار آمیز می دهیم و می گوئیم: « آنان به تکامل رسیده اند.» آنان در سطح ما به استادان خاصی به تکامل رسیده اند. ولی در معنای مطلق آن، از نظر معنوی، همیشه گام دیگری برای برداشتن وجود دارد. این شامل تمام استادان ECK هم می شود. به همین دلیل نیز، استادان ECK¹⁰⁹ در یک سطح، سطحی دیگر، سطحی بالاتر و بالاتر وجود دارند. استادان ECK، مسئولیت های متفاوتی دارند. هر یک از آنان در حال فعالیت در سطح خاص خود هستند، در هر

جایی که از نظر معنوی با آن راحت هستند.

راز عشق، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 14، فصل 3

به دلیل وجود عنصر «به علاوه» در ECK، حتی رهبر معنوی اکنکار نیز همواره در حال یادگیری است.

هیو باشید، فصل 28

این عنصر سوگماد- آگاهی در حال توسعه- مبنای عنصر به علاوه را در تعالیم ECK تشکیل می دهد. معنای آن این است که همیشه بهشت دیگری جلوی روی مان وجود دارد. همیشه سطح آگاهی بالاتری برای رسیدن هست.

از استاد بپرسید، جلد 2، فصل 12

دنیای اکنکار، دنیایی بی پایان است، زیرا عنصری درون آن وجود دارد که آن را عنصر به علاوه (+) می نامیم. هرگز پایان آن را نمی توان یافت. وسعت آن بیش از کلمات، بیش از احساس، و فراتر از تخیل است.

¹⁰⁹ در این غوغا که کس را نپرسد/من از پیر مغان منت پذیرم

من که خواهم که ننوشم بجز از راقم خم / چه کنم گر سخن پیر مغان ننوشم

چهل سال بیش رفت که من لاف می زنم/کز چاکران پیر مغان کمترین منم

سرزمین های دور، فصل 2

ما هرگز به آن وضعیت تکامل نهایی که مکاتب عرفانی مختلف، همیشه در آرزویش هستند نمی رسیم. تکامل، همیشه گامی فراتر از تکامل قبلی است، و آن کس که حکمتی عمیق از خداوند دارد، این را می داند. بنابراین همیشه به آنچه دارد راضی است، تا اینکه مرحله بعدی برای شکوفایی آماده می شود.

دفترچه معنوی، فصل 8

در دستیابی به تکامل معنوی، همیشه عنصر به علاوه وجود دارد. همیشه گامی دیگر برای برداشتن وجود دارد، بدون توجه به موفقیت هایی که تا آن لحظه داشته ایم. اگر فرد بتواند به تکامل کامل برسد، آنگاه می تواند به جای خدا بنشیند و این نه تنها غیر ممکن و غیر عملی است بلکه خیلی نامعقول نیز هست.

دفترچه معنوی، فصل 2

سکوت

قانون سکوت. قانون سکوت، که معنای آن عبارت است از ساکت بودن در مورد تعالیم سری، امور شخصی خود و با ECK، و کلمه سری ای که در وصل ها داده می شود.

دریایی کیهانی از واژه ها: واژه نامه اکنکار

قوانین معنوی، مثلاً قانون سکوت، ممکن است در ظاهر به نحو آرامش بخشی ساده باشد، ولی حوزه عملکرد آن، فقط نمایان می شود که فرد سعی در عمل به آن می کند. معنای این قانون این است که فرد باید در مورد هر آنچه که میان او و ماهانتا، استاد درون می گذرد، سکوت اختیار کند: البته مگر اینکه خود استاد، خلاف آن را از او بخواهد. ولی انسان ها معمولاً چنین قوانینی را نادیده می گیرند، بخصوص وقتی این آزمون ها در مورد خود آنها اجرا می شود.¹¹⁰

کلام زنده، جلد 1، فصل 5

ECK مقدس، یا همان کلام سری، باید در سکوت تمرین شود. فقط آنانی که کلمه سری را در وصل دریافت کرده اند می توانند از طریق ماهانتا، برکات سوگماد را دریافت کنند. تمرین کردن کلمه سری هر اصل، باید با صدای بلند در تنهایی یا در سکوت در مقابل عموم، صورت گیرد. او نه تنها در مورد کلمه سری خود، بلکه در مورد امورش با ECK و هر آنچه در تعالیم اسرار به او داده می شود نیز باید قانون کامیت¹¹¹ (Kamit) یا همان قانون سکوت را اجرا کند

او هر آنچه که از طریق کانال های درونی اش بطور سری از ماهانتا می گیرد را باید جزو اسرار خود نگه دارد و در موردش با هیچ کسی صحبت نکند. او باید قانون سکوت را در مورد کسانی که نباید از اسرار ECK آگاه شوند، اجرا کند. او در مورد ماهانتا و ارتباط درونی خود با وی، هیچ سخنی نمی گوید. کسانی که در این موارد سکوت نکنند، در حال زیر پا گذاشتن قلب فعالیت های ECK هستند و در هر صورت، باید بهایش را بپردازند.

¹¹⁰ پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش/ که مگو حال دل سوخته با خامی چند غزلیات حافظ... غزل ش ۲۸۱

تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنوی/ گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش غزلیات حافظ... غزل ش ۶۸۲

¹¹¹ بر لبش قفلست و در دل رازها/ لب خموش و دل پر از آواها

عارفان که جام حق نوشیده اند/ رازها دانسته و پوشیده اند

هر کرا اسرار کار آموختند/ مهر کردند و دهانش دوختند... دفتر پنجم مثنوی معنوی... بخش ۸۸

فرد می تواند در مورد آثار بیرونی ECK با آنانی که علاقمند و در جستجوی امنیت و اطمینان معنوی هستند صحبت کند. او می تواند با آنانی که خواستار اطلاعاتی بیشتر به منظور چلای ECK شدن و پیمودن مسیر خالص به جهان های بهشتی هستند، در مورد آثار بیرونی ECK صحبت کند.

شریعت-کی- سوگماد، جلد 1 فصل 9

ما باید برای شکوفایی معنوی خودمان فعالیت کنیم. در طول این مسیر، کسی نایستاده تا ما را تشویق به فعالیت و ادامه دادن کند. دیگران خیلی به ندرت از تجارب ما با نور و صوت ECK مطلع می شوند، زیرا ما از قانون سکوت پیروی می کنیم. وصل های دورنی ممکن است سال ها قبل از گرفتن برگه صورتی (Slip) که ما را دعوت به کامل کردن چرخه وصل مان در جهان فیزیکی می کند اتفاق بیفتد.

کلام زنده، جلد 1، فصل 37

قانون سکوت، قانون خوبی است. بهتر این است که مشکلات خود را در معرض دیگران نگذاریم تا نشینند و در موردش صحبت کنند. اساتید ECK به ما می گویند: پر حرفی و غیبت را فراموش کنید، نیازی به آن ندارید اساتید می خواهند به ما بگویند که نمی خواهند ما پر حرفی کنیم و یا پشت سر دیگران حرف بزنیم زیرا این کار، کار شریفی نیست، کار معنوی ای نیست. این یعنی اینکه تمام این مفاهیم و امور ذهنی، هیچ معنایی برای ما ندارند.

مسافرت روح، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 1، فصل 6

وقتی کسی خواستار دانستن مطالبی در مورد تجارب شما در ECK است. لزومی ندارد توضیحی بلند بالا و مفصل ارائه دهید. می توانید از قانون سکوت پیروی کنید و خیلی ساده به او بگویید: «تجربیات من در ECK اهمیتی ندارد، آنچه خودت تجربه می کنی مهم هستند.» فقط یکی از کتاب های ECK را به او بدهید و بگویید: «تمرینات معنوی این کتاب را انجام بده. اگر دیدی برای عمل کردند، که خوب، این مسیر چیزی برای ارائه به تو دارد. اگر نه، شاید این مسیر تو نباشد. به هر حال خودت امتحانش کن.

چگونه خدا را بیابیم، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 2 فصل 7

قانون سکوت، یکی از قوانینی است که در ECK با آن آشنا هستیم. معنای آن خیلی ساده این است: اگر حقیقتی هست که از نظر معنوی خیلی خیلی برایت مهم است، آن را نزد خودت حفظ کن.¹¹² این به معنای صحبت نکردن با دیگران و یا کمک نکردن به آنها نیست. ولی اگر مطلبی هست که بطور

¹¹² دم مزن تا بشنوی از دم ز نان / آنچ نامد در زبان و در بیان

دم مزن تا بشنوی زان آفتاب / آنچ نامد در کتاب و در خطاب

دم مزن تا دم زند بهر تو روح / آشنا بگذار در کشتی نوح (جلال الدین رومی بلخی)

خاص به شما داده شده، درسی معنوی که برای آموختن نکته در حقیقت بر سر راه تان آمده، به محض اینکه متوجه اش شدید، چیزی در موردش به کسی نگوئید. بگذارید روح الهی، خودش همه چیز را برایتان فراهم کند. زیرا در این صورت، نکته آن درس را خواهید گرفت. ولی اگر چنین نکنید، آن را هدر می دهید. آن درس، دود می شود و به هوا می رود.

روش بقای معنوی در دنیای امروز، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 16، فصل 2

تعالیم ECK، قانون سکوت را به ما یادآوری می کنند. اگر تلاش کنید تجربه خود را در قالب کلمات درآورید، این می تواند برایتان با افرادی که حرف تان را باور ندارد و اطراف تان هستند مشکلاتی را ایجاد کند. آنها به خاطر تردیدشان، هر کاری از دستشان برآید را انجام می دهند تا آن تجربه را برای تان نابود کنند.

گشودن جعبه معما، سخنرانی های ماهانتا، کتاب 6، فصل 11

بیش از این نمی توانیم روی قانون سکوت تأکید کنم. فقط اینکه، این قانون غالباً تنها عامل تعیین کننده در این مورد است که چه کسی از نظر معنوی رشد و پیشرفت می کند.

دیسکوس های رویایی ECK 2، درس 6

چهار دیسکوس استاد، درس 2

شاید بتوان گفت که دشوارترین آزمون وصل نهم، قانون سکوت است. مواقعی پیش می آید که ظاهراً تمرینات معنوی ECK، دیگر برایم عمل نمی کردند حالا که فکرش را می کنم، می بینم که عموماً این مسأله دو دلیل داشت: یا یکی از قوانین معنوی، مثلاً قانون سکوت را زیر پا گذاشته بودم، یا اینکه زندگی معنوی ام وارد یکی از مراحل استراحت خود شده بود.

از استاد بپرسید، فصل 2

قانون سکوت، اصلی معنوی است که مرز بسیار باریک و ظریفی را ایجاد می کند. اگر تجربه ای دارید که به دیگران در درك تجربه شان کمک می کند، می توانید تجربه خود را به روشی مناسب برای آنها تعریف کنید.

در ضمن، از این مسأله اطمینان حاصل کنید که تعریف کردن تجربه تان، واقعاً به آن افراد یا افراد

کمک می کند. ما گاهی دوست داریم جلوی دیگران به پیشرفت معنوی خیالی خود ببالیم. خودتان وقتی زیادی بگویید می توانید متوجه مسأله شوید: در این مواقع، معده تان منقبض می شود و احساس ناراحتی می کنید. برای بعضی ها کلی طول می کشد تا به علائم بدن خود در برابر تأثیر کلمات شان بر دیگران واقف شوند. ولی می توانید آن را یاد بگیرید. وقتی سعی کنیم به دیگران گوش کنیم و آنها را با حکمت عظیم شان بمباران نکنیم، آموختن قانون سکوت، خیلی آسان تر می شود.

از استاد بپرسید، فصل 7

چلا در وضعیت رویا، انواع و اقسام دلایل آگاهانه و غیرآگاهانه را در مورد پیروی از قانون سکوت و صحبت نکردن از ارتباطش با ماهانتا دریافت می کند. به عنوان یک قاعده تجربی، هر گاه سرعت زندگی درونی اش چنان بالا باشد که او نتواند تعادلش را در زندگی بیرونی حفظ کند، می تواند سرعت تجربیات معنوی اش را با در میان گذاشتن آنها با کسی که با او هم عقیده و نزدیک است، کاهش دهد.

سفر روح 2، درس 9

وقتی خداوند پیام خود را در گوش مان نجوا می کند، باید این تجربه مربوط به جهان های درون را نزد خود نگه داریم وگرنه از ما گرفته می شود. دلیل قانون سکوت همین است: که اجازه دهیم بذر حقیقت در درون مان گل بدهد و به دنیا اجازه ندهیم تا آن را قبل از اینکه شکوفه هایش باز شود، از ما بدزدد.

دیسکوس های ست سنگ ECK، سری چهارم، درس 7

وجودهای عظیم الشان، استادان نظام وایراگی، دوستدار این هستند که آزادانه میان واصلین در رفت و آمد باشند، ولی این به این معناست که باید به آنان فضایی کامل از خلوت و محرمانه بودن داده شود. بنابراین به یاد داشته باشید که اگر می خواهید همراه با این روحنوردان¹¹³ گام بردارید، حفظ قانون سکوت در زندگی درونی تان الزامی است.

دیسکوس های ست سنگ ECK، سری سوم، درس 6

¹¹³ منگر به گرد تن بنگر در سوار روح / می جو سوار را به نظر در میان گرد
به سوار روح بنگر منگر به گرد قالب/ که غبار از سواری حسن و منور آمد